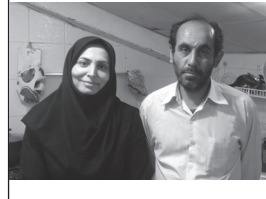


توان یاب

سال هفدهم شماره ۶۶
(زمستان ۱۳۹۶)

۲	سرمقاله
۴	شروع بازنگری در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، از طرف سازمان بهزیستی بود
۷	قانون به تنهایی نمی تواند مشکلات را حل کند، هر چقدر هم که کامل باشد
۱۴	دکتر علی همت محمودنژاد
۱۷	الزامات حقوقی اشتغال افرادی که معلولیت دارند
۱۹	لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت
۲۲	قانون، معلول و معلولیت
۲۶	گزارشی در مورد رفع ایرادات شورای نگهبان از لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت
۳۱	کمپین پیگیری تصویب لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت
۳۲	نگاهی آسیب شناسانه به قانون جامع حمایت از معلولان
۳۸	گوازی از کلاس نقاشی رعد
۴۲	یک چهره
۴۵	چرخه شوم فقر و معلولیت!
۴۶	زمزمه
۴۷	امیدواریم که از طریق این موسسه بتوانیم نام و یاد سارا مصفا را زنده نگه داریم
۵۰	خدا را شکر که در کنار هم زندگی عاشقانه و آرامی را تجربه می کنیم
۵۳	زمزمه
۵۴	فعالیت های آموزشی و توانبخشی مجتمع رعد به جزیره قشم رسید!
۵۵	فوره، گابریل
۵۶	سلامت
۵۹	معرفی کتاب
۶۰	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح خو

سر دبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمدرضا دشتی، منصوره پناهی

دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن سنج
همکاران این شماره:

سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
سودابه بیات، نازنین رحیم زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
حروفچینی: سودابه بیات
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده

نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان
پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶-۱۴۴۴
۱۴۴۴-۱۴۶۶۵

شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶-۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات
و دیدگاه های صاحب نظران
استقبال می کند. مقالات
ترجمه شده همراه با کپی
اصل مقاله ارسال شود.
مقالات ارسالی پس فرستاده
نمی شود. توان یاب در ویرایش
و کوتاه کردن مطالب آزاد است

قوانین حمایتی، تضمین کننده زندگی امن برای گروه‌های آسیب‌پذیر در هر جامعه است. لوایح حمایتی این امکان را به گروه‌های در معرض آسیب می‌دهد که کاستی‌های زندگی خود را به حداقل برسانند. قوانین حمایتی با هدف کاهش ناتوانی و نیز تقویت توانایی‌های گروه‌های کم‌توان تدوین می‌گردند.

یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر افرادی دارای معلولیت هستند. دولت‌ها موظفند با تدوین و تصویب لوایح و قوانین، شرایط زیست برابر با دیگر شهروندان را برای آنها میسر سازد.

اولین بار در سال ۱۳۸۳ «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ولی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ضمانت اجرایی نداشت زیرا به صورت طرحی بود که توسط خود نمایندگان در مجلس مطرح شده بود، در حالی که یکی از الزامات قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ضمانت اجرایی آن است و این مهم در صورتی اتفاق می‌افتاد که قانون فوق به عنوان یک لایحه از سوی دولت به مجلس فرستاده شود تا با تصویب آن، وزارتخانه‌ها و نهادهای متعدد موظف به اجرای آن شوند. آن قانون بعدها از طرف سازمان بهزیستی، تشکل‌ها، سمن‌ها و افراد صاحب نظر مورد بازنگری قرار گرفت و پیش‌نویس جدیدی برای آن تهیه شد. پیش‌نویس جدید نیز در کمیسیون‌های بهداشت و درمان، کمیسیون اجتماعی، کمیسیون برنامه و بودجه، کمیسیون محاسبات و عمران، کمیسیون اقتصاد و کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت.

لازم به ذکر است که در گذشته نه چندان دور واژه معلول به کسانی اطلاق می‌شد که یا دچار ضعف حرکتی بودند یا از ضعف قوای ذهنی رنج می‌برند، در حالی که در حال حاضر کلیه کسانی که به نوعی دچار کاستی‌های جسمی و یا روانی دراز مدت و غیر قابل درمان هستند و نیز سالمندان جملگی در گروه معلولان قرار می‌گیرند.

چنانکه در کشورهای توسعه یافته اگر فردی از کم‌شنوایی حتی یک گوش یا نابینایی حتی یک چشم هم در رنج است و یا دارای بیماری‌های مادرزادی و یا غیر مادرزادی لاعلاج هستند، این افراد در گروه معلولان قرار می‌گیرند.

در نتیجه «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» نیازمند لحاظ کردن همه مواردی است که با تعریف امروزی واژه معلول همخوانی داشته باشد،

و از آنجایی که ایران به کنوانسیون بین المللی حقوق افراد دارای معلولیت پیوسته، ضرورت دارد که این قوانین با اصول کنوانسیون نیز مطابقت داشته باشد.

مطالعه «قانون جامع حمایت از حقوق معلولین» به ما نشان می دهد که این لایحه ۳۵ ماده‌ای، بیمه‌ها را موظف به پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت با رعایت استانداردهای روز نموده است. حتی بیمه کل خدمات توانبخشی مانند فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و شنوایی در صورت تصویب این لایحه تحت پوشش بیمه‌ها قرار خواهند گرفت.

همینطور ماده‌ای از این لایحه، اختصاص به مناسب‌سازی برای تسهیل تردد و تحرک معلولین دارد و دستگاه‌های متولی صدور مجوز، مکلفند ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد دارای معلولیت و استانداردها را در شرایط و الزامات صدور مجوز قرار دهند.

از دیگر موارد مهم این لایحه معافیت یکی از فرزندان والدینی است که دارای معلولیت هستند که در یکی از بندهای این لایحه پیش‌بینی شده است.

از دیگر نقاط قوت این لایحه توجه خاص به کارآفرینی و تامین اشتغال برای افراد دارای معلولیت است که از نیازهای مبرم هر انسانی، چه سالم و چه توانیاب است.

تامین مسکن ارزان قیمت برای توانیابان و حمایت قضایی و تسهیلات مالیاتی برای آنها و تامین معیشت و حمایت‌های اداری و استخدامی به اضافه برنامه‌های پیشگیرانه از بروز معلولیت از جمله نقاط قوت این لایحه است.

عده ای بر این عقیده‌اند که این لایحه با یک لایحه حمایتی جامع و مانع که کلیه بایدها و نبایدهای افراد دارای معلولیت را پوشش دهد فاصله زیادی دارد. درخصوص این نظر همیتقدر می توان گفت که این لایحه، اولین لایحه‌ای است که به طور کارشناسانه به مسئله توانیابان و نیازهای آنها توجه کرده است در نتیجه می‌توان از این لایحه به عنوان یک میثاق ملی برای حمایت از کلیه کسانی که دارای معلولیت جسمی و روانی هستند نام برد و به مرور زمان نیز این امکان وجود دارد که کاستی‌های آن را کاهش و برافزودنی‌های آن افزود. کلیه لوایح حمایتی در سراسر جهان از یک متن مادر آغاز گردیده‌اند و با گذر زمان و تغییرنیازها و امکانات به متنی جامع تبدیل شده‌اند.





دکتر حسین نحوی نژاد، معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور است. او پزشک است و دکترای تخصصی سالمندان را دارد. دکتر نحوی نژاد سوابقی طولانی در مدیریت‌های مختلف در حوزه بهزیستی داشته و از سال ۱۳۹۰ در سمت معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور ایفای نقش می‌کند. با ایشان در مورد مسیری که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان طی کرد تا به لایحه حقوق معلولان که در شرف مطرح شدن در صحن علنی مجلس شورای اسلامی است رسید، به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور؛

شروع بازنگری در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، از طرف سازمان بهزیستی بود

تشکل‌ها، سمن‌ها و افراد صاحب‌نظر از گروه هدف، با برگزاری جلساتی متعدد در سازمان بهزیستی، پیش‌نویس اولیه قانون را تهیه کردند. این پیش‌نویس به وزارت تعاون رفت. وزارت تعاون باز هم از سمن‌ها و صاحب‌نظران دعوت به عمل آورد و پیش‌نویس جدیدی تهیه شد. این پیش‌نویس جدید که بیش از ۷۰ ماده داشت، به کمیسیون اجتماعی دولت رفت. کمیسیون اجتماعی یک زیر کمیسیون داشت که سازمان بهزیستی در آن شرکت داشت. این قوانین در این زیر کمیسیون باز هم چکش‌کاری شد تا اینکه به صحن اصلی کمیسیون اجتماعی دولت رسید. هیات دولت در کمیسیون اجتماعی، اعلام کرد که یک سری از این قوانین از وظایف ذاتی دولت است و نیازی به قانون ندارد. بنابراین بیست‌وهشت ماده از آن را به صورت یک مصوبه، از زیر گروه قانون جامع

پیشنهاد ما این بود که به هر نحوی که می‌شود یا در قالب بیمه و یا حتی به صورت پرداخت مستقیم، کل خدمات توانبخشی افراد دارای معلوبیت؛ مانند فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و شنوایی‌سنجی تحت پوشش بیمه قرار گیرد

شود. سوم اینکه در این مدت، ایران به کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت پیوسته بود و ضرورت داشت که این قوانین با کنوانسیون هم مطابقت داده شود. به همین خاطر بازنگری قانون حمایت از حقوق معلولان در دستور کار قرار گرفت. شروع این بازنگری از طرف سازمان بهزیستی بود. یک سری از

آقای دکتر! لطفاً مسیر اقدامات انجام‌شده در خصوص بازنگری قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که حالا به عنوان لایحه در مجلس شورای اسلامی منتظر تصویب شدن است، توضیح دهید. چه ضرورتی برای بازنگری این قانون وجود داشت؟

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب مجلس رسید اما با گذر زمان معلوم شد که نواقصی در این قانون وجود دارد. سه ایراد مهم به این قانون گرفته شد؛ یکی اینکه این قانون ضمانت اجرایی نداشت چون به صورت طرح توسط خود نمایندگان در مجلس مطرح شده بود و لایحه نبود. دوم اینکه بعد از گذشت یک دهه، مطالبات افراد دارای معلولیت متفاوت شده و نیازهایشان فرق کرده بود پس لازم بود که درخواست‌های جدیدشان هم دیده



جدا کرد. مناسب‌سازی از این جمله بود و قرار شد یک شورای نظارت و هماهنگی، وظیفه نظارت بر اجرای این مصوبات را برعهده بگیرد. بقیه بندهای قانونی هم در قالب لایحه به مجلس فرستاده شد. متأسفانه این قانون دوپاره شد، درحالی‌که هم، سمن‌های حوزه معلولیت و هم بهزیستی معتقد بودند که همه اجزای این قانون در قالب یک قانون واحد باید به تصویب برسد.

چرا این نهادها با دوپاره شدن قانون مخالف بودند؟

چون ممکن بود دولت‌های بعدی به این مصوبات پایبند نباشند و از طرفی تعهدی که دولت برای قوانین مصوب قائل است، شاید برای مصوبات داخلی نداشته باشد. بنابراین تنها بیست‌وپنج ماده این قانون به صورت لایحه به مجلس قبل فرستاده شد. در مجلس، یک کمیسیون مشترک برای بررسی این مواد قانونی تشکیل شد و لایحه‌ای را با سی و یک ماده تدوین کرد. این سی و یک ماده بار مالی زیادی را بر دولت تحمیل می‌کرد برای تسریع درکار، لایحه اصلاح شده در قالب اصل هشتادوپنج برای شورای نگهبان فرستاده شد.

لطفاً توضیحی در مورد اصل هشتادوپنج دهید؟

معنای اصل هشتاد و پنج این است که بعضی اوقات کمیسیون‌های مجلس می‌توانند قانونی را مستقیماً و بدون اینکه در صحن مجلس ارائه شود تصویب کنند و برای شورای نگهبان بفرستند. قوانینی که اصل هشتاد و پنجی می‌شود به صورت آزمایشی اجرا می‌شود. ولی شورای نگهبان دو ایراد کلی به این لایحه گرفت؛ یکی اینکه مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند. مجلس فقط در موارد ضروری می‌تواند این کار را انجام دهد و چون ما یک قانون جامع قبلی داشتیم، عملاً ضرورتی نبود که این قانون هشتاد و پنجی شود. پس باید در صحن مجلس مطرح و تصویب می‌شد و از طرفی چون به صورت آزمایشی تصویب شده بود، عملاً نافی قانون قبلی بود. ایراد دوم شورای نگهبان این بود

از موارد مهمی که در این قانون دیده شده، تشکیل شورای عالی معلولان است که زیر نظر ریاست جمهوری، نمایندگان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف و با حضور نمایندگان معلولان برگزار می‌شود

دولت است که با تغییرات جزئی به مجلس فرستاده شده و در حال حاضر در اختیار کمیسیون مشترک بررسی لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت قرار دارد. امیدواریم با پیگیری‌هایی که سمن‌های معلولان انجام می‌دهند، به زودی به صحن مجلس فرستاده شود. به پیش‌بینی شما این قانون چه زمانی به صحن مجلس می‌رود؟ تصمیم بر این است که تا روز دوازدهم آذرماه، روز جهانی معلولان به صحن مجلس برسد. ولی روی این تاریخ اصرار نداریم. مهم این است که لایحه‌ای که مطالبات معلولان را پاسخگو باشد تصویب شود.

این لایحه نسبت به قانون جامع سال ۸۳ چه برتری‌هایی دارد؟

در چندین مورد برتری دارد. یکی اینکه برای کارفرمایانی که افراد دارای معلولیت را به کار می‌گیرند مزایایی در نظر گرفته است. مثلاً بخشی از حقوق این افراد را دولت می‌پردازد. تأکید بر ایجاد صندوق فرصت‌های شغلی هم از برتری‌های این لایحه است. قبلاً افراد دارای معلولیت، برای گرفتن وام اشتغال نیاز به ضامن داشتند. این صندوق هم برای کارفرمایان که افراد معلولیت را به کار می‌گیرند و هم برای معلولانی که می‌خواهند از وام‌های خود اشتغالی استفاده کنند، فرصت‌های خوبی ایجاد می‌کند. آیین‌نامه‌های اجرایی صندوق فرصت‌های شغلی آماده است. مورد دیگری که در این قانون به آن توجه شده، ارائه خدمات بیمه در زمینه توانبخشی برای افراد دارای معلولیت است. در قانون قبلی خدمات بیمه‌ی توانبخشی بر عهده وزارت تعاون گذاشته شده بود در صورتی‌که در قانون جدید این خدمات بر عهده وزارت بهداشت و درمان قرار دارد. البته ما در قالب بیمه نمی‌توانیم خدمات توانبخشی ارائه دهیم و این سیاست‌گذاری از طرف شورای عالی بیمه است. پیشنهاد ما این بود که به هر نحوی که می‌شود یا در قالب بیمه و یا حتی به صورت پرداخت مستقیم کل خدمات توانبخشی افراد دارای معلولیت مثل فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و شنوایی‌سنجی تحت پوشش بیمه قرار گیرد. قوانینی هم که در مورد مناسب‌سازی‌ها در این قانون دیده

که تغییراتی که در قانون ایجاد شده، دست‌کاری در لایحه دولت و تحمیل بار مالی بر دولت است. به همین خاطر، شورای نگهبان لایحه را به مجلس برگرداند. این اتفاقات مصادف با تشکیل مجلس جدید شد. دوباره در مجلس جدید کمیسیون مشترکی برای بررسی لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت شکل گرفت و نمایندگانی از کمیسیون بهداشت و درمان، کمیسیون اجتماعی، کمیسیون برنامه و بودجه، کمیسیون محاسبات، کمیسیون عمران، کمیسیون اقتصادی و کمیسیون قضایی و حقوقی با نمایندگان سمن‌ها، تشکیل شد و نشست‌هایی برگزار گردید. این جلسات در سازمان بهزیستی ادامه پیدا کرد. در جلسه نهایی که با حضور ریاست سازمان بهزیستی، نمایندگان مجلس و نمایندگان دستگاه‌های ذیربط تشکیل شد، لایحه سی‌ودو ماده‌ای تدوین و به مجلس فرستاده شد. اداره قوانین مجلس بر این لایحه نظرات اصلاحی داشت، بنابراین این لایحه مجدداً به کمیسیون مشترک برگشت در زیر کمیته کمیسیون با حضور نماینده حقوقی کمیسیون، ریاست دفتر حقوقی سازمان بهزیستی، رئیس انون تشکیل‌های معلولان و نماینده ریاست سازمان، جلساتی برگزار گردید. بعد از برگزاری جلسات متعدد نظرات مورد بررسی و اعمال قرار گرفت و نهایتاً یک لایحه سی‌وپنج ماده‌ای تدوین شد. این همان قانون سی‌ودو ماده‌ای هیات



خیلی خوبی در لایحه دیده شده که اگر صددرصد مطالبات معلولان را جوابگو نباشد، می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از مطالباتشان را دیده‌است. اگر هنوز کاستی‌هایی وجود داشته باشد، بعداً می‌شود از طریق الحاقیات و متمم‌هایی به آن اضافه کرد. هم اکنون کانون سراسری تشکل‌های معلولان، در حال تدوین لایحه الحاق هستند.

آیا در این قانون معلولان طبقه بندی شده‌اند؟

در ماده یک این قانون، معلولیت‌ها تعریف شده‌اند. ولی تشخیص این‌که معلولیت فرد، شدید است یا خیلی شدید یا متوسط یا خفیف بر عهده کمیسیون بهزیستی است. در بحث مالیات و حق پرستاری و دستمزد، معلولان شدید و غیر شدید تعریف شده‌اند. دولت خودش را موظف کرده به معلولان شدید و خیلی شدید که فاقد شغل و درآمد هستند مستمری مطابق با حداقل حقوق و دستمزد وزارت کار را بپردازد. البته معلولان شدیدی هم داریم که سرکار می‌روند و دارای شغل و درآمد هستند.

امیدوارم که این لایحه به صحن مجلس بیاید، به تصویب برسد و اعتباراتش در بودجه سال جدید دیده شود. البته این کار پیگیری سمن‌ها، نمایندگان مجلس و فراکسیون‌های مختلف را می‌طلبد و لازم است که از طریق رسانه‌ها هم پیگیری شود.

دولت خودش را موظف کرده به معلولان شدید و خیلی شدید که فاقد شغل و درآمد هستند، مستمری مطابق با حداقل حقوق و دستمزد وزارت کار را بپردازد

انجمن عالی در سازمان بهزیستی به این دلیل ایجاد شد که ما هنوز یک شبکه از انجمن‌ها در کشور نداریم. انجمن‌هایی که در شهرستان‌ها هستند از این طریق اطلاعات خود را به سازمان بهزیستی انتقال می‌دهند. در تدوین این لایحه، نمایندگانی از این انجمن عالی و نمایندگان انجمن‌های بزرگ مثل انجمن نابینایان و انجمن ناشنوایان و اساتید دانشگاه حضور داشتند.

به نظر شما لایحه‌ای که تدوین شده است می‌توان مطالبات معلولان را جوابگو باشد؟

حتماً می‌تواند. اگر نمی‌شد که سازمان آن را پیگیری نمی‌کرد. قوانین

شده، نسبت به قوانین قبلی برتری دارد. از موارد مهمی که در این قانون دیده شده، تشکیل شورای عالی معلولان است که زیر نظر ریاست جمهوری، نمایندگان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف و با حضور نمایندگان معلولان برگزار می‌شود. شورای عالی متولی اجرای این قانون است.

بعضی‌ها عقیده دارند که این قوانین خیلی بلند پروازانه است و به همین دلیل است که تصویب آن با تاخیر روبه‌رو شده است. نظر شما چیست؟

چون دولت خودش این لایحه را فرستاده، پس حتماً هزینه‌هایش را هم در نظر گرفته‌است. امیدواریم با تصویب به موقع قانون، قبل از اینکه اصلاحیه بودجه سال آینده داده می‌شود، بودجه این لایحه نیز منظور شود.

نقش سازمان بهزیستی در تنظیم و تدوین این لایحه چگونه بوده‌است؟

بسیاری از جلسات و نشست‌های مربوط به این لایحه در سازمان بهزیستی برگزار شد. بهزیستی همیشه از پیشنهادات سازمان‌های غیردولتی، سمن‌ها و گروه‌های هدف در برنامه‌ریزی‌هایش استقبال کرده‌است. ما یک انجمن عالی سمن‌ها در سازمان بهزیستی داریم که شامل انجمن‌هایی هستند که از بهزیستی مجوز گرفته‌اند و یا با بهزیستی همکاری دارند. کار این انجمن این است که نظرات سایر انجمن‌ها را به اطلاع بهزیستی برساند.



میزگرد چالش‌های پیش روی لایحه قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در تاریخ ۹۶/۷/۱۸ با حضور آقایان محمد صابری وکیل دادگستری و دانشجوی دکترای حقوق، دکتر کامران عاروان، مدیرعامل جامعه معلولین ایران و خانم دکتر آزاده‌السادات طاهری حقوقدان و عضو هیأت علمی دانشگاه و خانم دکتر مریم رسولیان، روانپزشک و سردبیر نشریه توانیاب و آقایان سخن‌سنج، مدیر روابط عمومی مجتمع رعد و دشتی و اعضای هیأت تحریریه نشریه توانیاب در محل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد.



در میزگرد بررسی چالش‌های پیش روی لایحه قانون حمایت از حقوق معلولان مطرح شد؛

قانون به تنهایی نمی‌تواند مشکلات را حل کند، هر چقدر هم که کامل باشد

ایجاد می‌کند. ولی به‌رحال نیاز به اصلاح قانون جامع وجود داشت. قانون جامع مقداری با تعجیل اصلاح شد و به مجلس آمد چون بار اولی بود که چنین قانونی مطرح شده‌بود. نه سازمان‌های غیردولتی و نه سازمان‌های دولتی و نه سازمان بهزیستی هنوز تجربه کافی نداشتند. وقتی این قانون در مرحله اجرا قرار گرفت، در قسمت‌های مختلف مثل بحث مناسب‌سازی و ضمانت‌های اجرایی آن، در بحث اشتغال، در بحث تحصیل و حتی در بحث بودجه با مشکل روبه‌رو شد. این‌که چه کسی متولی اجرای تک‌تک این موارد می‌شد، بهزیستی با این‌همه سازمان‌های قدرتر از خودش و وزارتخانه‌های دیگری که از او حرف‌شنوی نداشتند، چه‌کار می‌توانست بکند؟ باید قبول کرد که جایگاه قانونی بهزیستی پایین‌تر از سازمان‌های دیگر بود. این دلایلی بود که احساس شد که این قانون می‌تواند جامع‌تر و کامل‌تر از این باشد و می‌تواند ضمانت اجرایی بیشتر و قوی‌تری داشته باشد تا بتواند مشکلات بچه‌ها را

محمد صابری: مهم‌تر از همه این‌ها، بحث فرهنگی است. یعنی آیا آن کارفرما و همکاران آمادگی پذیرش افراد دارای معلولیت را در محیط کار دارند؟ در لایحه جدید به این مسائل دقیق‌تر پرداخته شده است

پیدا می‌کند که کسی هست که او را ببیند و از لحاظ روانی برایش یک وجهه مثبت دارد. شما اگر به کمپین‌های حمایت از حقوق معلولان و گروه‌های مختلفی که تشکیل شده سر بزنید می‌بینید که این بار روانی برای افراد دارای معلولیت خیلی قوی است و فکر می‌کنند اگر این قانون تصویب شود یک بهشت برین برای آنها

اولین سوال از طرف خانم دکتر مریم رسولیان، اینگونه آغاز شد.

دکتر رسولیان: اولین سوال این است که به نظر شما ضرورت بازنگری در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوبه سال ۸۳ چه بود و چه ضعف‌هایی در این قانون وجود داشت که این بازنگری اهمیت پیدا کرد؟

دکتر عاروان: واقعیت این است که در بحث قانون بخشی از آن پشتوانه‌سازی و بخش دیگر آن ایجاد بسترهای لازم است. یعنی بستری ایجاد شود تا یک‌سری مسائل حل شود. قانون به تنهایی نمی‌تواند خیلی از مسائل را حل کند ولی می‌تواند بستری ایجاد کند که مشکلات به‌مرور زمان حل شوند. البته از طرفی هم نباید غلو کرد که این قانون جامع است و قرار است همه مشکلات را حل کند. ولی اکثر قوانین بعد از مدتی نیاز به اصلاح پیدا می‌کنند. بحث دیگر بحث تاثیرات روانی قانون است. وقتی از قانون حمایت از حقوق معلولان صحبت می‌شود، فرد دارای معلولیت این حس را



شامل بشود.

خانم دکتر طاهری: تا جایی که من با قانون جامع آشنایی دارم باید بگویم که به نظرم اصلاح قانون جامع از این جهت مورد نیاز بود که در این قانون تنها به بیان یک سری اهداف اکتفا شده بود و راهکارهای اجرایی و عملیاتی را ارائه نداده بود. البته شاید نباید از هیچ قانونی انتظار داشت که لزوماً راهکارهای عملیاتی هم ارائه بدهد. ولی با توجه به حوزه کاری من که بحث اشتغال است، به عنوان حقی که برای همه افراد و طبیعتاً افراد دارای معلولیت را شامل می‌شود، باید بگویم که مثلاً در قانون اولیه گفته شده بود که کلیه دستگاه‌ها چه دولتی و چه غیردولتی باید سه درصد از سهمیه استخدامی خود را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهند. این در حالیست که اولین چیزی که از یک قانون انتظار می‌رود این است که ضمانت اجرایی داشته باشند و در اینجا این سوال پیش می‌آید که اگر دستگاهی به تکلیفش عمل نکند، چه اتفاقی می‌افتد؟ یا اینکه این تکلیف چگونه باید عملی شود؟ فقط گفته شده بود که سه درصد از سهمیه استخدامی باید به کسانی که معلولیت دارند تخصیص یابد. در حالیکه می‌دانیم اگر قرار باشد افرادی که معلولیت دارند، در فضاهای کاری مختلف به کار گرفته شوند اول باید مناسب‌سازی برای حضور آنها صورت بگیرد.

دکتر رسولیان: قانون گفته سه درصد از استخدام‌ها باید از افراد دارای معلولیت باشد، آیا باید همه راهکارها را هم می‌گفت یا می‌شد جزئیات در آیین‌نامه‌های بعدی که هیات دولت می‌خواست آن را اجرایی کند ذکر شود؟
دکتر طاهری: حق با شماست. ما از قانون انتظار نداریم که همه جزئیات اجرایی را هم مقرر کند. ولی اگر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و شیوه‌های تکلیف در قانون ذکر می‌شد، می‌توانست بخشی از این نقص را جبران کند. ولی واقعیت این است که هدفی که در این قانون تعریف شده بود خیلی دقیق نبود. کما اینکه در تجربه کشورهای دیگر دیده‌ایم که چنین اتفاقی نیفتاده است. یعنی صرف تعیین سهمیه کفایت نمی‌کند. من وقتی این لایحه جامع را برای حضور در یک جلسه مطالعه می‌کردم، متوجه شدم که در بحث اشتغال سعی کرده که فقط زمینه‌ها دیده شود. یعنی بیشتر از اینکه یک تکلیف بر عهده بخش خصوصی بگذارد، سعی می‌کند که این زمینه‌ها را جوری فراهم کند که این



دکتر طاهری: وقتی می‌گوییم که افراد دارای معلولیت حق دسترسی به فرصت‌های شغلی دارند یعنی آنها هم مانند سایر افراد بر اساس توانمندی‌ها و سلیقه و خواسته‌هایشان باید به فرصت‌های شغلی دسترسی داشته باشند

اتفاق خودبه‌خود بیفتد، مثلاً از طریق اعطای مشوق‌های مالیاتی و مواردی از این است. برداشت من این است که در بحث اشتغال قانون خیلی اهداف کلی بود. حتی کلی‌تر از اینکه آیین‌نامه‌های بعدی بتوانند نقص‌ها را جبران کنند.

دکتر رسولیان: در واقع لازم بود قانون وارد جزئیات هم بشود؟

دکتر طاهری: دقیق‌تر از اینکه بگویم باید وارد جزئیات می‌شد، باید بگویم که لازم بود اهداف را واقعی‌تر می‌دید. صرف اینکه دولت به کارفرمای بخش خصوصی بگوید تو مکلفی سه درصد از سهمیه استخدامی را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهی این اتفاق نمی‌افتد. این روش‌ها نه فقط در مورد افراد دارای معلولیت که در مورد بقیه افرادی که اشتغال آنها با چالش‌هایی روبه‌رو است هم وجود دارد. ما می‌بینیم که در دنیا از روش‌های دیگری استفاده می‌شود، مثلاً در مورد اشتغال زنان هم به همین صورت است.

دکتر رسولیان: یعنی اگر ما قانون کامل‌تری بنویسیم باز هم این نقص در آن هست. پس با دستورالعمل چیزی درست نمی‌شود؟

دکتر طاهری: نه لزوماً. ولی مثلاً در لایحه حقوق معلولان گفته شده که دولت مشوق‌های مالیاتی می‌دهد، حق بیمه و پنجاه درصد از دستمزد را پرداخت می‌کند. وقتی این شیوه‌های تشویقی مطرح می‌شود، خواه‌ناخواه کارفرمایان تشویق می‌شوند که افراد دارای معلولیت را استخدام کنند. البته فقط همین کافی نیست. مثلاً اگر امکانات حمل‌ونقل فراهم نباشد کسی که معلولیت دارد چگونه می‌تواند خود را به محیط کار

برساند؟ مهم‌تر از همه این‌ها، بحث فرهنگی است. یعنی آیا آن کارفرما و همکاران آمادگی پذیرش افراد دارای معلولیت را در محیط کار دارند؟ در لایحه جدید به این مسائل دقیق‌تر پرداخته شده است. ولی چیزی که به نظر من خیلی مهم بود و شاید اولین نکته‌ای بود که ایجاب می‌کرد که قانون حتماً اصلاح شود و قانون جدیدی نوشته شود این بود که مبنای قانون در دیدگاه قانون مشخص نبود. وقتی در حوزه معلولان قانون می‌نویسیم، باید بینیم نوع نگاهمان نسبت به جامعه هدفمان چیست؟ آیا صرفاً یک نگاه حمایتی است؟ ولی رویکرد ما توانمندسازی است و ایده ما این است که باید افرادی که معلولیت دارند توانمند شوند و جامعه هم آماده شود تا ضعف‌ها و نقایص فیزیکی و فرهنگی که در جامعه وجود دارد را برطرف کند. برای اینکه یک فرد دارای معلولیت بتواند مثل یک فرد تندرست در جامعه فعالیت کند، کار کند و از امکانات جامعه استفاده کند، باید روند تولید و چرخه اقتصادی اجتماعی جامعه اصلاح شود. این در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مشخص نبود. راهکار مشخصی را در پیش نگرفته بود. البته انتظار هم نیست که قانون‌گذار بیاورد و بگوید که ماده یک این است که معلول باید در جامعه مشارکت داشته باشد و ما اصلاً نگاه حمایتی لازم نداریم و فقط دنبال برابری فرصت‌ها هستیم! این باید در مقررات دیده شود و باید از لا به لا و از ماده به ماده و سطر به سطر قانون و سیاست‌ها، منظور شود. به نظرم این دیدگاه در لایحه وجود داشته است. به خصوص که با شناختی که از تدوین‌کنندگان آن داریم می‌دانیم که این دیدگاه را دارند و سعی کرده‌اند در متنی که می‌نویسند این دیدگاه را القا کنند. حالا این که چقدر این متن قانون قابل اجراء است و این که آیا باید حتماً قانون نوشته شود که این اتفاق بیفتد، اینکه آیا این مقررات جزئی که در حوزه حمل‌ونقل و... گذاشته شده‌است به محض قانون شدن اجرایی می‌شود و یا حتی به سمت آن حرکت می‌کند یا نه، بحث دیگری است.

محمد صابری: در بحث مشوق‌های قرار داده شده برای اختصاص سهمیه اشتغال معلولان که به آن اشاره کردند، باید گفت دولتی که امروز چند میلیارد تومان برای حق بیمه‌ای سهم قانونی کارگران بدهکار است اگر حالا بیاورد یک مقرری تصویب کند و تعهدی به تعهدات دولت اضافه کند واقعاً چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا مشکل در عمل حل می‌شود؟ آیا واقعاً

حق بیمه‌ای پرداخت می‌شود؟ دولت که نمی‌تواند حق بیمه عادی خودش یعنی سهم بیست درصدی‌اش را پرداخت کند و به صندوق تأمین اجتماعی بدهکار است حالا یک تعهد اضافه‌ای هم برای خودش بار کرده است بحث این است که باید قانون را طوری بنویسیم که اگر به جای صدتا تعهد تنها یک تعهد را برای دولت یا بخش خصوصی بار می‌کند آن یک تعهد اجرا شود. دوستانی که در جامعه مدنی فعالیت می‌کنند یک نکته‌ای می‌گویند و حرف درستی هم هست می‌گویند ما باید قانون را تصویب کنیم و بعد آن را مطالبه کنیم. ولی یکسری چیزها با مطالبه درست نمی‌شود. آنجا که بحث فرهنگی است و آنجا که بحث تبعیض مطرح است، با مطالبه‌گری و استمرار در فعالیت مدنی درست می‌شود. ولی در جایی که بحث مالی مطرح است وقتی دولت پول ندارد، شما هرچقدر هم مطالبه کنید و هرچقدر فشار بیاورید چه اتفاقی می‌افتد؟ مگر در بخش‌های دیگر چه اتفاقی افتاد؟ در قانون‌های مختلف ما تعهدات مالی بر دولت بار کرده‌ایم خیلی از این قوانین اجرا نشده و قابل اجرا هم نیست. البته حسن این قانون نسبت به قوانین دیگری که تصویب شده این بود که در قالب لایحه تدوین شده است. وقتی که دولت خودش در لایحه‌ای که به مجلس می‌فرستد تعهدی را بر عهده می‌گیرد، فرض بر این است که منابع مالی آن را هم دیده است. یعنی اگر از زمانی که لایحه به مجلس داده می‌شود تا زمانی که تصویب و قانون می‌شود یک‌زمان معقولی پیش‌بینی شود، یعنی می‌تواند آن را اجرایی کنند. ولی بخش‌هایی را که بعضی از گروه‌ها با لابی‌گری و در از خارج مجلس اضافه کردند و بار مالی برای دولت دارد، مشخص است که اجرا نمی‌شود چون دولت نمی‌تواند آن را اجرا کند.

دکتر رسولیان: این داستان که دولت نمی‌تواند اجرایی کند، از زاویه واقع‌بینانه کاملاً درست است ولی از طرف دیگر دولت باید اولویت‌بندی کند و منابع مالی خود را مدیریت کند. یعنی اگر بیمه معلولان اولویت دولت باشد باید از جایی دیگر بزند و این منابع را تأمین کند. یک وقت می‌گوییم خیلی از این مطالبات ایده‌آل‌گرایانه است و یک وقت می‌گوییم حداقل حقوقی است که افراد دارای معلولیت مثل بقیه افراد جامعه باید از آنها برخوردار باشند. این برتری برای آنها نیست بلکه حقی است که تأمین نشده. بالاخره هر

دکتر عاروان: افرادی که معلولیت دارند، از جریان‌های فرهنگی و قانونی و سازمانی جلوتر حرکت می‌کنند. یعنی اگر این قانون‌ها تصویب هم نشوند، ما راه‌های دیگری برای رسیدن به اهداف خود پیدا می‌کنیم

نیست نه به این دلیل که وظیفه دولت نیست بلکه وظیفه ذاتی دولت سیاست‌های رفاهی است و اگر دولت هیچ کار دیگری هم نکند باید بحث برنامه‌های رفاهی را پیگیری کند. امروز اگر قانونی می‌نویسیم برای اجرا در ده سال آینده نیست، قوانین باید ظرف دو هفته قابلیت اجرایی داشته باشند. اگر سند راهبردی بود، اشکالی نداشت که اجرایش به سال‌های بعد موکول شود. مثلاً در این سند راهبردی بگوییم که دولت باید تا بیست سال آینده همه حق بیمه معلولان را پرداخت کند، یعنی اشتغال افراد دارای معلولیت را تسهیل کند، دولت مالیات نگیرد و حق بیمه این افراد را پرداخت کند، دستمزد آنها را پرداخت کند. شما می‌دانید که دستمزد یک فرد دارای معلولیت که در بخش خصوصی کار می‌کند را اگر دولت بخواهد بدهد چه هزینه‌ای است؟

دکتر رسولیان: در واقع شما می‌خواهید بگویید که این مطالبات مقداری آرمان‌گرایانه است؟

صابری: من می‌خواهم بگویم جای این مطالبات در قانون نیست بلکه در سند راهبردی است. یعنی باید سندی نوشته شود که در آن گفته شود که ما در بیست سال آینده یا در ده سال آینده باید به این نقطه برسیم. پس از آن باید شروع کنیم، برای هر سال برنامه بنویسیم، قانون را اصلاح کنیم، یعنی نظام مالی باید اصلاح شود تا به این اهداف برسیم.

دکتر رسولیان: یعنی شما می‌فرمایید که چون از زمانی که قانون تصویب می‌شود، باید بعد از دو هفته قابل اجرا باشد پس باید به صورت سند راهبردی نوشته شود؟

صابری: بله. به نظر من این قانون باید در چارچوب سند راهبردی نوشته شود.

دکتر رسولیان: خانم دکتر طاهری نظر شما در مورد افراط‌گرایانه یا آرمان‌گرایانه بودن این لایحه چیست؟

دکتر طاهری: وقتی می‌گوییم یک بحثی آرمان‌گرایانه یا افراطی است یعنی باید سطح انتظارات را پایین بیاوریم. ولی آقای صابری منظورشان این نبود. منظورشان این بود که این راه برای تأمین مطالبات راه درستی نیست. لفظ آرمان‌گرایانه بودن یا افراطی بودن یک وجهه منفی دارد و مثل این است که داریم قانون را زیر سوال می‌بریم. در صورتی که این حق افراد دارای معلولیت است و هیچ‌کس هم در موردش شکی ندارد. بحثی که آقای

طرح و لایحه جدیدی یک بار مالی دارد. این بار مالی با مدیریت منابع یا تغییر در اولویت‌بندی‌ها دیده می‌شود. آیا چون دولت به تأمین اجتماعی بدهکار است ما نباید این مطالبات را دنبال کنیم؟

آقای صابری: اجازه دهید چند دقیقه در مورد وضعیت مالی دولت و بحث حقوق عمومی توضیح بدهم. شکی نیست که سیاست‌های رفاهی و تأمین اجتماعی اولین وظیفه دولت است. در دنیای امروز کوچک‌ترین دولت را هم که در نظر بگیریم، بعد از بحث تأمین بودجه نظامی و بودجه‌های جاری دولت، تأمین بخش‌های رفاهی به عهده دولت است. اما نکته این است که دولت ایران امروز در چه جایگاهی ایستاده است؟ می‌خواهم شما را به سخنرانی رئیس‌جمهور، امسال در مجلس زمانی که می‌خواست از کابینه‌اش دفاع کند و در آنجا یکسری عدد و رقم را راجع به وضعیت مالی دولت و تعهداتی که دولت از سال‌های قبل دارد را مطرح کند بگویم. متأسفانه در کشور ما بار بخش عمران بر عهده دولت است. اگر یک جاده روستایی یا شهری یا یک ساختمان یا یک پروژه عمومی در این کشور باید ساخته شود، توسط دولت باید انجام شود. به هر دلیل هنوز شرایطی فراهم نشده که بخش خصوصی در این حوزه سرمایه‌گذاری کند. همچنین در بخش حمل‌ونقل و بهداشت و درمان هم بار بزرگی بر دوش دولت است که باید به بخش خصوصی واگذار شود. پس دولت مجبور است کارکنان زیادی داشته باشد و به افراد زیادی حقوق دهد. اینها هزینه‌های جاری است و دولت نمی‌تواند بودجه آن را تأمین نکند. یعنی ما نیاز به اصلاح نظام مالی عمومی مان داریم. این که می‌گوییم این لایحه قابل اجرا



صابری مطرح می‌کنند، در همه گروه‌ها می‌تواند مطرح باشد. در بحث کودکان در بحث آموزش و پرورش و ...

وقتی می‌گوییم نظام آموزش و پرورش ما کارآمد نیست باید بگوییم چگونه می‌شود کارآمد شود؟ اصلاح آن چگونه است؟ یکی از مهم‌ترین راه‌های اصلاح آن این است که معلمان از درآمد مناسبی برخوردار باشند که این هم بار مالی به دولت تحمیل می‌کند. دولت هم که نمی‌تواند این کار را انجام دهد، پس این مشکل همچنان ادامه پیدا می‌کند. پس در همه حوزه‌ها وقتی که وضعیت اقتصادی دولت با آنچه انتظار داریم فاصله دارد، طبیعتاً اصلاح در امور به تاخیر می‌افتد. ولی بحثی که در ادبیات حقوقی مفهومی شناخته شده است، بحث تبعیض مضاعف است. یعنی اگر برای بعضی از گروه‌ها شرایط تبعیض‌آمیز است، برای افراد دارای معلولیت این تبعیض مضاعف است. من از این زاویه با آقای صابری مخالفتی ندارم. آنچه ما را در اینجا جمع کرده این است که می‌خواهیم ببینیم چرا تصویب این قانون این قدر طولانی شده و پیش نرفته است؟ می‌خواهم بگویم صرف تصویب این قانون ما را به جایی نمی‌رساند و در این موضوع من هم با جناب صابری همدل هستم. آنچه می‌خواهم به صحبت‌های ایشان اضافه کنم این است که ما علاوه بر تامین منابع اقتصادی، به تصحیح نگاه‌ها و باورها در این حوزه احتیاج داریم که شاید جایش در قانون نباشد و به صرف تصویب قوانین اتفاقی نیفتد. در این حوزه بیشتر از هر چیز به تصحیح نگاه‌ها، باورها و رویکردها احتیاج داریم. مثلاً وقتی از اشتغال معلولان صحبت می‌کنیم در عمل دیده‌ام که همه ذهنشان به سوی یک‌سری مشاغل سطح پایین می‌رود که نیاز به هیچ‌گونه تخصصی ندارند، درحالی‌که این‌طور نیست. وقتی می‌گوییم که افراد دارای معلولیت حق دسترسی به فرصت‌های شغلی دارند یعنی آنها هم مانند سایر افراد بر اساس توانمندی‌ها و سلیقه و خواسته‌هایشان باید به فرصت‌های شغلی دسترسی داشته باشند نه اینکه همیشه برای آنها مشاغل سطح پایین را در نظر بگیریم و به توانمندی‌های آنها توجه نکنیم. گاهی اوقات حتی در قانون‌نویسی و تخصیص بودجه هم چنین نگاهی تأثیرگذار است. یعنی به گفته آقای صابری انگار یک‌جور لطف و ترحم است، درحالی‌که این وظیفه است و وظیفه باید اجرا شود. منتهی اینکه این وظایف چقدر اجرایی می‌شود، من هم با ایشان

آقای صابری: در قانون اولیه اجرای قوانین کاملاً بر عهده بهزیستی بود ولی در لایحه‌ای که به مجلس فرستاده شده، یک شورای عالی معلولان با ریاست رئیس جمهور اجرای این وظایف را بر عهده دارد که اتفاق بسیار مفیدی است

موافق هستیم که قانون فقط بخش کوچکی از منظور وظایفی که دولت دارد را مطرح می‌کند و نباید تصور کنیم که اگر این قانون فردا در مجلس تصویب شود، از پس فردا همه مشکلات افراد دارای معلولیت حل می‌شود. کما اینکه در همه حوزه‌ها هم به همین صورت است و اصلاً این‌طور نیست که با تصویب قانون قرار است که مشکلات حل می‌شود.

دکتر رسولیان: نکته‌ای که به آن اشاره کردید خیلی مهم است. منتهی الآن بحث بر سر این است که پیش‌نویس یک قانون نوشته شده است. اگر می‌گوییم یک قانون آرمان‌گرایانه است منظور زیرسوال بردن حقوق افراد دارای معلولیت نیست، منظورمان این است که این قانون برای اجرایی شدن آرمان‌گرایانه است. صحبتی که آقای صابری کردند این بود که حشاشان است و باید باشد ولی مگر همه افراد غیرمعلول و تندرست به همه حقوقشان می‌رسند؟ ولی اینکه این قانون آرمان‌گرایانه است به این معناست که زمینه اجرایی آن وجود ندارد. آیا باورتان این است؟ آیا شما فکر می‌کنید این عاملی برای طولانی شدن پروسه تصویب و اجرایی شدن این قانون بود؟ می‌خواهم به این سوال برسم که با وجودی که دولت با شور و شوق دنبال آن بود و آن را شروع کرد، پس چرا این قانون یک‌دفعه مسکوت ماند؟

دکتر عاروان: البته اگر زمانی که این لایحه به مجلس رفته است را حساب کنیم می‌شود دو سال. ولی اگر از قبل از آن حساب کنیم مدت بیشتری طول کشیده است. به نظر من اگر ایرادات شورای نگهبان را نگاه کنیم می‌بینیم که مجلس عملاً اشتباه کرده است. در واقع حق با شورای نگهبان بود. در حوزه معلولان خیلی موارد قانونی باید سریع

انجام شوند چون معلولانی داریم که توان مالی برای خوابگاه‌های خصوصی را ندارند و مراکز مثل کهریزک هم آنها را قبول نمی‌کند یا دچار فرسودگی در کار شده‌اند و بیش از این نمی‌توانند کار کنند و منتظر تصویب این قانون هستند. برای این افراد ثانیه‌ها هم مهم است ولی به هر حال آن شکل و شیوه را مجلس باید رعایت می‌کرد و هر قانونی باید در چارچوب خودش پیش برود.

دکتر طاهری: من نمی‌توانم به‌طور قطع بگویم که آیا منطبق با واقع نبودن آن باعث شده است که روند آن طولانی شود و یا عوامل دیگری در آن دخیل بوده است. چون ممکن است خیلی قوانین دیگری هم در این سال‌ها تصویب شده باشد که لزوماً زمینه‌های اجرایی‌اش فراهم نبوده ولی تصویب شده است. شاید اگر تصویب می‌شد ما بعد از ۵ سال دورهم جمع می‌شدیم و می‌گفتیم چرا اجرا نشد و من آنجا می‌گفتم که این قانون واقع‌بینانه نبود و زمینه‌های اجرایی‌اش فراهم نبوده است! من فکر می‌کنم در بحث تصویب این قانون عوامل دیگری دخیل بوده است که بنده به‌عنوان یک فرد دانشگاهی و آقای صابری به‌عنوان یک فعال حقوق معلولان نمی‌توانیم به آن جواب بدهیم. باید کسانی که درگیر فرآیند تصویب بودند، جواب دهند. خیلی مواقع لویج به‌واسطه تغییر دولت یا تغییر مجلس با تأخیر انجام می‌شوند. سرنوشت خیلی از لویج به همین صورت بوده است، نه اینکه با این قانون مخالفتی وجود داشته باشد. اگر جواب این سوال را از جایی مثل مجلس یا نهادهای درگیر در قانون‌گذاری جستجو کنیم، شاید به جواب دقیق‌تری برسیم.

آقای صابری: آنچه که خانم دکتر با تردید گفتند را من می‌خواهم با اطمینان بیشتری بگویم. در مورد غیرواقع‌بینانه بودن باید بگویم که اتفاقاً مجلس همیشه دنبال تصویب قانون‌های غیرواقع‌بینانه است و این هم ایراد نظام قانون‌گذاری ماست. ولی مشکلی که در روند تصویب این قانون رخ داد، این بود که مجلس این قانون را اصل هشتاد و پنج کرد. همه قوانین کشور باید در صحن مجلس تصویب شوند و نمایندگان هم باید شخصاً در صحن حضور داشته باشند و نمی‌توانند به کسانی وکالت بدهند که به‌جایشان رأی بدهند. اما یک استثنا وجود دارد و آن‌که مجلس می‌تواند تصویب بعضی از قوانین را بر عهده کمیسیون تخصصی خود مجلس بگذارد و کمیسیون آن قانون را برای یک دوره آزمایشی تصویب کند تا وقتی که دوره آزمایشی تمام شد، آن وقت



در صحن مجلس مطرح و تبدیل به یک قانون دائمی شود. مجلس قانون حمایت از حقوق معلولان را اصل هشتادوپنجمی کرد. یعنی گفتند فعلاً به صورت آزمایشی باشد. اولین سوال این بود که قانونی که ده، بیست سال طول می کشد تا اجرا شود و به استاندارهایش برسد، آزمایشی اجراءش به چه معنا است؟ اجرای آزمایشی برای این است که چهار، پنج سال قانون اجرا شود، ضعفهایش دیده و در قانون دائمی برطرف شود. ولی در قانون حمایت از حقوق معلولان که در آن به مناسب سازی ساختمانها اشاره شده را که نمی توان از فردایش اجرایی کرد، چون نیاز به هزار و یک تغییر دارد. پس چنین قانونی را نباید آزمایشی اجرا کنند. به هر حال به دلیل ایراداتی که شورای نگهبان گرفته است الان این لایحه در کمیسیون ویژه مجلس برگشت داده شده و قرار بر این است که ایرادات شورای نگهبان را برطرف کنند و دوباره به شورای نگهبان بفرستند. اما در روند قانون گذاری با توجه به اینکه سال ۹۴ این قانون به مجلس داده شده و با ایراد شورای نگهبان مواجه شده است، هنوز خیلی دیر نشده است، چون در این مدت مجلس هم تغییر کرده است.

است. یعنی توضیحات اجرایی زیادی در آن دخیل شده است. آیا این حس درست است؟

دکتر طاهری: شاید این نکته مثبتی باشد. ما قوانینی داریم که قرار بوده ظرف شش ماه تا یک سال آیین نامه اجرایی اش نوشته می شد ولی سی سال از تصویب قانون گذشته و هنوز آیین نامه اجرایی آن نوشته نشده است! شاید این که مسائل اجرایی هم در قانون دیده شده حداقل بتواند از این قبیل مشکلات جلوگیری کند. شاید باید این مسائل در آیین نامه ها و دستورالعمل های بعدی می آمد ولی از این جهت که فی نفسه این مشکل را کم می کند، شاید مثبت باشد.

اقای صابری: به نظر من شاید این قانون نسبت به قوانینی که نوشته می شود غیرمتعارف باشد ولی غلط نیست. باید قانون گذار را به این سمت ببریم که شفاف بنویسد. ما خیلی وقتها در قوانین خیلی مهم تر، این مشکل را داریم که قانون شفاف نیست. قانون گذار باید یک بار برای همیشه طوری قانون را بنویسد که در اجرا با مشکل روبه رو نشود. دلیل دیگری که مجبور شدند این قانون را به این شکل بنویسند این است که مگر ما چند نفر متخصص حقوق معلولان در کشور داریم؟ تعدادشان زیاد نیست. این قانون قرار است در سراسر ایران اجرا شود و ما می دانیم که همیشه در عمل آنچه از یک قانون اجرایی می شود، تغییر مجریان است و آنها هستند که قانون را تعبیر و اجرا می کنند. آنچه که اجرا می شود، فهم این افراد از قانون است. در قوانین بین بخشی آن هم در حوزه معلولان، در دانشگاهها اصلاً متخصص در حقوق معلولان وجود ندارد. در

باستانی: با توجه به اینکه شما عزیزان هر دو حقوقی هستید، به نظر شما اصولاً نوع قانون نویسی این لایحه حرفه ای بوده است؟

دکتر طاهری: راستش وقتی این قانون را خواندم، از لحاظ قانون نویسی نکته خاصی در آن ندیدم و از حیث نگاه حاکم بر قانون شخصاً آن را پسندیدم و نوع نگارش آن را نسبت به قانون جامع بیشتر قبول دارم. فکر می کنم دقت بیشتری در آن وجود داشته و نگاه حاکم بر آن تا حدی تصحیح شده است. در لایحه به بسترها بیشتر توجه شده و خیلی کلی نیست. مثلاً فقط نگفته که حمل و نقل شهری برای افراد دارای معلولیت وجود داشته باشد، بلکه در موارد مختلف نحوه و چگونگی آن را هم بیان کرده است. یا در بحث دسترسی ساختمانها، در بحث اشتغال، در بحث آموزش و فرهنگ سازی به این مسائل توجه شده است.

اقای صابری: در قانون اولیه اجرای قانون کاملاً برعهده بهزیستی بود ولی در لایحه ای که به مجلس فرستاده شده، یک شورای عالی معلولان با ریاست رئیس جمهور اجرا این وظایف را برعهده دارد که اتفاق بسیار مفیدی است.

دکتر رسولیان: شما می گوید که روح حاکم بر قانون را می پسندید چون اجرائیات را دیده است. ولی سوال خانم باستانی یک طرف دیگرش این است که به عنوان مدل قانون نویسی که معمولاً در لایحه ها دیده می شود گاهی به عنوان یک فرد غیرحقوقی احساس می کنی که این لایحه در جاهایی مقرر است و در جاهایی هم قانون

دکتر رسولیان: ایراد مشخص شورای نگهبان چه بوده است؟

اقای صابری: ایراد عمده آن بار مالی بعضی از مواد است که در کمیسیون به لایحه دولت اضافه شده است. آنچه را که دولت خودش پذیرفته بود و مکلف به اجرا آن است و بار مالی آن هم چون بر عهده دولت است و او پذیرفته مشکلی ندارد، اما مجلس حق ندارد برای دولت بار مالی ایجاد کند.

دکتر طاهری: دغدغه ای که من براساس صحبت های آقای صابری دارم این است که اگر خیلی نگران به تعویق افتادن روند تصویب این لایحه باشیم و به دنبال سرعت بخشی به آن باشیم، گاهی از این تسریع ها چیز خوبی بیرون نمی آید. در این عجله کردن ها گاهی فقط ایرادات برطرف می شوند ولی گاهی مواد دستکاری هم می شوند که خوب نیست. به هر حال قانون نویسی کار سختی است. انتخاب الفاظ و انتخاب مسیرهایی که باید قانون را به سمت اجرایی شدن ببرد، بسیار دشوار است و اگر دقت لازم اتفاق نیفتد، بعداً با مشکلات بیشتری روبه رو می شویم که نه تنها مشکلات جامعه معلولان کم نمی شود بلکه بیشتر هم می شود.



دانشگاه‌ها درس حقوقی معلولان نداریم و تا آنجا که من می‌دانم حتی برای دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق بشر هم درس حقوق معلولان نداریم. یعنی در این حوزه متخصص نداریم. پس مجبوریم جوری قانون بنویسیم که آنقدر شفاف و روشن باشد که با تفسیرهای عجیب و غریب و احیاناً تحریف در مرحله اجرا مواجه نشویم. به نظر من این چیز بدی نیست. ما همیشه در قانون‌نویسی مان ابهام وجود دارد. پس حالا اگر یک قانون به صورت شفاف و با جزئیات نوشته شود از آن استقبال می‌کنیم.

آقای دشتی: آقای دکتر بندپی چندی پیش در مصاحبه‌ای اعلام کرده‌اند که لایحه حقوق معلولان با همکاری سمن‌ها اصلاح شده و به مجلس رفته و پیش‌بینی کرده‌اند که تا ۱۲ آذرماه به صحن مجلس برود. نکته‌ای که به ذهنم می‌رسد این است که پیش‌نویس لایحه خوب بود چون توسط دوستان سمنی به ویژه دکتر صابری که به حقوق مسلط هستند تنظیم و به دولت ارایه شد. ولی لایحه‌ای که به مجلس رفت خود دوستان سمنی هم می‌دانند که واقعا قابل اجرا نیست، چون بار مالی بسیار سنگینی دارد. این سوال برای خود ما پیش آمده که از نوشتن پیش‌نویس تا ارسال آن به دولت و ارسال آن به مجلس چه پیش‌آمد که این بار مالی اضافه شد؟ شاید سکوت یک سال و نیمه دولت هم به همین خاطر بود که کمتر پیگیری کند تا این قانون به صحن مجلس نرود. چون تصویب این قانون بار سنگینی را به دولت تحمیل می‌کند. شاهد هستیم که واریز یارانه‌ها در بیست و پنجم هرماه چقدر برای دولت سخت است. در چنین اوضاعی چطور دولت می‌خواهد با قانونی که چنین بار سنگین مالی به او تحمیل می‌کند روبه‌رو شود. سوالی که از آقای صابری دارم این است که پیش‌نویس قانون کامل‌تر از شکل کنونی بود. وقتی به دولت فرستاده شد دولت گفت یک‌سری از این قوانین اجرایی است و احتیاج نیست به مجلس برود. ولی شما می‌دانید که دوستان دارای معلولیت این بخش را هم از دولت نمی‌توانند مطالبه کنند. دوستان دارای معلولیت و سمن‌های معلولان با یک نارضایتی روبه‌رو شدند که چرا دولت این قانون را دو تکه کرد و بخشی را برعهده دولت گذاشت؟ همین الآن هم می‌بینیم که بسیاری از این بخش‌ها که اسما قانون است و دولت هم تایید کرده ولی دست معلولان از گرفتن حقوق شان کوتاه است.

آقای صابری: قانون را وقتی بدون نظر

دکتر طاهری: اگر چنانچه چنین لایحه‌ای اجرایی شود این فرصت را به ما می‌دهد که از پتانسیل و توانمندی افراد دارای معلولیت استفاده کنیم. این خودش یک سرمایه غنی و ارزشمند را به ما اضافه خواهد کرد. در واقع جامعه‌ای که از همه نیروهایش استفاده نمی‌کند، خود به خود با دست خودش این سرمایه‌ها را از بین می‌برد

مجری بنویسند، اجرا نمی‌شود. یک مثال ساده می‌زنم که نه بار مالی دارد و نه چیز دیگری. الآن بیش از یک سال و نیم است که مجلس در قانون برنامه توسعه کشور تصویب کرده است کسی که خدمت سربازی نرفته است می‌تواند گواهینامه رانندگی بگیرد. یعنی لازم نیست برای گرفتن گواهینامه رانندگی کارت پایان خدمت داشت. این قانون نه بار مالی می‌خواهد و نه سازوکار اجرایی و فقط با یک بخشنامه انجام می‌شد، ولی ستاد کل نیروهای مسلح اجرایش نمی‌کند. می‌خواهم بگویم در جایی که مجری راضی نباشد و نخواهد آن را اجرا کند، این لایحه و قانون قطعاً اجرا نمی‌شود. این اتفاقی است که در بسیاری از عرصه‌های کشور اتفاق می‌افتد.

دکتر طاهری: من می‌خواهم در ادامه صحبت‌های آقای صابری بگویم اگر کمی امیدوارانه‌تر به موضوع نگاه کنیم. ممکن است که قانون صد درصد اجرا نشود ولی همین که نوشته می‌شود و نقاط ضعفش دیده می‌شود خوب است. اگر این لایحه به هر حال تصویب شود و حتی همین اتفاقاتی که آقای صابری می‌گویند هم بیفتد و مثلاً در شدیدترین حالتش وزیری استیضاح شود و پرونده‌هایی در دیوان عدالت اداری مطرح شود، بالاخره باعث می‌شود که مسئولین موضع‌گیری و گفت‌وگو کنند. تصویب این لایحه باب بحث را در بین گروه‌های مختلف باز می‌کند. نمی‌گویم صد درصد تحقق پیدا می‌کند ولی مسیرهایی را هموارتر می‌کند. من اصولاً در این قبیل مسایل خیلی امیدوار هستم. همانطور که گفتم ما نیاز به تصحیح نگاه داریم که کار یک روز و دو روز نیست. این که می‌گویند

مجری هم موافق نیست به همین خاطر است که او هم نگاه صحیحی ندارد و فکر می‌کند دارد لطف و ترحم می‌کند. فکر نمی‌کند که وظیفه قانونی‌اش است. به نظرم اگر این اتفاقاتی که آقای صابری می‌گویند هم بیفتد، در دراز مدت می‌تواند موثر باشد.

دکتر عاروان: به نظر من بخش‌های اصلی قانون با واقعیت مطابقت دارد و در بسیاری از کشورها قوانین را در بخش‌های آموزشی، بهداشتی و توانبخشی دارند و این ما هستیم که عقب‌تر از این جریان‌ها هستیم. حال اینکه ما همه این مطالبات را آرمانی تلقی کنیم، پس کی می‌خواهیم به واقعیت‌ها برسیم. یعنی باید پنجاه سال دیگر یا سی سال دیگر هم منتظر بمانیم، یا همین الآن درستش کنیم؟ به نظر من آرمان‌ها را می‌توان به واقعیت تبدیل کرد، اگر بستری‌های ایجاد شود و اگر تلاش جمعی و فرهنگ سازمانی در این حوزه ایجاد شود، خیلی از آن آرمان‌ها را می‌توان اجرایی کرد. زمانی بود که دکتر نایینا نداشتیم ولی وقتی آقای خزائلی دکتر شد دیدند که امکان‌پذیر است. زمانی می‌گفتند مگر می‌شود یک معلول ویلچری مهندس راه و ساختمان بشود و دیدند که این اتفاق افتاد! به عبارتی خود افرادی که معلولیت دارند، از جریان‌های فرهنگی و قانونی و سازمانی جلوتر حرکت می‌کنند. یعنی اگر این قانون‌ها تصویب هم نشوند، ما راه‌های دیگری برای رسیدن به اهداف خود پیدا می‌کنیم

رضاسخن سنج: در مورد اشکالی که آقای صابری فرمودند که قانون جامع سال ۸۳ ناظر بر چشم‌انداز و سند بالادستی نبود، این دقیقاً درست است. در ۸۳/۲/۱۶ قانون حمایت از حقوق معلولان تصویب شد و در ۸۷/۷/۶ هم کنوانسیون حقوق معلولان تصویب گردید. یعنی به عبارتی می‌توان گفت که قانون باید ناظر بر کنوانسیون باشد. حال حاضر آیا یک سند یا چشم‌انداز بالادستی وجود دارد که لایحه براساس آن تنظیم شده باشد یا خیر؟

دکتر صابری: کنوانسیون در دسامبر ۲۰۰۶ تصویب شد و در تاریخ مارچ ۲۰۰۷ که برابر با فروردین ۸۶ بود، لازم‌الاجرا شد. الآن ما کنوانسیون حمایت از حقوق معلولان را داریم و کسانی که این کنوانسیون را تدوین کرده‌اند استانداردهای بین‌المللی و قوانین خارجی را مدنظر قرار داده‌اند. آنچه که من در مورد چشم‌انداز و سند بالادستی عرض کردم این بود که بسیاری از مفاد این قانون مفادی هستند که باید

در یک سند راهبردی پیش‌بینی شوند نه در یک قانون. یعنی خیلی از چیزهایی که ما در قانون می‌نویسیم، در واقع قانون نیستند بلکه سند راهبردی است که باید در همین قالب نوشته شود و بعد به صورت قانون تدوین شود. این یک استاندارد بین‌المللی است که در قانون‌گذاری کشور ما هم انجام می‌شود ولی هنوز در هیچ حوزه‌ای اتفاق نیفتاده است. به این سمت رفته‌اند ولی هنوز جا نیفتاده است. حتی فکر می‌کنم ایراد شورای نگهبان به اصل هشتمادوینجی شدن این لایحه هم مبتنی بر سیاست‌های کلی قانون‌گذاری بوده است که در مجمع تشخیص مصلحت تصویب شده و توسط رهبری ابلاغ شده است. یعنی در آنجا مشخص شده که چه مقررات و قوانینی باید سال هشتمادوینجی شود. الان به این سمت رفته‌ایم که سیاست‌های کلی در حوزه‌های مختلف برای اینکه مقدری از آشفتگی نظام حقوقی مان کمتر شود را بنویسیم. ولی در این لایحه با توجه به کنوانسیون و مقررات و استانداردهای بین‌المللی که تدوین شده است و با توجه به اینکه دوستانی که آن را تدوین کرده‌اند با موضوع آشنا هستند و به واسطه تجربیاتشان در ایران، بنابراین مجموعه‌ای از دانش بین‌المللی و تجربه داخلی در تدوین این متن دخالت داشته است.

دکتر طاهری: دو نکته که می‌خواهم اضافه کنم، یکی در مورد نهاد متولی قانون است. در این لایحه، شورای عالی دیده شده که می‌تواند وجه متمایز و برجسته آن نسبت به قانون باشد. نکته دوم اینکه ما از ابتدای بحث خیلی روی مباحث اقتصادی صحبت کردیم و طبیعی هم هست چون اجرای این لایحه، بار سنگینی خواهد داشت. منتهی من می‌خواهم سوی دیگر این قضیه را هم ببینیم؛ اگر چنانچه چنین لایحه‌ای اجرایی شود این فرصت را به ما می‌دهد که از پتانسیل و توانمندی افراد دارای معلولیت هم استفاده کنیم. این خودش یک سرمایه غنی و ارزشمند را به ما اضافه خواهد کرد. در واقع جامعه‌ای که از همه نیروهایش استفاده نمی‌کند، خود به خود با دست خودش این سرمایه‌ها را از بین می‌برد. در مورد همه گروه‌هایی که در معرض تبعیض هستند، این بحث مطرح است. مثلاً جامعه‌ای که از نیروی زنان استفاده نمی‌کند، یعنی دارد سرمایه‌اش را از دست می‌دهد. همین‌طور در مورد افراد دارای معلولیت هم این مثال صدق می‌کند. افراد دارای معلولیت افراد بسیار توانمند و باهوشی هستند. پس خوب است که ما روی دیگر قضیه را هم ببینیم.

اینکه درست است که تصویب چنین لایحه‌ای بار مالی تحمیل می‌کند ولی اگر روزی اجرایی شود فرصت بسیار ارزنده‌ای را در اختیار جامعه قرار خواهد داد که بتواند از همه نیروهایش استفاده کند.

دکتر عارون: در بحث تصویب قانون چند نکته لازم است که گفته شود. یکی اینکه این قانون یک قانون دولتی به حساب می‌آید، یعنی وزارتخانه مسئول آن است. حتی آن قسمتی که هیات دولت جدا کرد و به تصویب رساند، کاملاً دولتی بود. همین قانون جامع را هم که نگاه کنید دقیقاً حالت و شکل دولتی دارد. این در حالیست که در جامعه یک جریان در حال رشد است. واقعیت این است که بخش‌های غیردولتی قوی‌تر می‌شوند در حالی که این قانون برای آنها هیچ پیش‌بینی نکرده است. مثلاً یک استخر اگر فرد دارای معلولیتی را راه نداد، چه باید کرد؟ یک دانشگاه غیرانتفاعی بگوید که من نمی‌خواهم کسی که معلولیت دارد در اینجا درس بخواند. آنجا را چه می‌کنیم؟ یکی هم طبقه‌بندی است که براساس طبقه‌بندی بین‌المللی عملکرد دیده شده است، که شامل معلول خفیف، معلول متوسط و معلول شدید و معلول خیلی شدید می‌شود. ولی موارد قانونی در اکثر مواقع شامل معلولان شدید و خیلی شدید شده‌اند، و معلولان متوسط و خفیف شامل اکثر قوانین نشده‌اند. در حالی که معلولان متوسط و خفیف از لحاظ جمعیتی هم خیلی بیشتر هستند و هم این افراد در جامعه کار می‌کنند. و چون کار می‌کنند، به مرور زمان دچار معلولیت‌های ثانویه و فرسایش جسمی خواهند شد. برای این افراد هیچ حقی در قانون دیده نشده و به نوعی حذف شده‌اند. گفته شده که این قانون بار مالی دارد. در حالیکه افرادی که معلولیت شدید و خیلی شدید دارند که خیلی مواقع از خانه خارج نمی‌شوند و از هواپیما و قطار استفاده نمی‌کنند. بیشتر آنها در مراکز نگهداری هستند و عملاً قسمتی از قانون حالت معطل پیدا می‌کند. این یکی از نگرانی‌ها نسبت به این قانون است. نکته سوم اینکه انواع و اقسام چنین قوانینی در جامعه ما وجود دارد ولی می‌دانیم که فکر حقوقی در مسئولان ما وجود ندارد. یعنی هنوز بستر فرهنگی برای اجرای قانون وجود ندارد. درست است که ما نگران تصویب قانون هستیم ولی باید نگران این حواشی‌ها همه باشیم.

در انتهای میزگرد خانم دکتر رسولیان با جمع‌بندی مباحث مطرح شده از طرف شرکت‌کنندگان ادامه دادند:

در این میزگرد چند سوال مورد بحث قرار گرفت؛ یکی اینکه ضرورت این اصلاحیه چه بود و اینکه قانون سال ۸۳ چه اشکالی داشت که به دنبال قانون کامل‌تری رفتیم؟

به نظر می‌آید از نظر همه متخصصان امر ضرورت بازنگری وجود داشت و دلیل عمده‌اش این بود که قانون سال ۸۳ خیلی کلی بوده و در آن به شیوه‌ها و روش‌ها اشاره نشده بود. از طرفی سازمان متولی اجرای قانون بهزیستی بود. به همین دلیل به نظر می‌آمد که قانون ضمانت اجرایی‌اش بسیار کم بود و خیلی از بخش‌ها در آن دیده نشده بود.

سوال دوم این بود که آیا این لایحه‌ای که داده شد بلند پروازانه است یا نه؟ از نظر همه شرکت‌کنندگان این قانون بلندپروازانه نیست و در واقع ضرورتی است که باید برایش تلاش کنیم. این حقوقی است که باید به آن برسیم. اگرچه در بخش مالی شاید از عهده توان دولت با توجه به شرایط اقتصادی کنونی خارج باشد ولی در واقع اهداف واقع بینانه و انسان دوستانه‌ای است که باید به دنبال تحققش باشیم.

سوال دیگر این بود که این قانون‌نویسی چقدر حرفه‌ای بوده است؟ به نظر می‌آید که در جاهایی از این لایحه نسبت به قانون‌های قبلی خیلی زیاد وارد جزئیات و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها شده که مشخصاً آقای صابری و خانم دکتر طاهری نظرشان این بود که این نقطه قوت قانون است و روح کلی حاکم بر این قانون خیلی اجرایی‌تر و جزئی‌تر است و تکلیف را بهتر مشخص کرده است. یک‌سری نکات که همه به آن اشاره داشتند این بود که قانون به تنهایی مشکل ما را حل نمی‌کند و هرچقدر هم خوب باشد بحث فرهنگی و نگرش کار فرهنگی بسیار اهمیت دارد. اینکه این قانون فی‌ذاته می‌تواند برایمان سازندگی به دنبال بیاورد و گروه‌های بیشتری از افراد جامعه را به صورت رسمی وارد جامعه کند. ولی باید بدانیم که کار فرهنگی و توسعه آن و پذیرش قانون خیلی لازم است. نکته دیگر اینکه تا وقتی که آن فضای فرهنگی در حداقلی وجود نداشته باشد، کسی دنبال قانون نمی‌رود. پس این فضا وجود داشته است که این قانون به اینجا رسیده است، ولی ترویج و توسعه آن کار آن گروهی است که پیشگام این مساله بوده‌اند. بنابراین پس از تصویب قانون این افراد نباید در خانه بنشینند، بلکه تازه اول کار است!



دکتر علی همت محمود نژاد، رییس انجمن دفاع از حقوق معلولین است. او از فعالان تدوین حقوق جامع حمایت از حقوق معلولان و لایحه حقوق معلولان که در مجلس منتظر تصویب می‌باشد است. با او در مورد چگونگی تدوین این قوانین به گفت‌وگو نشستیم.



این لایحه بهتر است با هر شکلی تصویب شود

به صورت طرح در مجلس ششم مطرح و تصویب شد. اشکال این قانون از اول این بود که به صورت طرح به تصویب رسید. وقتی قانونی به صورت طرح تصویب شود، اگر برای دولت بار مالی داشته باشد، شورای نگهبان آن را رد می‌کند.

به همین دلیل با رایزنی‌هایی که با ریاست و اعضای شورای نگهبان انجام دادیم، از آنها خواهش کردیم که نسبت به قانون نظری ندهند. چون اگر قانونی توسط مجلس تصویب شود و شورای نگهبان نظری در مورد آن ارائه ندهد، پس از ده روز خود به خود به قانون تبدیل می‌شود. به هر حال ایشان پذیرفتند که در شورای نگهبان نظری نسبت به قانون ندهند. چون این قانون به صورت طرح بود و به شورای نگهبان رفته بود، رایزنی‌های سنگینی کردیم که این قانون به مجلس برگردد و تصویب شود. بسیاری از دوستان از این پروسه اطلاعی ندارند و نمی‌دانند که چقدر در این قضیه زحمت کشیده شده است.

به هر حال این قانون به عنوان قانون حمایت از حقوق معلولان به دولت ابلاغ شد، البته در ماده شانزدهم قانون گفته شده بود که دولت در صورتی که بودجه داشت این قوانین را اجرا می‌کند.

این که یکسری از موارد قانون جامع اجرایی شد، اتفاق خوبی بود ولی با آرمان‌های ما تفاوت داشت

اسلامی در سال ۱۳۸۲ برگزار کردند. من به عنوان حامی معنوی این افراد به آنها پیوستم. بعد از مدتی معاونت پارلمانی مجلس در جمع حضور پیدا کرد و قول تصویب قانون حمایت از معلولان را داد. در زمستان سال ۸۲ کلیات قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را به دولت ارائه دادیم. ولی دولت این طرح را به خاطر بار مالی‌اش نپذیرفت. بنابراین ما با حمایت ریاست وقت سازمان بهزیستی موفق شدیم آن را به صورت طرح به مجلس ارائه کنیم. مجلس کلیات آن را در نیمه دوم سال ۸۲ به صورت یک فوریتی پذیرفت ولی این طرح در آرشيو بایگانی شد. پس از پیگیری‌های فراوان، بالاخره در سال ۸۳ این قانون شانزده ماده‌ای

به نظر شما قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که بازنگری شده و اکنون به صورت لایحه به مجلس ارائه شده است، چرا تاکنون به تصویب نرسیده است؟

واقعیت این است که معلولان یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌ها در دنیا هستند. در کشور ما نیز به همین گونه است و تعداد آنها حتی از اقلیت‌های مذهبی هم بیشتر است. ولی متأسفانه در مجلس شورای اسلامی توجه به مسائل افراد دارای معلولیت، در آخرین لایحه از توجهات قرار دارد. این در حالیست که حتی اقلیت‌های مذهبی مثل زرتشتیان و کلیمیان هم نماینده دارند ولی افراد دارای معلولیت نماینده‌ای ندارند. به نظر من یکی از چالش‌های فراروی افراد دارای معلولیت برای تصویب حقوقشان این است که فریادرسی نداشته و کسی از جنس خودشان در مجلس حضور ندارد.

پس پراختن به تصویب قانون برای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت چگونه آغاز شد؟

پیشینه تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به تحصنی برمی‌گردد که جمعی از توانیابان در مقابل مجلس شورای



آیا این اشکال قانون نبود؟

ما می‌دانستیم که دولت قبول نمی‌کند که این قانون به صورت لایحه در مجلس مطرح شود، پس باید به گونه‌ای آن ارائه می‌کردیم که کل قانون ملغی نشود. متأسفانه مواد قانونی زیادی وجود دارد که دانش عمومی ما نسبت به آنها خیلی کم است. ولی به هر حال تصویب این قانون برای آن زمان اتفاق بزرگی بود. قوانینی مثل اینکه؛ پسرانی که با دختران دارای معلولیت ازدواج کنند، از سر بازی معاف می‌شدند. یا مجانی بودن شهریه دانشجویان، رایگان شدن اتوبوس‌های بی‌آر تی برای آنها و گذاشتن پلاک مخصوص برای ماشین افراد دارای معلولیت هم از همین قانون بود. به هر حال این که یک سری از موارد قانون جامع اجرایی شد، اتفاق خوبی بود ولی با آرمان‌های ما تفاوت داشت. به این صورت بود که یک سال که وزارتخانه‌ای پول داشت کار را انجام می‌داد و در سالی که پول نداشت الزامی در کار نبود و خودش را موظف به اجرای آن نمی‌کرد. به همین دلیل بود که توانیابان نخبه و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه معلولان به این فکر افتادند که این قانون به صورت لایحه به مجلس ارائه شود که ضمانت اجرایی داشته باشد. فکر می‌کنم چهارمین سالی است که این قانون در حال چکش کاری است. این اقدامات از سال ۹۲ شروع شد و تغییراتی در قانون داده شد. وقتی کار در بهزیستی تمام شد، به اداره حقوقی وزارت رفاه و بعد به دولت فرستاده شد. دولت ایرادی به آن گرفت و دوباره برگشت داده شد. باز یک سال کارشناسان و سازمان‌های مردم‌نهاد روی این قانون کار کردند و دوباره به دولت فرستادند. دولت هم آن را به مجلس فرستاد و مجلس فعلی به جای اینکه موارد قانونی را مطرح کند آن را دفعتاً تصویب کرد. این دفعه شورای نگهبان به نوع تصویب قانون ایراد گرفت. متأسفانه برخی از افرادی که معلولیت دارند و صاحب نفوذ هستند به دلیل دانش پایین خود فکر می‌کنند هر چه به مواد این لایحه اضافه کنند، بهتر است. در حالی که لایحه حتی اگر یک بند هم که داشته باشد ارزش حقوقی دارد. مثلاً در بندی از این لایحه آمده است که حداقل مستمری توانیابان باید معادل حداقل حقوق و مستمری قانون کار باشد. خب این مبالغ بسیار زیاد است ولی متأسفانه عده‌ای نسبت به این مسائل بی‌توجه هستند. من به کسانی که این لایحه را چکش کاری می‌کنند انتقاد دارم چون این کار منافع افراد دارای معلولیت را به خطر می‌اندازد. اگر

باید متوجه امکانات و ظرفیت دولت هم باشیم. نباید از دولتی که تا دیروز هیچ‌گونه خدماتی نداده یک‌باره بخواهیم که به پنج میلیون نفر خدمات ارائه کند!

لایحه مرتباً دستکاری شود از روح حاکم بر آن خارج می‌شود. شورای نگهبان هم به دقت مراقبت می‌کند که لایحه با طرح متفاوت باشد. مثلاً وقتی می‌گوییم فلان خدمات به توانیابان شدید و خیلی شدید داده شود، این یعنی حدود سیصد هزار نفر تحت پوشش قرار می‌گیرند، ولی اگر کلمه شدید و خیلی شدید برداشته شود، این تعداد به یک میلیون و پانصد هزار نفر می‌رسد! ما باید متوجه امکانات و ظرفیت دولت هم باشیم. نباید از دولتی که تا دیروز هیچ‌گونه خدماتی نداده یک‌باره بخواهیم که به پنج میلیون نفر خدمات ارائه کند. چه نیازی به تعیین مستمری برای توانیابی که خودش حقوق می‌گیرد است؟ مستمری باید به کسی تعلق بگیرد که دولت از تأمین شغل برای او عاجز است و یا از کار افتاده باشد.

به نظر من جامعه معلولان باید به دنبال مطالبه حقوق قانونی خود باشد نه فراتر از آن. مثلاً دسترس پذیری حق ماست. رفع تبعیض حق ماست، برابری حق ماست، ایجاد شرایط رقابت مساوی در دانشگاه حق ماست. یک فرد نابینا باید بتواند در دانشگاه با یک فرد بینا رقابت کند. برای یک ناشنوا هم همینطور. در حالی که تبعیض آموزشی به‌طور وحشتناکی برای افراد دارای معلولیت وجود دارد و منافع آنها را به خطر می‌اندازد. در مدارس باید رابط ناشنوا وجود داشته باشد و امکاناتی وجود داشته باشد که فرد ناشنوا بتواند خودش را سطح مناسب برساند.

می‌شود کمی از مواردی که به تعبیر شما پیگیری نادرست است، نام ببرید؟

مثلاً اعلام جمعیت آماری کسانی که معلولیت دارند. بعضی‌ها می‌گویند این قانون باید برای همه افراد دارای معلولیت باشد. ولی هر توانیابی باید متناسب با سطح معلولیتش و عمق و شدت آن از خدمات این قانون بهره‌مند شود. اگر از کار افتاده است، از حقوق و مستمری برخوردار باشد، اگر بستر گراست از حق

پرستاری برخوردار شود، اگر یک فرد دارای معلولیت، توانایی اشتغال داشته باشد، باید بتواند از حق ۳ یا ۵ درصد اشتغال دولتی برخوردار شود، نه اینکه بگوییم این فرد هم از حق پنج درصدی اشتغال برخوردار باشد و هم مستمری بگیرد! همان‌طور که گفتم افرادی که توسط گروه‌های خاصی حمایت می‌شدند، در مجلس رفت‌وآمد کردند و قانون را دست‌کاری کردند.

به هر حال ما جلسات زیادی در جهت رفع این مشکلات برگزار کردیم و تغییرات خوبی انجام گرفت. امیدواریم که اگر مجلس می‌خواهد به مناسبت روز جهانی معلولان به آنها عیدی بدهد این لایحه را تصویب کند.

در لایحه جدید استخدام‌های دولتی سه درصد است یا پنج درصد است؟

چون در دولت خصوصی‌سازی شده و استخدام‌های دولتی در حال جمع شدن است، سه درصد یا پنج درصد فرقی نمی‌کند. نگاه من این است که دولت باید از کارگاه‌های خصوصی حمایت کند تا آنها توانیابان را به کارگیرند. در قانون گفته شده که کارفرمایانی که افراد دارای معلولیت را استخدام می‌کنند از حق بیمه معارف می‌باشند و دولت حق بیمه آنها را می‌دهد. یا کسانی که این افراد را استخدام می‌کنند متناسب با درصد معلولیت، جبران عدم کارایی بگیرند. یعنی دولت این جبران عدم کارایی را به کارفرما بدهد. یا وام‌های حمایت از خوداشتغالی و وام‌های کارفرمای در این قانون تصویب شده است. اگر این لایحه تصویب شود، در ایجاد اشتغال و رونق کسب‌وکار افراد دارای معلولیت اثرات زیادی دارد. خوبی این قضیه این است که دولت خودش این لایحه را پذیرفته و ما در سال‌های آینده باز فرصت داریم که به این قانون متمم اضافه کنیم. به هر حال هر قانونی هر قدر هم مترقی باشد، بیش از ده سال نمی‌تواند جوابگو باشد. کما اینکه در ده سال آینده نمی‌دانیم چه اتفاقی در دانش بشری و در حقوق بشری خواهد افتاد؟ بنابراین جامعه معلولان نسبت به این لایحه باید بسیار خوش‌بین باشد. من از کمپین‌هایی که در حمایت از تصویب قانون تشکیل شد، تشکر می‌کنم. افراد زیادی از نخبگان دارای معلولیت و سمن‌های مربوطه زحمت کشیدند، رفتند و آمدند و در جلسات مختلف در وزارت رفاه، در مرکز پژوهش‌های مجلس و در سازمان بهزیستی شرکت کردند. این یک رشد برای جامعه معلولان است که از تصویب



همان قانون اولیه به وجود آمد. این قانون کمک کرد که آنها درس بخوانند، آگاه شوند و در جامعه وارد شوند و حالا به این نتیجه برسند که قانون اولیه ناقص است و احتیاج به اصلاح دارد.

در لایحه چه امتیازاتی نسبت به قانون اولیه در نظر گرفته شده است؟

در لایحه، معافیت‌های مالیاتی توانیابان، تا سه برابر حقوق و دستمزد منظور شده است. در این قانون بلیت نیم‌بهای هواپیما و قطار برای توانیابان و همراهانشان آمده است. در این قانون برای کارفرمایانی که افراد دارای معلولیت را به کارگیرند، امتیازات بیشتری در نظر گرفته شده است. برای همسران آنها هم امتیازاتی در نظر گرفته شده و برای مودیان مالیاتی که برای توانیابان هزینه می‌کنند تشویق‌هایی در نظر گرفته شده است. در خصوص مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری هم تصمیماتی گرفته شده است. در این قانون به تشکیل شورای عالی معلولان صراحتاً اشاره شده و در صورت تشکیل این شورا وظیفه پیگیری عمل شدن به قانون بر عهده همین شورا خواهد بود. حق پرستاری، حق مستمری و هزینه ایاب و ذهاب هم در این قانون دیده شده است. البته در قانون قدیم هم بود ولی فرقی این است که این قانون به صورت لایحه است و لایحه برای دولت الزام‌آور است.

آیا این لایحه برای دولت بار مالی ایجاد نمی‌کند؟

بار مالی دارد ولی دولت پذیرفته است که از چه محلی این بودجه و بار مالی را تأمین کند. یعنی دولت پیش‌بینی لازم را در مورد تأمین بودجه این لایحه داشت است که آن را پذیرفته است.

دسترس‌پذیری حق ماست. رفع تبعیض حق ماست، برابری حق ماست، ایجاد شرایط رقابت مساوی در دانشگاه حق ماست

پیش‌بینی شما در مورد زمان تصویب لایحه چیست؟

نمی‌توانم پیش‌بینی خاصی بکنم ولی بسیار مشتاقم که به زودی تصویب شود. که اگر تصویب شود، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای وضعیت بهداشتی، رفاهی، روانی، اقتصادی و آموزشی توانیابان را تحت شعاع قرار خواهد داد.

چنانچه این قانون در مجلس تصویب شود شورای نگهبان آن را تأیید می‌کند؟

تمام ملاحظات لازم برای تأمین نظرات شورای محترم نگهبان در این لایحه دیده شده است. جلسات زیادی با کارشناسان شورای نگهبان و مرکز پژوهش‌های مجلس گذاشته‌ایم. با افراد نخبه و وارد به مسائل حقوقی، نشست‌هایی برگزار کردیم. برای این لایحه بیش از دویست جلسه چه به صورت محلی و چه به صورت ملی، چه در مجلس و چه در جاهای دیگر برگزار کرده‌ایم. کلمات، واژه‌ها و نحوه صرف آنها جوری نوشته شده که نظر شورای نگهبان را تأمین کند.

در مصاحبه‌ای که در اواخر دوران مجلس قبلی با آقای دکتر علی صابری داشتیم

ایشان عقیده داشتند که بهتر است هر چه زودتر این لایحه تصویب شود حتی قبل از اینکه ایرادات آن برطرف شود.

همه نخبگان و کسانی که در این مورد آگاهی و دانش دارند این عقیده را داشتند و دارند که این لایحه بهتر است با هر شکلی تصویب شود. البته همان‌طور که گفتم سعی کرده‌ایم تا جایی که ممکن است تغییراتی در آن ایجاد کنیم. گروه‌های هدف را مشخص کرده‌ایم، کسانی که در سایه قرار گرفته بودند و ممکن بود حقوق افراد دارای معلولیت را نقض کنند را آورده‌ایم و حتی در قانون آورده‌ایم که وزارت دادگستری موظف است که حقوق مدنی این افراد را احصا کند و برای تصویب به مجلس ارائه بدهد. یعنی وزارت دادگستری و قوه قضاییه را هم وادار کرده‌ایم که لایحه‌ای برای حقوق مدنی معلولان ارائه کند. در حال حاضر من مایل نیستم که کلمه‌ای به این قانون اضافه شود. امیدوارم این قانون با همین شکل و همین محتوا هرچه زودتر تصویب شود. من با توجه به مطالعات زیادی که در تدوین لایحه داشته‌ام و با توجه به اینکه دست‌اندرکار این قانون بوده‌ام هیچ انتقادی از کسانی که منتقد هستند نمی‌پذیرم و فقط منتظر تصویب آن هستم.

سخن آخر:

انتظار من این است که با توجه به اینکه روز دوازده آذر روز تصویب قانون اساسی است در عین حال روز جهانی معلولان هم است مجلس شورای اسلامی با تأسی از قانون اسلامی لایحه حمایت از حقوق معلولان را برای حمایت از افراد دارای معلولیت و ارتقاء کیفیت زندگی آنها تصویب کند.



الزامات حقوقی اشتغال افرادی که معلولیت دارند

آزاده السادات طاهری
دکتری حقوق عمومی و عضو هیات علمی دانشگاه

تاکید بر راهکارهای حقوقی مورد بازخوانی قرار می‌گیرد:

۱ «مناسب‌سازی» یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که با حضور افراد دارای معلولیت در جامعه و نیز اشتغال آنان پیوند می‌خورد. مقصود از مناسب‌سازی به بیان ساده آن است که محیط و شرایط به ترتیبی تغییر یابند که حتی امکان برای چنین فردی مناسب بوده و حضور و فعالیت وی در محیط با موانع جدی مواجه نشود. مناسب‌سازی در این مفهوم به حضور برابر افراد دارای معلولیت در فرصت‌های شغلی و تامین نیازهای آنها می‌انجامد. مناسب‌سازی در دو شکل می‌تواند حضور فردی که معلولیت دارد را تسهیل و تضمین کند: نخست آن دسته از اقداماتی که مستقیماً به انجام وظیفه حرفه‌ای مربوط نمی‌شود و بیشتر مربوط به تسهیل حضور این افراد در محیط کار است. مناسب‌سازی محیط از حیث رفت و آمد، نوع راهروها و درها و پله‌ها و نصب علائم مورد نیاز، سرویس بهداشتی و محل استراحت مناسب و ... است. به این منظور، کلیه محل‌های کار باید مورد بازبینی قرار گیرند و با این ملاک‌ها بازسازی و تجدید بنا گردند و در ساختمان‌های جدید و در دست ساخت این موارد باید به کار گرفته شود. می‌توان صدور مجوز برای یک کارگاه و یا تخصیص یک ساختمان به اداره دولتی را منوط به رعایت این شرایط نمود. همچنین با در نظر گرفتن ضمانت اجراهای مالی و صنفی برای کارفرمایی - به ویژه در بخش خصوصی - که این موارد را در تجهیز محل کار مراعات نکند، می‌توان از پیاده شدن این مقررات اطمینان حاصل کرد. اما دسته دوم اقداماتی هستند که مستقیماً به شغل مورد نظر مرتبطند. گاهی با برخی تغییرهای کوچک که عمدتاً هزینه‌چندانی نیز به دنبال ندارند می‌توان یک حرفه را به ترتیبی تغییر داد که فردی که معلولیت دارند هم بتوانند به راحتی به محل کار برسند. تغییر ارتفاع در دستگاه‌ها، استفاده از علائم هشداردهنده صوتی برای نابینایان، تغییر در ساعات کار برای برخی گروه‌ها را می‌توان در زمره تغییرات لازم برای مناسب‌سازی یک شغل دانست. یکی دیگر از امکاناتی که می‌تواند محیط کار را برای افراد توانیاب مناسب‌سازی کند حضور یک دستیار در کنار آنها است. البته پیش از تمام این تغییرات در محیط کار، مناسب‌سازی وسایل حمل و نقل عمومی، پیاده راه‌ها در خیابان و به‌طور کلی فراهم کردن شرایط رفت و آمد پیش شرط حضور فرد معلول در محیط کار بوده و الزامی است.

علاوه بر موارد فوق که بیشتر با متناسب سازی فیزیکی محل کار مرتبط است - غالباً در متون مربوط به اشتغال افراد دارای معلولیت ذیل عنوان مناسب سازی صرفاً به آن اشاره می‌شود - نوع دیگری از مناسب‌سازی نیز ضروری است که می‌توان آن را «مناسب سازی روانی» نامید. مقصود آن است که علاوه بر تسهیلات و امکانات فیزیکی که باید حضور فرد توانیاب در محل کار را ممکن نمایند، فضای روانی و معنوی آن نیز باید برای او متناسب باشد. گاه حضور افراد توانیاب به

اشتغال یک حق انسانی است. حقی که در اسناد گوناگون حقوق بشری از جمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. ماده ۶ میثاق، حق هرکس را در دستیابی به فرصت شغلی آزاد و مولد و نیز تکلیف دولت‌ها را در بسترسازی برای تحقق این حق اعلام می‌دارد. در میثاق، تفاوتی میان هیچ یک از افراد در بهره‌مندی از این حق نیست و همگان باید چنین فرصت‌هایی را در اختیار داشته‌باشند.

حق اشتغال، حقی مستقل و در عین حال ابزاری برای تحقق سایر حقوق بشری است. اشتغال پاسخگوی نیازهای متعددی است. فرصت حضور در جامعه و ادغام در محیط‌های شغلی را به فرد داده و حس مفید بودن را به او منتقل می‌کند. در عین حال این فرصت را به جامعه می‌دهد تا از توانایی‌های همه افراد بهره‌مند شود. از سوی دیگر با درآمد ناشی از کارکردن است که فرد باید بتواند به سایر نیازها از قبیل بهداشت و مسکن و آموزش و تغذیه پاسخ دهد. از این رو اشتغال نقشی محوری در تحقق حقوق انسانی دارد و در محور تلاش جهت برآوردن حق همه گروه‌های انسانی جای می‌گیرد. به بیان دیگر هر فرد با گروهی که از این حق انسانی خود بی‌بهره بماند، از دستیابی به سایر حقوق و تامین سایر نیازهای خود هم بازخواهد ماند و این مساله با کرامت و شان انسان مغایرت دارد. لذا در مبارزه با تبعیض، اشتغال یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی است.

«افراد دارای معلولیت» یکی از گروه‌های در معرض تبعیض در اشتغال هستند. تبعیض را تمایز خودسرانه و غیرموجهی دانسته‌اند که براساس علل و عوامل مختلفی ممکن است حادث شود. جنسیت و نژاد، عمدتاً دو عامل مهم در وقوع تبعیض هستند. اما متأسفانه همه عوامل به این دو منحصر نیستند. قومیت، عقاید سیاسی و مذهبی، خاستگاه اجتماعی و نیز معلولیت‌ها عوامل دیگری هستند که به تجربه دیده‌شده زمینه‌ساز تبعیض هستند و ممکن است برخی گروه‌ها را در برخورداری از حقوقشان با موانع جدی مواجه سازد. تبعیض ممکن است در مرحله استخدام و شروع به کار و یا در طول کار و در شرایط کار (از قبیل ساعات کار، دستمزد، مرخصی‌ها و ...) اتفاق افتد. تبعیض ممکن است آشکارا و مستقیماً گروه یا گروه‌هایی را هدف قرار داده و از حقوق طبیعی محروم‌شان کند، اما گاه تبعیض غیرمستقیم بوده و آثارش به محرومیت منجر می‌شود. بنابراین مبارزه با تبعیض در اشتغال کار دشواری است که برای وصول به آن اقدامات متعدد از ابعاد گوناگون لازم است؛ هدفی که سازمان بین‌المللی کار نظر به اهمیت و نقش محوری اشتغال در زندگی انسان، به شکل‌های گوناگون به آن توجه داشته‌است.

با این مقدمه در سطرهای پیش‌رو الزامات و بایسته‌های تامین فرصت‌های شغلی برابر برای افراد دارای معلولیت با



شغلی در نظر گرفته شود.

۳-۳: مرجع رسیدگی به شکایات از تبعیض: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و محاکم باید پاسخگوی دادخواهی افراد باشند. نظر به ویژگی‌های خاص حقوق کار اصولاً مراجعی خاص برای رسیدگی به دعاوی کارگر و کارفرما در کشورهای مختلف اختصاص می‌یابد.

وجود مراجعی که بتوان از تبعیض در اشتغال بدان شکایت برد یکی دیگر از الزامات حقوقی منع تبعیض است. اگرچه باید توجه داشت که در دعاوی مرتبط با تبعیض در اشتغال به‌ویژه در تبعیض در دسترسی به فرصت‌های شغلی اساساً

اثبات دعاوی امری دشوار است؛ چون چه بسا کارفرما در به کار نگرفتن فرد به علت و بهانه دیگری (همچون تجربه یا مهارت اندک) متوسل شود و صراحتاً عامل تبعیض (همچون جنسیت یا معلولیت) را مانعی در استخدام معرفی نکند. نکته قابل توجه دیگر این است که چون با ممانعت از ورود افرادی که معلولیت دارند به بازار کار ممکن است رابطه کارگری-کارفرمایی هنوز برقرار نشده‌باشد، چه بسا مراجع خاص حقوق کار صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را نداشته باشند و پیش‌بینی مرجعی اختصاصی برای رسیدگی به شکایات ناشی از تبعیض، ثمربخش‌تر است.

آن چه پیشتر در باب الزامات اشتغال معلولان به آن اشاره شد همگی در پرتو قانونگذاری و سیاستگذاری معنا یافته و اجرایی می‌شوند. قانون یکی از مهم‌ترین لوازم است که با داشتن ضمانت اجرای قدرتمند می‌تواند پشتوانه و تضمین حقوق افراد دارای معلولیت باشد. وجود یک سیاست جامع منع تبعیض در جامعه که در پی فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای کلیه گروه‌های آسیب‌پذیر باشد و برای هریک از این گروه‌ها لوازم خاص را پیش‌بینی نماید، بی‌تردید به مبارزه با تبعیض در بهره‌مندی از کلیه حق‌ها و از جمله حق اشتغال سرعت بیشتر و کارایی بالاتر خواهد بخشید. پیش‌بینی برخی سیاست‌های تشویقی برای کسانی که تواناییان را استخدام می‌کنند از جمله معافیت‌های مالیاتی یا اعطای جوایزی به کارفرمایان برگزیده نیز خود می‌تواند این سیاست‌ها را به پیش براند. همچنین باید توجه داشت که میان اشتغال و آموزش پیوندی ناگسستنی وجود دارد و بی‌تردید آموزش مقدمه اشتغال است و هر گروهی که از آموزش محروم بماند نخواهد توانست به فرصت‌های شغلی مطلوب و برابر دست یابد؛ لذا بخشی از سیاست جامع منع تبعیض باید ناظر به منع تبعیض در دسترسی به آموزش باشد. آموزش‌های مناسب می‌تواند این فرصت را در اختیار افرادی که معلولیت دارند قرار دهد تا فقط به برخی مشاغل خاص محدود نشوند، بلکه بتوانند مطابق با خواست، توانمندی‌ها و علائق خود شغلی را آزادانه برگزینند. در پرتو اتخاذ چنین سیاست‌هایی می‌توان امیدوار بود تواناییان هم به فرصت‌های شغلی دسترسی داشته و حق اشتغال آنها در مفهوم مقرر در اسناد بین‌المللی تضمین شود. اگرچه ممکن است اجرای این تدابیر با برخی هزینه‌های مادی مواجه بوده و یا با برخی مقاومت‌ها مواجه شود (که عمدتاً محصول ناآگاهی و ناآشنایی با حقوق انسان‌ها است) لیکن نباید از خاطر برد که اشتغال حق هر فرد است و هر دولتی مکلف است کلیه اقدامات لازم را متناسب با نیاز هر گروه جهت بهره‌مندی آنها از این حق مسلم معمول دارد.

در شهرهای بزرگ همه شهروندان
با سختی زندگی می‌کنند ولی آن‌هایی
که دچار مشکلات جسمانی هستند،
با سختی‌های بیشتری دست به
گریبانند، چون آنها در انتهای لیست
اهمیت قرار می‌گیرند!

ویژه به دلیل ارائه تسهیلات ممکن است با مقاومت‌های سایر افراد و همکاران آنها مواجه شود. غالباً افراد اطلاعات صحیح و دقیق و علمی پیرامون نحوه برخورد با فردی که معلولیت دارد، را ندارند و این سبب می‌شود که حتی اگر فضا از لحاظ فیزیکی مهیا باشد، وی نتواند به سادگی به محیط وارد گردد و در آن کار کند.

۲ «اختصاص سهمیه و رزرو مشاغل»:

همان‌گونه که از عنوان برمی‌آید مقصود این است که درصدی از فرصت‌های شغلی برای افراد توانیاب در نظر گرفته شده و در هر شرایط به آنها واگذار شود. این تدبیر که می‌توان آن را زیرمجموعه

«تبعیض مثبت» شناسایی کرد در بسیاری از کشورهای جهان سابقه داشته و کاربرد آن نه فقط محدود به افرادی که معلولیت دارند، بلکه با هدف اعطای فرصت‌های برابر به کلیه گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان است. چند نکته در تخصیص سهمیه به افراد توانیاب حائز اهمیت است: اولین ملاحظه تعیین درصد مناسب است. این پرسش مهم مطرح است که با چه ترتیب و فرمولی می‌توان محاسبه کرد که چند درصد از مشاغل به این افراد اختصاص یابد؟ همچنین در تعیین سهمیه بیم این می‌رود که تنها برخی مشاغل خاص که نیاز به مهارت و دانش خاصی ندارند برای افرادی که معلولیت دارند در نظر گرفته شوند. چالش بزرگ‌تر تعیین ضمانت اجرا برای افراد خاصی از تخصیص این سهمیه‌ها است.

۳ «به‌کارگیری ابزارهای حقوق کار علیه تبعیض در اشتغال افراد توانیاب»:

حمایت از کارگر در برابر کارفرما تعریف کرده است ابزارهایی را در طول سالیان پدید آورده تا سازگار با این رویکرد حمایتی باشند. این ابزارها می‌تواند در مبارزه با تبعیض به طور عام و با تبعیض علیه افراد معلول به طور خاص کارآمد باشند. از این میان می‌توان به عنوان مثال به چند مورد اشاره کرد:

۱-۳: **بازرسی کار:** بازرسان کار، مامورانی آموزش دیده و مجرب هستند که با اختیارات خاص به سرکشی از کارگاه‌های گوناگون مشمول قانون کار مبادرت می‌کنند و چگونگی رعایت موازین حقوق کار را بررسی نموده و در صورت نیاز تذکرات لازم را داده و یا حتی با طی فرایندهای قانونی می‌توانند کارگاه خاطی را به تعطیلی بکشانند. چنانچه وظیفه مشخصی برای بازرسان کار در توجه به وضعیت اشتغال افرادی که معلولیت دارند، رعایت سهمیه‌های استخدامی و نیز مناسب‌سازی محیط در نظر گرفته شود، بازرسی کار می‌تواند بدل به ابزاری کارآمد در منع تبعیض علیه افراد معلول در اشتغال باشد.

۲-۳: **بنگاه‌های کاریابی:**

توجه سازمان بین‌المللی کار هستند؛ به ویژه از این حیث که رابط و واسطه جویندگان کار و کارفرمایان بوده و عملکرد صحیح آنها می‌توانند روند ورود نیروی جویای کار به بازار کار را تسهیل و تسریع نماید. از این رو سازمان در مراحل گوناگون مختصات خاصی را برای فعالیت این بنگاه‌ها پیش‌بینی کرده‌است. ارائه آموزش‌های خاص به شاغلین بنگاه‌های کاریابی، دقت در محتوای آگهی‌های شغلی که ممکن است متضمن تبعیض در اشتغال باشد و نیز مناسب‌سازی محیط کاریابی‌ها می‌تواند ابزاری سودمند برای افراد توانیاب در دستیابی به فرصت‌های



لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت

در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و این قانون (حسب مورد) می‌باشند.

فصل دوم-مناسب سازی، دسترس پذیری و تردد و تحرک

ماده ۲- شهرداری‌ها مکلفند از صدور پروانه احداث، بازسازی و پایان کار برای ساختمان‌ها و اماکن با کاربردی عمومی از جمله مجتمع‌های تجاری، اداری، درمانی و آموزشی که ضوابط و استانداردهای مصوب دسترس پذیری افراد دارای معلولیت را رعایت نکرده باشند، خودداری و در احداث و بازسازی معابر عمومی مناسب سازی شده حمایت نمایند.

ماده ۳- وزارت خانه‌های راه و شهرسازی کشور و شهرداری‌ها موظفند حسب مورد نسبت به مناسب سازی و دسترس پذیری کلیه پایانه‌ها، ایستگاه‌ها، تاسیسات سامانه‌ها و ناوگان حمل و نقل درون شهری و برون شهری منطبق با استانداردهای بین المللی، دسترس پذیری سامانه‌های حمل نقل عمومی برای دسترسی افراد دارای معلولیت و اقدام و امکان بهره‌مندی این افراد از ناوگان حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی را فراهم نمایند و کارکنان خود را جهت همیاری علمی و صحیح با مسافرین دارای معلولیت آموزش دهند.

تبصره ۱- شهرداری‌ها مکلفند جهت امکان تردد افراد دارای معلولیت‌های شدید، سامانه‌های حمل و نقل ویژه افراد دارای معلولیت را با تجهیز ناوگان خودروهای مناسب سازی شده ایجاد نمایند. دولت مکلف است در تشکیل این سامانه‌ها به شهرداری‌های فاقد اعتبارات لازم، کمک نماید.

تبصره ۲- استفاده افراد دارای معلولیت‌های شدید از سامانه‌های حمل و نقل ریلی و اتوبوس‌رانی درون شهری دولتی و عمومی رایگان و استفاده این افراد از سامانه‌های برون شهری ریلی، هوایی و دریایی دولتی و عمومی غیر دولتی نیم بهاء است. وزارت مکلف است جهت اجرای این تبصره نسبت به پیش بینی اعتبارات لازم در لوایح بودجه سالانه اقدام نماید.

فصل سوم- خدمات بهداشتی، درمانی و توانبخشی

ماده ۴- وزارت مکلف است پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه ای تامین نماید که شامل خدمات توانبخشی- پزشکی مورد نیاز این افراد باشد.

ماده ۵- سازمان مکلف است با الویت حمایت از نگهداری و مراقبت از افراد دارای معلولیت به ویژه افراد دارای معلولیت‌های اعصاب و روان، کم توانان ذهنی، جسمی و حرکتی شدید و افراد دچار معلولیت‌های چندگانه در کانون خانواده از طریق ارائه خدمات آموزشی و مشاوره ای به خانواده‌ها به منظور همیاری صحیح آنان با افراد دارای معلولیت و پرداخت حق پرستاری یا مددکاری به سرپرست، همسر یا قیم این افراد، خدمات مراقبتی

تصویب لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران است که با تشخیص نیازهای اولیه افراد دارای معلولیت، بر تحقق حقوق حقه آنان تاکید داشته است. علی‌رغم بهبود نسبی و قابل ملاحظه در آسایش و آرامش گروه هدف و ارتقاء سطح خدمات حمایتی و توانبخشی افراد دارای معلولیت، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ نتوانسته انتظارات و توقعات هزاران نفر از شهروندان دارای معلولیت را برآورده سازد و موانع عمده فراروی آنان را رفع نماید. لذا به منظور رفع موانع پیش رو، انطباق مفاد قانون تحولات کشور به ویژه در رابطه با نظام اداری و تسهیلات استخدامی، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشور در بهبود سطح زندگی افراد جامعه ی هدف، ایجاد تمهیدات و اقدامات لازم توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با توجه به وظایف و مسئولیت‌های آنان، حذف موارد بازدارنده برای اجرای مطلوب و ارایه راهکارهای مناسب برای نیازهای مغفول مانده در قانون قبلی، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

فصل اول- کلیات

ماده ۱- تعاریف

الف: فرد دارای معلولیت شخصی است که بر اساس طبقه‌بندی‌های بین المللی انواع معلولیت در سازمان بهداشت جهانی با تایید کمسیون پزشکی-توانبخشی و تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی، ذهنی، روانی و یا توام با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره ی زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه است.

تبصره- چگونگی تشکیل کمسیون‌های پزشکی-توانبخشی تعیین نوع و شدت معلولیت و صدور کارت معلولیت برای فرد دارای معلولیت بر اساس آیین نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون، توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب: وزارت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

پ: سازمان: سازمان بهزیستی کشور

ت: دستگاه‌های مشمول: دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، قوه قضائیه، قوه مقننه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان و سازمان‌ها و موسسات وابسته و تابعه آنها و کلیه سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند و یا قسمتی از بودجه آن‌ها توسط دولت تامین می‌گردد.

تبصره- دستگاه‌های مشمول ملزم به اجرای تکالیف مقرر



و نگهداری از افراد دارای معلولیت از طریق مراکز وابسته به خود یا حمایت از مراکز بخش غیر دولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه و تشکل‌های مردم نهاد) تامین نماید.

تبصره ۱- میزان کمک هزینه بابت پرداخت حق پرستاری یا مددکاری موضوع این ماده، متناسب با نوع و شدت معلولیت فرد دارای معلولیت، تعداد این افراد در هر خانواده و بر اساس هزینه‌های متعارف نگهداری و مراقبت از افراد دارای معلولیت و متناسب با تورم سالانه و میزان کمک هزینه پرداختی به مراکز بخش غیردولتی هر ساله با در نظر گرفتن نرخ تمام شده خدمات و نرخ تورم سالانه توسط وزارت با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

تبصره ۲- خدمات و کمک هزینه موضوع این ماده و تبصره (۱) به سالمندان نیازمندی که به تشخیص سازمان در آستانه معلولیت قرار می‌گیرند، تسری می‌یابد.

فصل چهارم- امور ورزشی، فرهنگی، هنری و آموزشی

ماده ۶- استفاده افراد دارای معلولیت از مراکز، تاسیسات و خدمات ورزشی دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌های کشور با الویت کارکنان متبوع رایگان است.

ماده ۷- افراد دارای معلولیت نیاز مند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان از آموزش عالی رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی غیر دولتی بهره مند گردند.

تبصره -آیین نامه اجرایی این ماده توسط وزات علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

فصل پنجم - کار آفرینی و اشتغال

ماده ۸- وزارت مکلف است در قالب اعتبارات مصوب سازمان، صندوق فرصت‌های شغلی معلولان و مددجویان بهزیستی را ایجاد کند و اساسنامه آن را ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران برساند.

ماده ۹- کارفرمایان بخش غیر دولتی که افراد دارای معلولیت جویای کار را در مراکز کسب و کار خود استخدام کنند، با رعایت شرایط زیر از یارانه حقوق و دستمزد افراد دارای معلولیت شاغل استفاده خواهند کرد.

مدت قرارداد استخدامی کارفرما با فرد دارای معلولیت شاغل باید حدود یک سال باشد.

۱۰- حقوق و دستمزد فرد دارای معلولیت شاغل بر اساس مصوبات شورای عالی کار و سایر قوانین و مقررات مربوط از سوی کارفرما پرداخت شود.

سایر مزایای قانونی تصریح شده در قانون کار (مزایای رفاهی کارگران) به فرد دارای معلولیت شاغل پرداخت شود.

تبصره ۱- منظور از فرد دارای معلولیت جویای کار در این قانون، فرد معلولی است که توانایی انجام کار داشته و مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای اشتغال را کسب نموده باشد.

تبصره ۲- منظور از یارانه حقوق و دستمزد عبارت است از؛ پرداخت حداکثر پنجاه درصد حقوق و دستمزد ماهانه فرد دارای معلولیت شاغل با توجه به نوع معلولیت از محل برنامه اعتباراتی که ذیل ردیف اعتباری وزارت در قوانین بودجه سنواری درج می‌گردد.

تبصره ۳- یارانه حقوق و دستمزد برای هر فرد دارای معلولیت شاغل در بخش مزد بگیری غیردولتی تا پنج سال قبل پرداخت می‌باشد

تبصره ۴- آیین نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون توسط وزارت تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۰- کار فرمایانی که در مراکز کسب کار خود، افراد دارای معلولیت جویای کار را استخدام نمایند، مشروط بر آن که مدت قرارداد استخدامی آنان با فرد دارای معلولیت شاغل حداقل یک سال باشد با توجه به تعداد افراد دارای معلولیتی که استخدام کرده‌اند، از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایی در قبال افراد دارای معلولیت جذب شده معافند. هم چنین افراد دارای معلولیتی که به صورت خود اشتغالی یا در کارگاه‌های اشتغال خانگی مشغول به کار می‌باشند حسب مورد از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان با خویشتن فرما معاف می‌شوند. حق بیمه سهم کارفرمایان با خویشتن فرمایان این گونه افراد، توسط دولت تامین و پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱- آیین نامه اجرایی این ماده توسط وزارت با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱- سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور مکلف است، راساً یا با جلب مشارکت بخش غیر دولتی اقدام به پذیرش کارآموزان دارای معلولیت نموده و از طریق مناسب‌سازی و توسعه مراکز موجود و با تاسیس آموزشگاه‌ها و مراکز آموزش مهارت‌های فنی و حرفه ای افراد دارای معلولیت اقدام نموده و ضمن ارائه حمایت‌های لازم و تامین تجهیزات تخصصی مهارت‌آموزی مناسب با شرایط کارآموزان دارای معلولیت، یارانه آموزش این افراد را در بودجه سنواری خود منظور و پرداخت نماید.

همچنین این سازمان مکلف است به منظور تامین کیفیت و بازدهی مطلوب آموزش‌های فنی و حرفه ای افراد دارای معلولیت، با اخذ مشاوره‌های تخصصی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور استانداردها و نظام نامه جامع آموزش مهارت‌های فنی و حرفه ای کارآموزان دارای معلولیت را تدوین و به مراکز موضوع این ماده ابلاغ نماید.

فصل ششم- مسکن

ماده ۱۲- وزارت راه و شهرسازی و سایر دستگاه‌های مربوط مکلفند متناسب با ارایه تسهیلات و اقدامات حمایتی از سازندگان واحدهای مسکونی اعم از انبوه‌سازان، تعاونی‌ها و بخش خصوصی، تعهد لازم برای اختصاص حداقل ده درصد واحدهای مسکونی احداثی به افراد دارای معلولیت فاقد مسکن (با الویت زوج‌های دارای معلولیت) به صورت ارزان قیمت و مناسب‌سازی شده با معرفی سازمان توسط سازندگان مذکور و بر اجرای آن نظارت نمایند.

تبصره ۱- نظام بانکی کشور مکلف است تسهیلات اعتباری بلند مدت مسکن حمایتی موضوع این ماده را برای یک بار با نرخ سود ترجیحی تامین و به افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان و یا تعاونی‌ها و موسسات خیریه مورد تایید سازمان



معاذتی را به کلیه پرونده‌های مطروحه اینگونه افراد در مراجع قضایی یا شبه قضایی تعمیم دهند.

ماده ۲۰- صد در صد هزینه‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت احداث و تجهیز و توسعه و مناسب سازی کلیه مراکز توانبخشی، نگهداری و مراقبتی، حرفه آموزی، آموزشی، کارآفرینی، رفاهی و مسکن مورد نیاز افراد دارای معلولیت که مجوز فعالیت از سازمان را کسب نموده، با تایید سازمان به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می‌شود.

ماده ۲۱- پنجاه درصد حقوق و مزایا یا دستمزد مشمول مالیات یکی از اولیاء افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید، مادامی که مسئولیت پرداخت هزینه‌های مرتبط بر معلولیت فرد بر عهده ی اولیا باشد، از پرداخت مالیات معاف خواهند بود. گواهی تایید نوع و شدت معلولیت افراد مشمول این ماده از سوی کمیسیون پزشکی تشخیص و نوع و شدت معلولیت از طریق سازمان ارایه خواهد شد.

تبصره- آیین نامه اجرایی این ماده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی ظرف ۶ ماه پس از ابلاغ قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

فصل نهم- معیشت و حمایت‌های اداری و استخدامی

ماده ۲۲- دولت موظف است کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت‌های بسیار شدید و شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در بودجه سالانه ی کل کشور منظور نماید تا از طریق سازمان بهزیستی کشور به افراد یاد شده پرداخت شود. بانوان کارمند دارای معلولیت، بانوان کارمند همسر فرد دارای معلولیت یا دارای فرزند دارای معلولیت فاقد نگهداری فرد دارای معلولیت در منزل (به تشخیص کمیسیون پزشکی- توانبخشی)، از تسهیلات مقرر در قانون خدمت نیمه-وقت بانوان و اصلاحات بعدی آن با استفاده از حقوق و مزایای کامل بهره مند خواهد شد و در صورتی که فرزند دارای معلولیت فاقد مادر باشد، پدر یا سرپرست قانونی وی و شاغلین مرد دارای همسر دارای معلولیت به شرط نگهداری فرد دارای معلولیت در منزل (به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان)، با یک چهارم کسر ساعات کارهفتگی از حقوق و مزایای کامل استفاده خواهد نمود.

ماده ۲۳- دستگاه‌های مشمول مکلفند ساعات کار روزانه شاغلین دارای معلولیت‌های شدید و خیلی شدید را حداکثر دو ساعت در روز کاهش دهند.

فصل دهم- نظارت و منابع مالی

ماده ۲۴- به منظور شفاف سازی منابع مالی اختصاص یافته برای اجرای این قانون و حمایت از افراد دارای معلولیت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مکلف است نسبت به ایجاد ردیف ذیل فصل رفاه اجتماعی متناسب با عناوین فصول این قانون در لوائح بودجه سنواتی اقدام نماید.

ماده ۲۵- با لازم الاجرا شدن این قانون، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان- مصوب ۱۳۸۳- به استثنای ماده (۲) و تبصره‌های (۱) و (۳) آن، تبصره ماده (۴)، بندهای (الف)، (ج)، (د)، (ه)، (و)، (ز) و نیز تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۷) ماده (۱۱) و ماده (۱۵) و تبصره آن ملغی الاثر می‌باشد.

تبصره ۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعتبار مورد نیاز جهت پرداخت مابه التفاوت نرخ سود چهار درصد و نرخ سود مصوب نظام بانکی را بر اساس مطالبه سالانه بانک مرکزی در قانون بودجه سالانه منظور خواهد نمود.

ماده ۱۳- سازمان ملی زمین و مسکن موظف است زمین مورد نیاز احداث واحدهای مسکونی افراد دارای معلولیت فاقد مسکن را به صورت اجاره بلند مدت (نود و نه ساله) تامین و در اختیار افراد مذکور و یا تعاونی‌ها و موسسات خیریه‌ای که برای آنان مسکن احداث می نمایند قرار دهد.

ماده ۱۴- افراد دارای معلولیت از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، آماده سازی زمین عوارض نوسازی و هم چنین حق انشعابات آب، برق، گاز و دفع فاضلاب منطبق با الگوی مسکن مصوب شهری یا منطقه‌ای معاف می‌باشند.

تبصره ۱- استفاده از تسهیلات موضوع این ماده، صرفاً برای یک واحد مسکونی مجاز است.

تبصره ۲- وزرات و سایر دستگاه‌های اجرایی ذی ربط موظفند اعتبار مورد نیاز موضوع این ماده را هر ساله به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام نمایند تا در لوائح بودجه سالانه پیش بینی شود.

فصل هفتم: فرهنگ سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی

ماده ۱۵- وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادهای دارنده سالن‌های نمایش فیلم، مکلفند بدون اخذ هزینه، امکان نمایش تیزرهای آموزشی مورد تایید سازمان در خصوص حقوق افراد دارای معلولیت و چگونگی تعامل با این افراد را فراهم آورند.

ماده ۱۶- سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف است حداقل پنج ساعت از برنامه‌های خود را هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان و آشنایی مردم با توانمندی‌های افراد دارای معلولیت اختصاص دهد و نسبت به زیرنویسی فیلم‌ها و برنامه‌های شبکه‌های مختلف سیما، استفاده از رابط ناشنویان و نیز بخش توصیف شنیداری فیلم‌ها جهت افراد نابینا اقدام نماید.

فصل هشتم- حمایت‌های قضایی و تسهیلات مالیاتی

ماده ۱۷- مراجع قضایی مکلفند هنگام نصب قییم برای افراد کم‌توان ذهنی و مبتلایان به بیماری‌های روانی مزمن، نظر سازمان را اخذ کنند. در مواردی که فرد واجد شرایطی برای پذیرش قییمومت وجود نداشته باشد یا این سمت را نپذیرد دادگاه مکلف است سازمان را به عنوان قییم تعیین کند.

ماده ۱۸- سازمان مکلف است حسب درخواست فرد دارای معلولیت یا قییم وی (حسب مورد)، در پرونده‌هایی که حق فرد دارای معلولیت به دلیل معلولیت (به تشخیص سازمان یاد شده)، مورد تعرض قرار گرفته یا چنین ادعایی مطرح است، در دادگاه مربوطه شرکت نموده و به عنوان نماینده فرد دارای معلولیت با رعایت ماده (۳۲) آیین دادرسی مدنی محسوب میشود.

ماده ۱۹- کانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه مکلفند علاوه بر الزامات مندرج در قوانین مربوطه، موارد استفاده افراد دارای معلولیت از وکیل



قانون، معلول و معلولیت

مختصری از وضعیت تاریخی قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی حوزه معلولیت

دکتر کامران عاروان
مدیر عامل جامعه معلولین ایران

می‌کردند. تصویب قانون تشکیل انجمن توانبخشی در ۱۳۴۶ و برنامه پنجم پنج ساله عمرانی کشور در ۱۳۵۲ بخشی از این اقدامات تقنینی بود.

پس از انقلاب و با توجه به لزوم توجه بیشتر به مسائل اجتماعی و بهبود اوضاع و شرایط گروه‌های فرودست و ضعیف‌تر، این قوانین و فعالیت‌های گسترده و متمرکز سازمانی این حوزه قوت و انسجام بیشتری به خود گرفت و تلاش شد تا در این حوزه بیش از پیش و مؤثرتر گام برداشته شود.

اهداف اصلی حمایت از حقوق معلولان بر پایه موارد زیر است تا از این طریق بتوان در زمان سریع‌تر و به‌طور گسترده‌تر به وضعیت شایسته‌تری برای معلولان کل کشور دست یافت:

۱. شناساندن صحیح معلولیت به جامعه
۲. تغییر نگرش مسئولین و جامعه نسبت به معلولیت
۳. حمایت حقوقی و مدنی، رفع تبعیض و به دست آوردن جایگاه واقعی افراد دارای معلولیت و احقاق حقوق مدنی و رفع مشکلات حقوقی یکسویه و هماهنگ کردن خدمات متفرقه که در جامعه به‌صورت پراکنده جهت حمایت از این افراد انجام می‌گیرد.
۴. ایجاد یک متولی خاص برای احقاق حقوق مدنی معلولان
۵. فراهم نمودن امنیت اجتماعی در محیط زندگی کار و دفاع از حقوق مدنی آنها
۶. ایجاد بخش‌های نگهداری جهت راهنمایی و حل مشکلات اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی آنها
۷. تلاش برای ایجاد ثبات کاری افراد دارای معلولیت
۸. تلاش در جهت فعال سازی اجتماعی معلولان
۹. جمع‌آوری و ایجاد قوانین مورد تأیید در مورد حقوق مدنی معلولان و سعی در جهت به اجرا درآوردن آنها در سطح ملی
۱۰. بررسی و انعکاس چگونگی پیشرفت برخی کشورها در جهت حل مسائل حقوقی افراد دارای معلولیت.

پیش از تدوین و تصویب قوانین جامع، قوانین داخلی و بیشتر سازمانی در زمینه حمایت‌های مختلف از این گروه موجود است که در ضمن دیگر قوانین و یا به‌طور مستقل تدوین و تصویب شده‌است. ، قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و معلولان عادی و مشاغل سخت و زیان آور در سال ۱۳۶۷، بخشی از قانون استخدام کشوری (معروف به قانون ۳ درصد استخدامی)، قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنائی ۱۳۶۹، قانون معافیت خدمت وظیفه عمومی و قانون مقررات مربوط به ورود خودرویی سواری در موارد خاص در سال ۱۳۷۰، بخشی از قانون معافیت مالیاتی کلیه موسسات شاغل در امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان در سال ۱۳۷۴، بخشی از قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۸۰، بخشی از قانون ساختار نظام جامع رفاه ۱۳۸۴، بخشی از قانون برنامه برنامه دوم، سوم، چهارم و بخشی از

مسائل مرتبط با حوزه معلولان و توجه به آنها و ارائه راهکار برای آنها، پیشینه‌ای دیرینه داشته‌است. اکثر اقدامات انجام شده از ناحیه حکومت‌ها، برای مدت زمان محدودی بوده و مشمول همه انواع معلولیت‌ها نبوده و همواره کاستی‌هایی در اجرای این فرمان‌ها و دستورها نیز وجود داشته‌است. البته در خیلی از دوران‌ها همین هم موجود نبود و افراد دارای معلولیت باید با قبول شرایط تحمیلی و بر اساس "آنچه که هست" می‌زیستند. تاریخ معاصر نشان می‌دهد که همراه با تغییر نگرش‌ها نسبت به انسان و همزمان با پیشرفت‌های پزشکی، مهندسی و آموزشی شرایط جدیدی پیش آمد که منجر به تغییر وضعیت و جایگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی معلولان در جوامع غرب شد و نتایج این حرکت به سایر کشورهای جهان نیز کم و بیش سرایت نمود.

بخش مهمی از این اقدامات در حوزه نگهداری، توانبخشی و پزشکی بود که منجر به ارائه خدمات مختلف به افراد دارای معلولیت شد. حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی نیز برای ارتقای سطح فکری این افراد تقویت شد و شیوه‌های نوینی برای پیشبرد این اهداف آموزشی به خصوص برای نابینایان، ناشنواان و کم‌توانان ذهنی ابداع و اجرا گردید.

خیلی از این اقدامات به‌صورت محدود و در مقیاس اندک آغاز شد و به تدریج گسترش یافت و لازم بود با روش‌های قانونی که حکومت و مجالس قانونگذار در نظر می‌گیرند، اجرایی شوند. در کشورهایی که قانون در اولویت قرار گرفت، تدوین و تصویب قوانین مرتبط با حوزه‌های مختلف معلولیت برای حل مسائل آنها و نیز برابری فرصت‌ها و ایجاد مشارکت‌های مساوی برای آنها آغاز شد و با ایجاد بسترهای لازم و ضمانت‌های اجرایی، این قوانین در سطح استان‌ها و ایالات و بعد در کل کشور آغاز شد و در سال‌های بعدی که فضای مساعدتری فراهم گشت تلاش برای تدوین و تصویب قوانین لازم‌الاجرای بین‌المللی آغاز شد تا بر این اساس بتوان شرایط ایده آل و حق برابر را برای زندگی همه معلولان جهان اعمال شده و بر حسن اجرای این قوانین نظارت کافی و لازم را بنمایند.

وضعیت تاریخی قوانین و مقررات حوزه معلولیت در ایران

در ایران تدوین قوانین این حوزه به دوره قاجار برمی‌گردد که بیشتر حول فرمان‌های صادره از سوی حاکمان وقت بود و بر اساس درکی که از افراد دارای معلولیت داشتند، میزان این فرمان‌ها و لازم‌الاجرا بودن آن بیشتر می‌شد. در دوره پهلوی نیز علاوه بر این دستورات، قوانین موردی مجلس در این زمینه کارساز بوده‌است. البته بیشتر وظیفه این حوزه بر عهده انجمن‌ها و سازمان‌هایی بود که زیر نظر دربار در این حوزه و برای گروه‌های مختلف افراد دارای معلولیت ایفای نقش



شماره ۴ زمستان ۱۳۹۱

قانون تنظیم مقررات مالی دولت در سال ۱۳۸۴ از این دست هستند. در این خصوص آئین نامه‌ها و مقررات دیگری نیز در حوزه‌های نگهداری، اشتغال، بازنشستگی، بهداشتی و بیمه معلولان هم تدوین و تصویب شد.

ماموریت‌های متعددی برای سازمان بهزیستی با عناوین حمایت و توانبخشی، نگهداری، یاریگری، پیشگیری، ارائه خدمات، آموزش و اصلاح، تدوین آیین نامه و قوانین، تربیت نیروهای انسانی متخصص، برنامه ریزی و غیره برای گروه های هدف خود؛ معلولان، سالمندان، کودکان عادی و بی سرپرست، زنان خود سرپرست و آسیب دیده اجتماعی، معزندان، افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی و از این دست، تعریف شد.

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان با هدف "طرح تأمین حقوق معلولان و ایجاد تسهیلات لازم برای آنها" مشتمل بر ۱۶ ماده و ۲۴ تبصره در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ در مجلس شورای اسلامی تصویب گردید. این قانون که با لحاظ مقررات بین‌المللی با عنوان «جامع» به تصویب رسید، مسائل و مشکلات این قشر را در کانون توجه خود قرار داده و حاوی مقررات بسیار مفیدی در حمایت از ایشان بود. این قانون از سه منظر اهمیت اساسی دارد:

الف- قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تقریباً تمام ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی، نیمه دولتی، نهادهای عمومی و انقلابی و حتی بعضاً خصوصی و غیرانتفاعی را درگیر مسائل معلولان و ملزم به حمایت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آنها می‌نماید و نگاه وسیع و گسترده‌ای به مسائل افراد دارای معلولیت دارد.

ب- قانون مذکور بعد از چالش‌هایی که سال‌ها فراروی کارو زندگی افراد دارای معلولیت قرار داشت، با توجه به تمامی مسائل و مشکلات ایشان به تصویب رسید ولی اجرای تمام مفاد آن نیاز به بسترسازی و صرف هزینه‌های مالی فراوان داشت.

ج- در این قانون به سازمان بهزیستی به عنوان متولی قانونی معلولان کشور اختیارات قانونی زیادی برای احقاق و اعاده حقوق افراد دارای معلولیت اعطا شد. در تکمیل این قانون آیین نامه‌هایی در خصوص مواد ۲ (مناسب سازی)، ۶ (شناسایی و معافیت معلولان)، ۸ (آموزش)، تبصره ۴ ماده ۹ (مسکن معلولان)، ۱۰ (کمک هزینه (یارانه) قابل پرداخت به مراکز غیردولتی بابت نگهداری، خدمات توانبخشی، آموزشی و حرفه‌آموزی معلولان)، ۱۳ (نصب و عزل قیم برای افراد معلول و استفاده از وکیل برای معلولان) و ۱۴ (مالیات مراکز و موسسات غیر دولتی حوزه معلولان) نیز تدوین گشت و به تصویب هیات دولت رسید.

اقدامات مختلفی برای اجرای این قانون انجام شد ولی موانع و اشکالاتی در روند اجرای آن مشهود بود که علی‌رغم نام "جامع" که قانون با خود داشت، نتوانست بر مطالبات این افراد جامه عمل بپوشاند. مشکلات اجرایی و متولی‌گری این قانون، زیربار نرفتن تمام ارگان‌ها و سازمان‌ها به‌طور یک‌پارچه در این روند، مشکلات بودجه‌ای، کند بودن روندهای کاری سازمانی، جدیت ناکافی مدیران ارشد، فقدان بسترهای لازم فرهنگی و اجتماعی و نیز برخی تفسیرها و سلاقی درباره این قانون و غیره موانع جدی بود که با وجود ارزشمند بودن این قانون بخش‌های مهمی از آن به‌طور کامل اجرایی نشد.

لایحه (برنامه) جامع ۶۶ ماده‌ای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در پایان دولت دهم مورد تجدیدنظر قرار گرفت و با تغییر دولت هم‌چنان بررسی‌های آن تداوم یافت. در نهایت با ۱۱ فصل و ۲۵ ماده در هیات وزیران به تصویب

رسید و طی لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی ارسال شد تا پس از تصویب اجرایی شود. پس از تصویب در کمیسیون مشترک مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ به شورای نگهبان ارسال شد که این شورا در فروردین ۱۳۹۵ به علت ایرادات شکلی در تصویب و نیز موارد بودجه‌ای آن را رد کرد و مجدداً در دوره مجلس جدید، توسط سازمان بهزیستی و با یاری گرفتن از دیدگاه‌های سازمان‌های غیردولتی مورد بازبینی و رفع اشکال قرار گرفت و پس از بررسی‌های نهایی توسط کمیسیون اجتماعی و تلفیقی در شهریور ۱۳۹۶ مقرر شد که در صحن مجلس برای تأیید نهایی مطرح شود. البته بخش‌هایی از این قانون (۲۸ ماده) به عنوان مصوبه هیات دولت در ۱۰ خرداد ۱۳۹۴ به تصویب رسید که از شهریور همان سال برای اجرا به دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه ابلاغ شد.

منشور حقوق شهروندی (آذر ۱۳۹۵) هم جدیدترین قانون در رابطه با افراد دارای معلولیت است که در کلیت آن حقوق شهروندی معلولان نیز تعریف، تقسیم بندی و تعیین شده است. ماده ۵ این منشور صریحاً به معلولان و تأمین نیازهای درمانی و توانبخشی آنها اشاره دارد. آخرین قانون در رابطه با معلولان مربوط به قوانین راهنمایی و رانندگی در سال ۱۳۹۶ است که برای نابینایان دارای عصای سفید و افراد دارای معلولیت، افراد کم توان و ناتوان دارای ویلچر، اعم از این که از ویلچر مکانیکی یا برقی استفاده کنند، در عبور از معابر و پارک‌ها در حکم عابر پیاده محسوب می‌شوند.

وضعیت تاریخی قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی در حوزه معلولیت

در قرن نوزدهم تدوین قوانین بیشتر شامل بخشی از افرادی بود که معلولیت داشتند و برای بهبود شرایط زندگی آنها بود، تصویب قوانین جدید برای نگهداری بیماران ذهنی در سال‌های ۱۸۲۸، ۱۸۴۵، ۱۸۴۸ از این جمله بود.

با شروع قرن بیستم، تدوین و تصویب قوانین فراگیر و فراملی جدی‌تر شد و در این خصوص سازمان‌های بین‌المللی هم‌چون جامعه ملل و بعد سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار، نقش مهمی ایفا کردند.

بیانیه و مصوبات بین‌المللی در این زمینه:

اعلامیه حقوق کودک ۱۹۲۴ (جامعه ملل)، اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸، توصیه‌نامه سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۵، در زمینه باز توانی شغلی اشخاص دارای معلولیت، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۵۹، اعلامیه حقوق اشخاص دارای اختلالات روانی ۱۹۷۱، اعلامیه حقوق افراد دارای معلولیت ۱۹۷۵، تعیین سال جهانی معلولان ۱۹۷۶ با تأکید بر مشارکت کامل، تعیین سال جهانی معلولان ۱۹۸۱، تعیین دهه جهانی معلولان (۱۹۹۲-۱۹۸۳) در ۱۹۸۲، مقاله‌نامه کنفرانس بین‌المللی کار مصوب ۱۹۸۳ افزایش فرصت‌های شغلی و به‌کارگماری افراد دارای معلولیت، تعیین سوم دسامبر هر سال با عنوان روز جهانی معلولان در سال ۱۹۹۳، تصویب قوانین استانداردسازی برای برابرسازی فرصت‌ها در مورد افراد دارای معلولیت ۱۹۹۳، توصیه‌نامه سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۹۴ در خصوص استخدام کارگران معلول، بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸) شناساندن حق اشتغال و داشتن کار برای همه افراد از جمله معلولان، بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶) الزام دولت‌ها، به رسمیت شناختن حق کار برای همه و اقدامات مقتضی برای این حقوق، ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک بدون قایل شدن تفکیک میان کودکان سالم و معلول در



خصوص کار کودکان .

تصویب توان‌بخشی مجدد در آمریکا در ۱۹۷۳، تشکیل اتحادیه معلولیت برای کاهش فقر افراد دارای معلولیت در انگلستان ۱۹۷۴ و صدور اعلامیه سازمان ملل برای حقوق معلولان در ۱۹۷۵ گام‌های محکم و موثری برای احقاق حق آنها و بازگرداندن آنها به زندگی طبیعی بود.

در کشورهای دیگر نیز فرآیند تدوین و تصویب قوانین جهت معلولان به انجام رسید. در آمریکا قانون موانع معماری ۱۹۶۸، قانون معلولیت‌های رشدی ۱۹۷۲، قانون توانبخشی ۱۹۷۳، قانون آموزش افراد دارای معلولیت ۱۹۷۵، قانون دسترسی به حمل و نقل هوایی ۱۹۸۴، قانون امکان رای دادن افراد سالخورده و معلول ۱۹۸۴، قانون مسکن مناسب ۱۹۸۸، قانون آمریکایی‌های معلول (کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در آمریکا) ۱۹۹۰، قانون ABL ۲۰۱۴، تصویب و اجرا شد.

قوانین افراد دارای معلولیت در آلمان: مروری بر استخدام، آموزش و حقوق دسترسی (به خدمات و امکانات) در مفادی مفصل و دقیق و فراگیر، تصویب و اجرا شد. در ایتالیا نیز بر اساس قانون اساسی و نیز حقوق عمومی در تمام بخش‌های زندگی افراد دارای معلولیت، حمایت‌های قانونی و حقوقی اعمال می‌گردد و خدمات متنوع و مختلفی برای بهبود شرایط زیستی آنها انجام می‌پذیرد.

در سال ۱۹۸۱ برای نخستین بار، سال جهانی معلولان اعلام شد. در این زمان حدود ۲۰۰ میلیون فرد دارای معلولیت در جهان وجود داشت. سازمان بین‌المللی معلولان (DPI) تشکیل شد و در سنگاپور نخستین کنگره خود را برگزار کرد. مهم‌ترین نتیجه برای اعلام سال بین‌المللی معلولان، در سال ۱۹۸۱، «برنامه اقدام جهانی درباره معلولان» (۱) بود که در قطعنامه ۳۷/۵۲ مورخ ۳ دسامبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی به تصویب رسید و وظایف عمده‌ای را برای مراجع حکومتی نسبت به معلولان تعیین کرد. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۳، از این سال تا سال ۱۹۹۲ دهه معلولان اعلام کرد و دولت‌ها مکلف به انجام اقدامات اساسی برای حل مسائل معلولین کشور خود شدند. سازمان ملل حقوق بشر مخصوص معلولان را در ۱۹۸۴ اصلاح و تدوین نمود. «گردهمایی جهانی کارشناسان برای بازنگری در اجرای برنامه اقدام جهانی درباره معلولان» در اواسط دهه معلولان از طرف سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۸۷، در شهر استکهلم تشکیل شد. در گردهمایی فوق پیشنهاد شد اصول راهنما تدوین شود تا اولویت‌ها برای اقدام در سال‌های بعد را مشخص کند. مبنای آن اصول می‌بایست شناسایی حقوق معلولان باشد. آن گردهمایی متعاقباً توصیه کرد مجمع عمومی برای تهیه متن پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی، حذف کلیه اشکال تبعیض علیه معلولان که تا پایان دهه معلولان به تصویب کشورها برساند و کنفرانسی ویژه تشکیل دهد. ایتالیا پیش‌نویس متن کنوانسیون را تهیه و به جلسه چهل و دوم مجمع عمومی تقدیم کرد. سوئد نیز پیش‌نویس دیگری از کنوانسیون را به اجلاس چهل و چهارم مجمع عمومی تقدیم کرد. با این حال در هیچ یک از دو اجلاس فوق درباره مناسب بودن چنین کنوانسیونی اجماع حاصل نشد. از نظر بسیاری از نمایندگان اسناد موجود مربوط به حقوق بشر می‌توانست حقوق برابر با اشخاص دیگر را برای معلولان تضمین کند.

شورای اقتصادی و اجتماعی به تبعیت از مذاکرات مجمع عمومی در نخستین اجلاس عادی سال ۱۹۹۰ خود، سرانجام موافقت کرد توجه خود را بر تدوین یک سند بین‌المللی متفاوت متمرکز کند. شورا با قطعنامه ۱۹۹۰/۲۶ مورخ ۲۴ مه ۱۹۹۰ خود

به کمیسیون توسعه اجتماعی اجازه داد در سی و دومین اجلاس خود ایجاد گروه کاری ویژه از کارشناسان دولتی، با بودجه کمکه‌های داوطلبانه، برای تدوین مقررات استاندارد درباره یکسان‌سازی فرصت‌ها برای کودکان، جوانان و بزرگسالان معلول را با همکاری نزدیک کارگزاری‌های تخصصی، دیگر نهادهای بین دولتی و سازمان‌های غیردولتی، به ویژه سازمان‌های معلولان بررسی کند. شورا همچنین از کمیسیون درخواست کرد متن آن مقررات را برای بررسی در سال ۱۹۹۳ و برای تسلیم به چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی نهایی کند. بحث‌های بعدی در کمیته سوم مجمع عمومی در اجلاس چهل و پنجم، نشان داد برای ابتکار جدید جهت تدوین مقررات استاندارد درباره یکسان‌سازی فرصت‌ها برای معلولان حمایت فراوانی وجود دارد. در سی و دومین اجلاس کمیسیون توسعه اجتماعی برای مقررات استاندارد، حمایت تعداد زیادی از نمایندگان جلب شد و بحث‌ها به تصویب قطعنامه ۳۲/۲ مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۹۱ منجر شد که کمیسیون تصمیم گرفت براساس قطعنامه ۱۹۹۰/۲۶، شورای اقتصادی و اجتماعی گروه کاری ویژه نامحدود را ایجاد کند. در ۱۹۹۲ برای بار اول، روز سوم دسامبر (مصادف با ۱۲ آذر) به عنوان سالروز تصویب قانون برنامه جهانی در ارتباط با معلولان، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی معلولان اعلام شد، تا هر سال در این موقع برنامه‌هایی در سراسر جهان اجرا شود. لایحه بین‌المللی حقوق بشر، متشکل از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی مربوطه به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون مربوط به حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و همچنین برنامه جهانی اقدام درباره معلولان، شالوده سیاسی و اخلاقی اصول استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولان را تشکیل می‌دهند. هدف این مقررات تضمین این امر است که دختران، پسران، زنان و مردان دارای معلولیت، به عنوان اعضای جوامع خود بتوانند حقوق و تعهدات برابر با دیگران داشته باشند. در تمامی جوامع دنیا هنوز موانعی مانع از اعمال حقوق و آزادی‌های معلولان می‌شود و مشارکت کامل آنان را در فعالیت‌های جوامع خود دشوار می‌کند. انجام اقدامات مناسب برای حذف چنین موانعی از مسئولیت‌های دولت‌هاست. معلولان و سازمان‌های آنان باید نقشی فعال به عنوان شرکا در این جریان ایفا کنند. برابری فرصت‌ها برای معلولان کمکی ضروری در تلاش عمومی و جهانی برای بسیج منابع انسانی است. ممکن است لازم شود به گروه‌هایی مانند زنان، کودکان، سالخورده‌گان، فقیران، کارگران مهاجر، اشخاص با ناتوانی‌های دو یا چندجانبه، مردم بومی و اقلیت‌های قومی توجه ویژه معطوف گردد. به علاوه تعداد زیادی آواره معلول هستند که احتیاجات ویژه نیازمند توجه دارند.

در عرصه جهانی، کمیسیون حقوق معلولان آغاز به کار کرد و در اعلامیه پکن، حقوق معلولان در قرن جدید اعلام شد. تدوین کنوانسیون جهانی حقوق معلولان در سال ۲۰۰۱ میلادی با پیشنهاد مرکزی مورد قبول قرار گرفت. پیش‌نویس نهایی این کنوانسیون نیز در سال ۲۰۰۶ میلادی تهیه و در ۱۳ دسامبر همین سال در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب شد. کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق معلولان شامل یک مقدمه، ۵۰ ماده اصلی و کلیات آن نیز دارای هشت محور اساسی است.

برخی مفاد اصلی این کنوانسیون: هدف این کنوانسیون، ارتقاء، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آنها می‌باشد. اصول کلی این کنوانسیون

عبارت است از: الف) احترام به منزلت ذاتی، خود مختاری فردی از جمله آزادی انتخاب و استقلال افراد. ب) عدم تبعیض (پ) مشارکت کامل و موثر و ورود در جامعه

ت) احترام به تفاوت‌ها و پذیرش افراد دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشریت (ث) برابری فرصت‌ها (ج) دسترس پذیری (چ) برابری بین زن و مرد (ح) احترام به ظرفیت‌های قابل تحول کودکان دارای معلولیت و احترام به حقوق کودکان دارای معلولیت در جهت حفظ هویت خویش.

تعهدات کلی کنوانسیون : ۱ دولت‌های عضو متعهد می‌گردند تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی افراد دارای معلولیت را بدون هر گونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ارتقاء دهند ماده ۵ برابری و عدم تبعیض؛ ماده ۶ زنان دارای معلولیت؛ ماده ۷ کودکان دارای معلولیت ؛ ماده ۸ آگاه سازی؛ ماده ۹ دسترسی؛ ماده ۱۰ حق حیات؛ ماده ۱۲ شناسایی برابر در پیشگاه قانون؛ ماده ۱۳ حق دادخواهی؛ ماده ۱۴ آزادی و امنیت فردی؛ ماده ۱۶ آزادی از استعمار، خشونت و سوء استفاده؛ ماده ۱۷ حمایت از شان فرد؛ ماده ۱۸ آزادی تردد و تابعیت؛ ماده ۱۹ زندگی مستقل و حضور در جامعه؛ ماده ۲۰ تحرک شخصی؛ ماده ۲۱ آزادی بیان و عقیده و دسترسی به اطلاعات؛ ماده ۲۲ احترام به حریم خصوصی؛ ماده ۲۳ احترام به خانه و خانواده؛ ماده ۲۴ آموزش؛ ماده ۲۵ بهداشت؛ ماده ۲۶ توانبخشی و بازپروری؛ ماده ۲۷ کار و استخدام؛ ماده ۲۸ معیار کافی برای زندگی و حمایت اجتماعی؛ ماده ۲۹ مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی؛ ماده ۳۰ مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریح، فراغت و ورزش؛ ماده ۳۱ جمع آوری آمار و داده‌ها؛ ماده ۳۲ همکاری‌های بین‌المللی و غیره. در ایران وزارت رفاه و تأمین اجتماعی؛ سازمان بهزیستی کشور و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان مراجع ملی موضوع ماده ۳۳ کنوانسیون تعیین گردیدند تا با هماهنگی یکدیگر نسبت به اجراء مفاد کنوانسیون اقدام نمایند .

چشم انداز

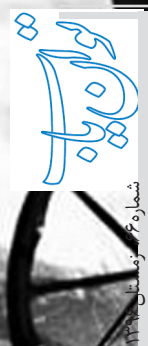
بی تردید اگر همگان در جهت تغییر این وضعیت کوشا و یک‌دل باشند می‌توان فارغ از هر شعار و شور تبلیغاتی، با اتکا به قوانین داخلی و بین‌المللی و ایجاد بسترهای زیربنایی و فرهنگ‌سازی گسترده و استفاده از فن‌آوری‌های نوین و فعالیت مستمر سازمان‌ها به عنوان بخش مهمی از عملکردشان و ارائه گزارش‌های واقعی از این عملکردها و آسیب شناسی‌های مستمر نسبت به روندهای در حال انجام، شاهد تحقق بسیاری از موانع برابرسازی و مشارکت‌ها و حضور واقعی معلولان در عرصه‌های مختلف زندگی باشیم که بتواند به استقلال و زیست اجتماعی عادلانه آنها در جامعه منجر شود . همچنین لازم است علاوه بر بخش‌های حکومتی و دولتی، بخش خصوصی نیز بر اساس قوانین و مقررات و با بهره‌گیری از تسهیل‌گری‌ها و مشوقات در این ماجرا نقش مهم‌تری ایفا نمایند. همچنین لازم است آموزش‌های گسترده در این زمینه برای کارگزاران این مجموعه قوانین انجام گیرد و نیز تلاش ویژه‌ای به‌عمل آید که این مجموعه قوانین بدون تبعیض و بوروکراسی میان همه گروه‌های دارای معلولیت و در همه جغرافیای ایران اسلامی دقیقاً اجرا

گردد.

عوامل زیر در جهت تقویت این سیاست و آماده‌سازی و اجراء، مؤثر خواهد بود : شفافیت ، سهولت درک و دامنه فراگیر ، مفاد الزامی (و نه اختیاری) ، شمول گسترده و استثنائات اندک ، زمان کافی ، بودجه کافی ، کمک‌های فنی و در نظر گرفتن پیامدها ، در صورت عدم اجراء.

منابع

- باختر ، سیداحمد ، حقوق معلولان در قوانین ایران ، تهران : جنگل و جاودانه ، چاپ اول ۱۳۸۶ .
- پازل ویژه نامه جامعه معلولین استان گیلان ، ۱۳۸۸ ، ص ۴ .
- جزوه تدوین سیاست‌های معلولیت نظری به قوانین معلولیت در ایالات متحده
- حمایت از معلولان از نگاه حقوق داخلی و بین‌المللی ، از خواستن تا توانستن ، مجموعه بروشورهای آموزشی کانون معلولان محلات شهر تهران ، تهران : معاونت امور اجتماعی و فرهنگی اداره سلامت کانون معلولان محله .
- زرین کفشیان ، غلامرضا ، ناتوان شدگان رویکردی جامعه‌شناختی به طرد اجتماعی معلولین ، تهران : سپهر اندیشه ، چاپ اول ، ۱۳۹۵ .
- زهرایی ، حسین ، تابان ، سیدمحمدرضا ، کتاب مرجع حقوق معلولین ، شیراز : نوید شیراز ، چاپ اول ، ۱۳۹۳ .
- سایت سازمان بهزیستی کشور : <http://www.behzisti.ir/D9/B3/DA/AY/DA/B3/DA/AY/002EA-D8/RContent/B2/DA/AY/DA/B3/DA/AY/D9/85/D9/AY/DA/86/D9/85/D9.aspx.86/D9/AY/DA/85/D9> (تهیه و تنظیم از دفتر حقوقی سازمان بهزیستی کشور).
- قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ، <http://www.behzisti.ir/D9/B3/DA/AY/DA/B3/DA/AY/002EA-D8/RContent/B2/DA/AY/DA/B3/DA/AY/D9/85/D9/AY/DA/86/D9/85/D9.aspx.86/D9/AY/DA/85/D9> ، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۹/۸ .
- کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق معلولان : <http://www.behzisti.ir/D9/B3/DA/AY/DA/B3/DA/AY/002EA-D8/RContent/B2/DA/AY/DA/B3/DA/AY/D9/85/D9/AY/DA/86/D9/85/D9.aspx.86/D9/AY/DA/85/D9> ، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۹/۸ .
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (مصوب ۱۳ دسامبر) ۲۰۰۶ ، ترجمه محمد پورنجف ، اداره حقوق بشر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران خرداد ۱۳۸۶ : <http://www.idp.ir> .
- مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۹۳) ، اصول استاندارد درباره برابرسازی فرصت‌ها برای معلولان مصوب قطعنامه ۴۸/۹۶ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ <http://www.unic-ir.org/hr/1993/the/5Con/> ، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۹/۸ .
- معاونت امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ، تهران : سازمان بهزیستی کشور معاونت امور توانبخشی ، ۱۳۸۶ .
- معطوفی ، رضا ، مقاله ای در مورد معلولیت ، <http://iransdp> .



گزارشی در مورد رفع؛ ایرادات شورای نگهبان از لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت

دکتر خیراله شهبازی
پژوهشکده مجلس شورای اسلامی

لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۹۴/۳/۱۰ هیأت وزیران که در راستای اصلاح و بازنگری و الحاقات لازم قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی تصویب شده تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۸ اعلام وصول گردید. جهت تصویب آزمایشی به کمیسیون مشترک ارجاع گردید و نهایتاً کمیسیون در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ لایحه مذکور را با اضافه کردن اصلاحات و اضافاتی تصویب نمود و متعاقباً مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸، با اجرای آزمایشی آن به مدت ۵ سال موافقت نمود.

مصوبه مذکور در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ جهت اظهارنظر شورای محترم قانون اساسی توسط ریاست محترم مجلس شورای اسلامی ارسال گردید.

شورای محترم نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۵ مصوبه کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «لایحه حمایت از حقوق معلولان» را مورد بررسی قرار داد و آن را به دلیل وجود قانون دائمی جامع حمایت از حقوق معلولان و جریان یافتن امور مربوطه به طور طبیعی و فقدان خلاء قانونی فاقد ضرورت برای تصویب آزمایشی دانست و لذا مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی تشخیص داد و علاوه بر آن مصوبه کمیسیون را دارای ابهامات و اشکالات عدیده دانست. در کنار نظر رسمی شورای محترم نگهبان کارشناسان پژوهشکده شورای محترم نگهبان اشکالات عدیده برمغایرت مصوبه کمیسیون مشترک مجلس از جمله با اصول ۴۶، ۴۷، ۷۵ و ۸۵ قانون اساسی ارزیابی کردند. البته مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان نیز ایراداتی را بر چند مواد از مصوبه مجلس وارد کرد که مورد ایراد کارشناسان محترم پژوهشکده شورای نگهبان نیز قرار گرفته است، لذا تلاش خواهیم کرد تا به رفع ایرادات وارده مبادرت ورزیم. توضیح اینکه بدنبال دعوت معاونت محترم توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، متخصصان و کارشناسان و انجمن‌های فعال معلولان قرار شد یکی از کمیته‌ها به رفع ایرادات شورای نگهبان بپردازد، لذا کمیته رفع ایرادات شورای محترم نگهبان با توجه به ایرادات خود شورا و کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان مراتب را مورد بررسی قرار داد و مبادرت به رفع ایرادات به شرح زیر نمود:

نظر رسمی شورای محترم نگهبان در مورد لایحه حمایت از حقوق معلولان

۵. با فرض نیاز به تغییر، به اصلاح و یا تکمیل قانون موجود اکتفا شود

پاسخ برای رفع ایراد شورا: با ارجاع مصوبه اعاده شده از سوی شورای نگهبان توسط هیأت رئیسه مجلس به کمیسیون مشترک و تصویب مصوبه آن در صحن علنی به صورت دائمی، ایراد شورای نگهبان برمغایرت مصوبه با اصل هشتماد پنج قانون اساسی مرتفع خواهد شد.

اما در کنار نظر رسمی شورای محترم نگهبان، کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان و نظر داده‌اند که البته معلوم نیست تا چه اندازه شورای محترم نگهبان نظریات مشورتی مذکور را وارد می‌دانسته. با فرض احتمال وارد دانستن آن نظریات توسط شورای نگهبان، به چاره‌جویی برای رفع آن ایرادات مبادرت می‌کنیم.

بررسی نظر کارشناسان پژوهشکده در دو دسته کلیات و

جزئیات مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف- کلیات: به نظر کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان با توجه به وجود قوانین دائمی، مصوبه کمیسیون داخلی

لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تقدیمی دولت، در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ کمیسیون مشترک براساس اصل هشتماد و پنج به تصویب رسیده‌بوده و در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی در صحن علنی با پنج سال آزمایشی بودن آن موافقت گردید. لایحه در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۵ در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام گردید:

۱. قابل تفویض نبودن اختیار قانونگذاری به شخص یا هیأتی دیگر، مگر در موارد ضروری به کمیسیون‌های داخلی طبق اصل ۸۵
۲. وجود قانون دائمی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی و گردش امور به طور طبیعی و عادی
۳. نبودن خلاء قانونی مستوجب ضرورت تصویب آزمایشی قانون
۴. وجود ابهامات و اشکالات عدیده در مصوبه



مجلس به صورت آزمایشی فاقد وصف «ضروری» می‌باشد و از این جهت مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است چون به قوانینی مانند «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» مصوب ۱۳۸۳ و «قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» مصوب ۱۳۸۷ معتبرند و به صورت مفصل، حقوقی برای معلولان مشخص کرده‌اند و تکالیفی را برعهده دولت گذاشته‌اند. با این مصوبه و به حکم ماده ۱، قانون آزمایشی ۵ ساله جایگزین قوانین دائمی موجود می‌گردد. ثانیاً بسیاری از مواد مصوبه تکرار شده و اصلاح مواد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان می‌باشد در حالیکه مجلس شورای اسلامی می‌توانست به جای قانون آزمایشی، قانون موجود را تکمیل و اصلاح کند.

پاسخ برای ایرادات کلی:

در مورد اول در صورت تصویب یک به یک مواد مصوب در کمیسیون در صحن علنی مجلس شورای اسلامی و به صورت دائمی اشکال اول موجود توسط کارشناسان پژوهش‌کننده شورای نگهبان منتفی خواهد شد. در مورد اشکال دوم بسیاری از مواد مصوبه، تکرار و اصلاح مواد قانون جامع از حقوق معلولان است. ب- جزئیات:

ماده ۱- در تبصره بند الف ماده ۱ مصوبه کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی، تفویض شدن «چگونگی تشکیل کمیسیون پزشکی - توانبخشی و تشخیص نوع و تعیین شدت معلولیت» به آئین‌نامه مصوب هیئت وزیران بدون مشخص کردن ضوابط کلی آن از سوی قانونگذار مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی دانسته شده است:

پاسخ:

در تبصره ماده ۱ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی، تشکیل کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی برای تشخیص افراد دارای معلولیت پیش‌بینی شده است. با این تفاوت که در لایحه تقدیمی دولت و مصوبه کمیسیون، وجود متخصصان توانبخشی اضافه شده که منطقی و موجب برطرف شدن نقایص موجود می‌باشد، به علاوه اینکه تشخیص نوع و تعیین شدت معلولیت نیز افزوده شده است. بنابراین در مصوبه کمیسیون از این نظر با قانون فعلی تفاوت بارزی وجود ندارد.

ماده ۳: در تبصره ماده ۳ مصوبه کمیسیون محترم، «استفاده رایگان افراد دارای معلولیت شدید به اتفاق یک همراه از سامانه‌های حمل و نقل ریلی و اتوبوسرانی درون شهری دولتی و عمومی» و استفاده نیم‌بها از سامانه‌های برون شهری ریلی، هوایی و دریایی «دولتی، عمومی و غیردولتی» کارشناسان سامانه‌های «عمومی» را به عنوان شرکت‌های خصوصی و نیز در ادامه تبصره وجود سامانه‌های برون شهری مذکور را در «بخش غیردولتی» صریحاً مغایر اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی مبنی بر محترم بودن مالکیت شخص و مالکیت اشخاص بر حاصل کسب و کار خودشان دانسته‌اند. به علاوه به پیش‌بینی اعتبار هم توجه کرده‌اند:

پاسخ:

همچنان که کارشناسان محترم شورای نگهبان بیان کرده‌اند، در ماده ۴ قانون فعلی هم بدون پیش‌بینی اعتبارات استفاده نیم‌بها معلولان اعم از خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید از تسهیلات مختلف از جمله وسایل حمل و نقل عمومی دولتی وجود دارد ولی در مصوبه کمیسیون مشترک مجلس وزارتخانه مکلف به پیش‌بینی اعتبارات لازم در بودجه سالانه شده است ولی متأسفانه مصوبه مجلس تنها افراد دارای معلولیت شدید و شدید به بالا به اتفاق یک همراه را در برمی‌گیرد، در حالی که افراد دارای معلولیت متوسط البته بدون همراه هم به چنین حمایتی نیاز مبرم دارند. لذا با وارد بودن تذکر کارشناسان محترم در بیان محل اعتبارات ماده ۳ برای رفع ابهام و نیز افزودن افراد دارای معلولیت متوسط به اصلاح تبصره ۲ ماده ۳ می‌پردازیم:

تبصره ۲ (ماده ۳): استفاده از افراد دارای معلولیت متوسط و نیز شدید به بالا به اتفاق یک همراه از سامانه‌های حمل و نقل ریلی و اتوبوسرانی درون شهری دولتی و عمومی رایگان می‌باشد و استفاده افراد دارای معلولیت متوسط و شدید به بالا به اتفاق یک همراه از سامانه‌های برون شهری ریلی، هوایی و دریایی دولتی، عمومی و غیردولتی به صورت نیم بها خواهد بود.

وزارت مکلف است جهت اجرای این تبصره به پیش‌بینی اعتبارات لازم در لوایح بودجه سالانه اقدام نماید.

ماده ۴: متأسفانه در دو لایحه دولت، بیمه تکمیلی مورد غفلت واقع شده و تنها بیمه سلامت برای افراد دارای معلولیت، اعم از خفیف، متوسط یا شدید و خیلی شدید مورد توجه واقع شد، که شامل خدمات توانبخشی و پزشکی است. در عمل چنین چیزی امکان ندارد، لذا نمایندگان محترم عضو کمیسیون مشترک بیمه تکمیلی را هم علاوه بر پوشش بیمه سلامت اما با محدود کردن به افراد دارای معلولیت به بالا با شرط نیازمند بودن اضافه کرده‌اند که کارشناسان شورا آن را موجب بار مالی و مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی تلقی نموده‌اند و نیز تبصره الباقی هم دارای بار مالی بدون نحوه تأمین آن آمده است.

پاسخ:

اولاً در ماده پنج قانون فعلی بیمه خدمات درمانی نه تنها افراد دارای معلولیت بلکه افراد تحت سرپرستی‌شان از حق بیمه همگانی برخوردار هستند و نیز بیمه تکمیلی افراد دارای معلولیت اعم از خفیف، متوسط، شدید و به بالا مورد توجه قرار گرفته است.

ثانیاً: در لایحه دولت هم بیمه سلامت افراد دارای معلولیت به‌طور عام ذکر شده است به شکلی که شامل خدمات توانبخشی و پزشکی هم می‌باشد با این تفاوت که بیمه سلامت نمی‌تواند بر آورنده انتظار موجود در لایحه باشد. بنابراین با ابهام از ماده پنج قانون فعلی و لایحه دولت و نیز حذف افراد دارای معلولیت خفیف از پوشش بیمه تکمیلی خطر تبدیل آنها به معلولیت متوسط و شدید بوجود می‌آید. لذا برای رفع ایرادات موجود و پیش‌بینی اعتبار برای ماده ۴ و تبصره آن با افزایش بار مالی همراه است. ماده ۴ و تبصره آن به شکل ذیل درمی‌آید:

وزارت مکلف است افراد تحت سرپرستی معلولان را تحت



پوشش بیمه سلامت قرار دهد و نیز بیمه سلامت و بیمه تکمیلی افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه‌ای تأمین نماید که شامل خدمات توانبخشی- پزشکی مورد نیاز این افراد باشد.

تبصره: با تحت پوشش قرارگرفتن هزینه‌های مشاوره و آزمایش‌های ژنتیک برای افراد دارای معلولیت و بیماران مبتلا به اختلالات ژنتیکی، انجام این موارد در افراد فوق‌الذکر قبل از ازدواج اجباری است و وزارت مکلف است اعتبارات لازم برای اجرای ماده و تبصره آن را در لوایح بودجه سالانه پیش‌بینی نماید.

ماده ۵- کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان اضافه نمودن عبارت «سالمندان، ناتوان» در ماده ۵ به لایحه دولت را واجد بار مالی تأمین‌شان دانسته ولی به علت وجود عبارت سالمندان در آستانه معلولیت در تبصره ۲ ماده ۵ لایحه دولت ایراد مذکور را مرتفع می‌دانند یا در بند ب که مشابه بند الف ماده ۳ قانون فعلی است و چون توانبخشی اعم از پزشکی، اجتماعی، آموزشی و حرفه‌ای در دنیای امروز است و اضافه شدن عبارت‌های توانبخشی پزشکی نسبت به پرداخت قانون فعلی فاقد بندهای پ و ت هم به نوعی در ماده ۵ در قانون فعلی وجود دارد. لذا ایرادات رفع شده و همه این موارد طبق قانون فعلی در چهارچوب اعتبارات مصوب در قوانین سالانه اجرایی می‌شود.

در مجموع با اندک تفاوت‌های ماده ۵ با اصلاحاتی همان ماده ۱۰ فعلی بند ب و نیز با تفاوت‌هایی همانند بند الف ماده ۳ فعلی بند پ بند ج ماده ۳ فعلی و بند ت مصوبه، مشابه بند ب ماده ۳ فعلی است لذا برای رفع ایرادات در تبصره‌های ۱ و ۲، ۸۰ درصد میزان کمک هزینه یا یارانه پرداختی به مرکز توانبخشی و ۳۰ درصد نرخ تمام شده خدمات جهت کمک هزینه نگهداری و حق پرستاری که در لایحه دولت نبودند حذف می‌گردد.

ماده ۷: در این ماده الزام «مراکز مهارت‌آموزی و نیز دانشگاه آزاد و سایر مراکز آموزش عالی غیردولتی» به ارائه خدمات رایگان آموزشی به افراد دارای معلولیت نیازمند اعتبارات لازم با توجه به ماهیت خصوصی و غیردولتی آنها موجب تضییع مالی آن‌ها و افراد به غیر تلقی و لذا مغایر اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی مبنی بر محترم بودن مالکیت شخصی و مالکیت اشخاص بر حاصل کسب و کار و کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان تلقی شده است:

پاسخ مصوبه کمیسیون مشترک در واقع همان ماده ۸ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی و مشابه لایحه تقدیمی دولت به مجلس می‌باشد تنها تفاوت بارز مصوبه کمیسیون و لایحه دولت نسبت به قانون فعلی عبارت «سایر مراکز آموزشی عالی غیردولتی» می‌باشد که خود از یک لحاظ رفع تبعیض نسبت به دانشگاه آزاد شده است. پس با اضافه کردن «پیش‌بینی اعتبارات لازم» در تبصره ماده ۷ مغایرت با اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی رفع می‌شود لذا تبصره ماده ۷ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

تبصره: آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری وزارت و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، نماینده سایر مراکز

آموزش عالی غیردولتی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از جمله با پیش‌بینی اعتبارات لازم برای اجرای این ماده توسط وزارت تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

ماده ۹- کمیسیون مشترک در مصوبه خود در تبصره ۱ ماده ۹ نسبت به لایحه دولت در مورد یارانه حقوق و دستمزد علاوه بر حداکثر یارانه پرداختی موضوع لایحه دولت حداقل ۳۰ درصد آن را نیز پیش‌بینی نموده است که به نظر کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان چون مصوبه نمایندگان امکان وضع یارانه کمتر از میزان ۳۰ درصد از دولت گرفته منجر به تحمیل بار مالی تأمین شده به دولت گردیده لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است. علاوه بر این تبصره ۴ ماده ۹ مورد اشکال واقع شده که به دلیل تهاثر یارانه پرداختی به کارفرمایان با مطالبات و مالیات، مغایر اصل ۵۳ تلقی شده است.

پاسخ:

چون درصد پیش‌بینی حداقل کمتر از ۳۰ درصد توسط دولت با تذکرات و اعتراضات انجمن‌ها و فعالان دارای معلولیت آسان‌تر است و احتمالاً با توجه به پیش‌بینی یارانه حقوق و دستمزدها حداکثر ۵۰ درصد دستمزد و حقوق احتمالاً تعیین کمتر از ۳۰ درصد اتفاق نمی‌افتد لذا عبارت «حداقل سی درصد تا» از سطر اول تبصره ۱ ماده ۹ حذف می‌شود و در واقع به لایحه دولت برمی‌گردیم.

نظر به اینکه احکام مورد اشاره در تبصره ۴ به نوعی در تبصره ماده ۹ آمده است و امکان پیش‌بینی ساز و کار دیگری در این رابطه در آیین‌نامه اجرایی مندرج در تبصره ۳ ماده ۹ وجود دارد، لذا حذف تبصره ۴ چندان مشکلی را ایجاد نمی‌کند لذا پیشنهاد می‌شود تبصره ۴ ماده ۹ مصوبه مجلس حذف گردد.

ماده ۱۰- در این ماده تبصره‌های ۱ و در ارتباط با معافیت حق بیمه سهم کارفرما یا خویش‌فرمای افراد شاغل در مراکز توانبخشی غیردولتی تا ۵۰ درصد در تبصره ۱ در لایحه دولت نبوده است و این امر موجب کاهش درآمد عمومی دولت می‌شود، لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی تلقی شده است. چون حفظ این تبصره پیش‌بینی اعتبار در بودجه سالانه موجب عدم پذیرش اصلاحات دیگر در لایحه دولت می‌شود لذا با پیشنهاد حذف این تبصره موافق هستیم.

تبصره ۲ ماده ۹ پرداخت حقوق و مزایای کارکنان مراکز توانبخشی غیردولتی، قانون کار را منوط به یارانه مقرر هشتاد درصدی در تبصره ۱ ماده ۵ نموده است که این امر یک نوع گروگانگیری حقوق و مزایای کارکنان براساس قانون کار توسط کارفرما است که موجب تضییع آشکار حقوق‌شان می‌شود. از طرف دیگر به نظر کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان مغایر اصل ۷۵ است و به دلیل افزایش بار مالی، پیشنهاد می‌شود تبصره ۲ ماده ۱۰ نیز حذف شود.

ماده ۱۲- تبصره ۲ ماده ۱۲ مصوبه کمیسیون مشترک که بازنشستگی پس از موعد و با احتساب سنوات ارفاقی بدون شرط سنی و بدون پرداخت کسور آن هم با شرط حداقل ۱۵ سال تمام سابقه خدمت افراد دارای معلولیت شاغل در دستگاه‌های مشمول این قانون و بخش غیردولتی را پیش‌بینی کرده است که واجد بار مالی تأمین نشده گردیده

است. لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شمرده شده است. از آنجا که تبصره ۱ ماده ۱۲ موجب افزایش سقف سنی برای واجدان شرایط استخدام معلولان تا ۵ سال شده و در تبصره ۳ همین ماده سنوات خدمات ارفاقی با توجه به شدت معلولیت خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید افراد دارای معلولیت به ترتیب ۲، ۴، ۷ و ۱۰ پیش‌بینی شده و مورد ایراد هم واقع نشده پس اهداف تبصره ۲ تا حدودی حاصل شده است لذا با حذف تبصره ۲ موافق هستیم ولی به دلیل اینکه ماده ۱۲ به ویژه خود ماده با الهام از ماده ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان علی‌الخصوص بند الف ماده ۷ تنظیم گردیده است لذا در خود ماده با تغییر ۳ درصد سهمیه استخدامی به ۵ درصد به سقف مذکور جایگزین ماده ۱۲ مصوبه مجلس می‌کنیم که به شرح ذیل در خواهد آمد:

ماده ۱۲: دولت مکلف است حداقل ۵ درصد (۵٪) از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی استفاده می‌نمایند یا مالکیت عمومی موضوع اصل ۴۴ قانون اساسی بر آنها مترتب است به افراد معلول واجد شرایط اختصاص دهد.

ماده ۱۳- در ماده ۱۳ افزایش عبارت «با احتساب بدون دستمزد» در سطر چهارم موجب ابهام گردید و از سوی دیگر ارائه میزان تسهیلات متناسب و اقدامات حمایتی در قبال اختصاص حداقل ده درصد واحدهای مسکونی به افراد فاقد مسکن معلول با اولویت زوج‌های دارای معلولیت را هم دارای ابهام شمرده‌اند از طرفی چون در لایحه وزارت راه و شهرسازی و سایر دستگاه‌های مربوطه مکلف به ارائه تسهیلات و اقدامات حمایتی از سازندگان واحدهای مسکونی موضوع ماده ۱۳ گردیده‌اند. لذا برای رفع ابهام و با ذکر این نکته که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی زیرمجموعه وزارت راه و شهرسازی است پس بهتر است برای بنیاد مسکن انقلاب و سایر دستگاه‌های مربوط ذکر شود تا مشمول مصوبه حتی بنیاد مستضعفان و دستگاه‌های دیگر را هم دربرگیرد، از این لحاظ پیشنهاد می‌شود ماده ۱۲ لایحه دولت جایگزین خود ماده ۱۳ مصوبه کمیسیون مشترک نشود.

ولی ایراد و ابهام تبصره‌های ۳ و ۴ مصوبه کمیسیون مشترک نیز با پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز در بودجه سالانه مرتفع گردد لذا در پایان تبصره ۴ پیشنهاد می‌شود عبارات ذیل اضافه گردد:

تبصره ۴: وزارت مکلف است اعتبارات لازم برای اجرای این تبصره و تبصره ۳ این ماده را در بودجه سالانه پیش‌بینی نماید.

ماده ۱۴: موظف شدن سازمان ملی زمین و مسکن به دادن زمین رایگان علاوه بر افراد معلول فاقد مسکن در مصوبه مجلس شامل مراکز توانبخشی غیردولتی گردیده که در لایحه دولت هم نبوده است این امر به نظر کارشناسان شورای نگهبان موجب کاهش درآمدهای دولت بدون پیش‌بینی طریق جبران آن شده است لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است. بنابراین با حذف عبارت مراکز توانبخشی غیردولتی در سطرهای دوم و سوم ماده ۱۴ موافق هستیم که با این کار ایراد وارده کارشناسان شورای نگهبان بر طرف می‌شود.

ماده ۱۵: در ماده ۱۵ بار دیگر اضافه شدن مراکز توانبخشی غیردولتی همانند افراد دارای معلولیت در پرداخت هزینه صدور پروانه ساختمانی، آماده‌سازی زمین، عوارض نوسازی و همچنین حق انشعابات آب، برق گاز و دفع فاضلاب منطبق با الگوی مسکن مصوب شهری یا منطقه معاف می‌باشند. جهت تشویق به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به ایجاد مراکز توانبخشی، ارائه تسهیلات مزبور به مراکز فوق منطقی به نظر می‌رسد لذا برای رفع مغایرت آن با اصل ۷۵ قانون اساسی به دلیل کاهش درآمد دولت بدون پیش‌بینی جبران آن، ساز و کار ذیل پیشنهاد می‌شود:

ماده ۱۸: از آنجایی که ماده ۱۸ در لایحه تقدیمی دولت نبوده لذا مکلف کردن وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی موضوع این قانون برای آموزش کارکنان جهت تعامل صحیح با شهروندان دارای معلولیت جهت ایجاد بار مالی، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شمرده شده است. هر چند در لایحه دولت در انتهای ماده ۳ وزارتخانه‌ها راه و شهرسازی، کشور و شهرداری‌ها و صاحبان پایانه‌ها، ایستگاه‌ها، تأسیسات سامانه‌ها و ناوگان حمل و نقل درون شهری و برون شهری موظف شده‌اند کارکنان خود را جهت همیاری علمی و صحیح با مسافران دارای معلولیت آموزش دهند که این قابل تعمیم به دستگاه‌های اجرایی دیگر نیز هست، با این همه با اضافه کردن پیشنهاد ذیل ایراد موجود که به انتهای ماده ۱۸ اضافه شود قابل رفع است:

اعتبار لازم برای اجرای این ماده صرفه‌جویی در اعتبارات مصوبه سالانه در بودجه دستگاه‌های مذکور تأمین خواهد شد.

ماده ۲۰: از آنجایی که فراهم نکردن رابط ناشنویان جهت احیای حقوق افراد ناشنوا به هنگام حضور آنها در دادگاه‌ها و سایر مراکز دادرسی موجب تضییع حقوق افراد مذکور می‌شود و متأسفانه تبصره ماده ۲۰ مصوبه مجلس در لایحه دولت هم نبوده ولی به نظر کارشناسان شورای نگهبان موجب بار مالی می‌گردد لذا برای رفع این ایراد، عبارت ذیل به آخر تبصره ۲۰ اضافه می‌شود. تبصره ماده ۲۰ اعتبار لازم از محل بوده و مصوبه سالانه سازمان بهزیستی از این طریق تأمین می‌گردد.

ماده ۲۳: به نظر کارشناسان شورای نگهبان افزایش معافیت مالیاتی حقوق و مزایا یا دستمزد و درآمد افراد دارای معلولیت بیش از دو درصد مقرر لایحه دولت موجب گسترش معافیت مالیاتی و در نتیجه کاهش درآمد دولت می‌شود، لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است که این قسمت از افزایش قابل حذف شدن نیست. ولی از آنجایی که افراد دارای معلولیت شدید و یا خیلی شدید کمتر شاغل هستند و یا توانایی کار دارند لذا از این نظر ماده مصوب بلاموضوع خواهد بود. در حالی که افراد خفیف و متوسط بیشتر در بخش‌های دولتی و غیردولتی شاغل هستند با فرض جلوگیری از تحمیل بار مالی بیشتر، به بخش‌های مذکور و صرف‌نظر کردن از معافیت مالیاتی افراد دارای معلولیت خفیف حداقل باید افراد دارای معلولیت هم مشمول دستور ماده ۲۳ مصوبه مجلس شوند. لذا با در نظر گرفتن پیشنهاد فوق سطر اول ماده به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده ۲۳: پنجاه درصد حقوق و مزایا و یا دستمزد و درآمد، مشمول مالیات افراد دارای معلولیت متوسط و شاغل می‌شود.



ماده ۲۵: هر چند در مورد جانبازان شاغل تا ۳ ساعت در روز و جانبازان ۷۰ درصد به بالا در قوانین جاری کاهش ساعت کار روزانه پیش‌بینی شده‌است ولی برای تشویق کارفرمایان دولتی و غیردولتی و رفع ایراد اصل هفتاد و پنج کارشناسان شورای نگهبان مفاد ماده ۲۳ لایحه دولت، جایگزین ماده ۲۵ مصوبه کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

ماده ۲۸: اینکه شرکت رئیس سازمان بهزیستی در جلسات شورای عالی اشتغال موضوع ماده ۲۸ مصوبه مجلس که متناظر ماده ۱۵ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان هم است، با چه عنوانی است و مشخص نیست آیا دارای حق رأی است و یا به عنوان ناظر است؟ در حالی که در شوراهای دیگر هم چون شورای پول و اعتبار مقامات و مسئولان دیگری غیر از فرد عضو هستند و در مواردی پاسخگوی وزرا در مقابل مجلس هستند، واجد حق رأی شناخته خواهند شد و در این مورد به طرق معمول رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰ - کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان ماده ۳۰ مصوب کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی را با سه اصل ۵۷، ۶۰ و ۷۵ مغایر دانسته‌اند که به رفع ایرادات. به ماده مذکور می‌پردازیم:

۱- از آن‌جا که به موجب بند «ت» ماده (۱) مصوبه کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی و «دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری»، «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، «شورای نگهبان» و «کلیه سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند»، مشمول این قانون هستند لذا تشکیل شورای عالی هماهنگی و نظارت در ماده ۳ جهت نظارت عالی آن بر حسن اجرای کلیه قوانین مربوط به افراد دارای معلولیت در واقع گسترش دامنه صلاحیت آن بر سایر مراجع و نهادهای دیگر که ذیل قوه مجریه قرار ندارند می‌شود لذا نظارت و سیاست‌گذاری آن بر سایر مراجع قانونی و قوای حاکم، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی به نظر می‌رسد:

پاسخ:

اولاً نظارت شورای عالی هماهنگی موضوع این ماده در مورد نظارت بر حسن اجرای قوانین مربوط به افراد دارای معلولیت است و استثناء کردن نهادهایی چون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و یا قوای دیگر نوعی تبعیض نارواست حال آن‌که در تقسیم کار اجتماعی و تخصصی قوا و نهادها جزایر مستقل از هم نیستند کما این‌که قوای سه‌گانه در عین استقلال دارای تأثیر و تأثر بر یکدیگر هستند. تشکیل شوراهای عالی در قوانین دیگر که به تأیید شورای نگهبان رسیده‌است مسبوق به سابقه است از جمله شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی موضوع ماده ۱۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی است که به منظور هماهنگی سیاست‌های اجتماعی در حوزه اشتغال، آموزش و پرورش، تربیت بدنی، مسکن، بهداشت و سایر بخش‌های مرتبط با حوزه تأمین اجتماعی تشکیل شده است. نتیجه این‌که با لحاظ نکات فوق بعلاوه حذف عبارت «تحقق سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان» در ماده ۳۰ مغایرت احتمالی مصوبه با اصل ۵۷ قانون اساسی منتفی می‌گردد.

۲- عضویت افراد دارای معلولیت به عنوان نمایندگانشان و اعضای خارج از قوه مجریه با توجه به برخی صلاحیت‌های شورا مغایر با اصل ۶۰ و ۵۷ قانون اساسی دانسته شده‌است.

پاسخ:

همچنان‌که در ماده ۱۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تصمیمات شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی با تصویب وزرای عضو شورا و تأیید رئیس جمهور الزام‌آور است در این شورا هم بایستی تصمیمات شورای عالی هماهنگی و نظارت با تصویب وزرای عضو و تأیید رئیس جمهور اجرایی شود و حضور افراد دیگر شورا اعم از قوه مجریه و قوای دیگر به عنوان ناظر و مشاور تلقی گردد. با این اصلاحات ایراد وارده برطرف می‌شود لذا تبصره ۳ ماده ۳۰ به این شکل درمی‌آید: مصوبات شورا با رای وزرای عضو و تأیید رئیس جمهور الزام‌آور است.

۳- یکی دیگر از ایرادات تشکیل واستقرار دبیرخانه شورای عالی هماهنگی و نظارت بر اجرای این قانون در سازمان بهزیستی کشور واجد بار مالی دانسته شده‌است و چون در لایحه پیشنهادی دولت هم پیش‌بینی نشده بود و نمایندگان طریق تأمین بار مالی این ماده را پیش‌بینی نکرده بودند لذا تشکیل شورای عالی رامغایر اصل ۷۵ قانون اساسی دانسته‌اند.

پاسخ:

ضمن وارد دانستن ایراد مذکور با اصلاح تبصره ۱ و پیش‌بینی اعتبار لازم از محل بودجه جاری سازمان بهزیستی کشور برای تأمین هزینه‌های دبیرخانه مذکور، ایراد ناشی از اصل ۷۵ قانون اساسی مرتفع می‌گردد. پس تبصره ۱ ماده ۳۰ به این شکل در می‌آید:

تبصره ۱ ماده ۳۰: دبیرخانه این شورا در سازمان تشکیل خواهد شد و اعتبار لازم از محل بودجه جاری آن تأمین می‌شود. تبصره ۳: درمورد اجرای مواد فصل دوم وزارت کشور هرشش ماه یک بار گزارش لازم رابه کمیسیون‌های عمران و اجتماعی درخصوص اجرای مفاد فصل سوم وزارت به کمیسیون‌های بهداشت و درمان و اجتماعی و درمورد فصل چهارم کمیسیون آموزش و تحقیقات درارتباط بافصل پنجم وزارت به کمیسیون‌های اقتصادی و اجتماعی درخصوص فصل ششم وزارت راه و شهرسازی به کمیسیون‌های عمران و اجتماعی و درمورد فصل هفتم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کمیسیون‌های فرهنگی و اجتماعی و درارتباط بافصل هشتم وزارت دادگستری به کمیسیون‌های حقوقی و قضایی و اجتماعی و درخصوص فصل نهم وزارت مکلف هستند به کمیسیون‌های اجتماعی و برنامه بودجه و محاسبات مجلس تقدیم نمایند. دولت نیز موظف است سالانه گزارشی جامع از اقدامات مربوط به اجرای این قانون و قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت را در اذرماه هر سال ارایه کند.

ماده ۳۱:

با لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ در موارد مغایرت با این قانون نسخ می‌شود.



کمپین پیگیری تصویب لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی حدود ۱۱ تا ۱۵ درصد جمعیت کشورهای رو به توسعه را افرادی با درصدهای متفاوت از انواع معلولیت‌ها تشکیل می‌دهند. در سال ۸۳ قانونی به نام «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» با سکوت! شورای نگهبان تصویب شد و هیچ‌وقت اجرایی نشد، چون منابع مالی آن تامین نشده و ضمانت اجرایی هم نداشت. در سال ۹۲ لایحه در دستور کار هیئت دولت قرار گرفت و در سال ۹۴ پس از طی مراحل از شورای نگهبان برگشت خورد. در شهریور سال ۹۵ بعد از تحصن تعدادی از افراد دارای معلولیت لایحه حقوق معلولان مجدداً در دستور کار مجلس قرار گرفت و این‌بار ۱۳۱ نفر از نمایندگان محترم مجلس رای به خارج شدن آن از دستور کار مجلس دادند. این شد که از آبان ۹۵ افراد دارای معلولیت به‌طور خودجوش کمپینی را با هدف تاثیر و تسريع در روند تصویب لایحه از طرق کاملاً مدنی و قانونی تشکیل دادند و فعالیت‌هایی را چون؛ اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی برای احقاق حقوق قانونی خود آغاز کردند.

عمده فعالیت‌های کمپین:

- تشکیل گروه با بیش از ۵۵۰۰ عضو از افراد دارای معلولیت در سراسر کشور
- فراخوان با ارسال سراسری نامه کمپین به همه نمایندگان محترم مجلس از سراسر کشور توسط افراد دارای معلولیت (بار اول آذر سال ۹۵ و بار دوم از شهریور ۹۶)
- برگزاری اردوی همایشی، آموزشی در فروردین ۹۶ در شهر تهران و شرکت بیش از ۶۰۰ نفر از اعضای کمپین از سراسر کشور در این همایش
- شرکت در مراسمی نظیر ۲۲ بهمن و انتخابات و تشویق اعضا به ایجاد حساسیت در تعیین سرنوشت خود
- شرکت در نمایشگاه مطبوعات و برگزاری نشست مطبوعاتی و جلسه پرسش پاسخ (آبان ۹۵ و آبان ۹۶)
- برگزاری طومار و اخذ امضا در بیش از ۵۰ شهر و تحویل به نمایندگان همان شهرها جهت انتقال به مجلس شورای اسلامی
- پیگیری روند لایحه و انجام مصاحبه با نمایندگان مجلس و مسئولان ارشد بهزیستی
- برگزاری طوفان تویتری و ترند کردن هشتگ #تصویب_لایحه_معلولان در ایران با بیش از ۲۷ هزار توییت
- تهیه منابع حقوقی مدنی و بین‌المللی در مورد حقوق افراد دارای معلولیت، آموزش به فعالان مدنی و در دسترس عمومی قرار دادن آن و برگزاری دو نشست مطبوعاتی در این خصوص



نگاهی آسیب شناسانه به قانون جامع حمایت از معلولان

محمد حسینی فعال و پژوهشگر حوزه معلولان

اجرای قانون

بسیار شنیده شده و تجربه هم آن را ثابت کرده که بهترین قانون‌ها در صورتی که مجری کاردان نداشته باشد، به بدترین قانون‌ها تبدیل می‌شود و بدترین قانون‌ها اگر به دست با کفایت مدیر دلسوزی بیفتند، به بهترین وجه ممکن اجرا خواهد شد.

اما بحث این است که مجری قانون افراد دارای معلولیت کدام اداره و کدام نهاد است و به عبارت دیگر متکفل و مدیر اصلی کیست؟ در پاسخ یکی از معلولان تحلیل‌گر و نویسنده می‌گفت: اگر سازمان بهزیستی متصدی و مجری قانون معلولان باشد، از همین الآن وضع این قانون و آینده آن روشن است و این قانون نمی‌تواند به حل مشکلات بپردازد. حداقل نمی‌تواند برای ما بهشت موعود ایجاد نماید. پرسیدم راه کار چیست؟ پاسخ آمد که در همین قانون باید بندها و موادی هم درباره مجری تصویب شود و شرایطی برای آن در نظر بگیرند و ساختار اداری آن را طوری مصوب کنند که کارآمد باشد. اما اگر قانونی با بودجه‌ها و اعتبارات چند برابر تصویب نمایند و به دست بهزیستی کنونی بدهند اساساً گوشت را دست‌گیره دادن است.

در همان جلسه شخص دیگر گفت: به نظر می‌رسد در قانون یک فصل ویژه درباره مجری این قانون تصویب شود و وظایف بهزیستی را به ادارات تخصصی دیگر بسپارند. موارد فرهنگی آن را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدهند و این

از سال هشتاد که زمزمه قانون معلولان به طور فراگیر و گسترده مطرح شد تا الآن ۱۶ سال می‌گذرد؛ یعنی عمر سه دولت؛ عمر سه دوره مجلس شورای اسلامی و عمر دو دوره شورای نگهبان. چند میلیون انسان دارای معلولیت و هزاران خانواده دارای فرزندان معلول در طول این سال‌ها منتظر اصلاح وضعیت خود بوده‌اند. مدیران و مسئولین بسیار آمدند، وعده‌هایی را مطرح کرده و اصلاح جامعه هدف را به این قانون پیوند دادند؛ جلسات بسیاری تشکیل شد، سخنرانی‌های فراوان با حرارت و یا با دلسردی بیان شد و ...

هنوز هم نمی‌دانیم سرنوشت آن به کجا می‌انجامد؟ حتی اگر در صحن علنی مجلس تصویب شود، آیا شورای نگهبان تأیید خواهد کرد؟ یا مثل سال ۱۳۸۳ امضاء شورای نگهبان بر پای آن نمی‌نشیند؟ بر فرض اگر شورای نگهبان امضاء کند، آیا دولت و رؤسای سازمان بهزیستی به بهانه‌های متعدد مثل نداشتن اعتبار مالی و نداشتن منبع پولی آن را به بایگانی نمی‌سپارند و برای اجرای آن بهانه نمی‌آورند؟

آری همه اینها پرسش‌ها و دغدغه‌هایی است که در جلساتی که هر ماه و هر هفته در همه شهرها بر پا شده و می‌شود، مطرح شده و می‌شود. این مقاله انعکاسی از این دغدغه‌ها و پرسش‌ها است.

معروف است که باید قسمت پر لیوان را دید، به مثبت‌ها و محاسن توجه نمود و خلأها و معایب را مطرح نکرد چون موجب دلسردی و یأس و ناامیدی می‌گردد. اما با خود اندیشیدم در مورد این قانون لازم است نکات منفی و تحلیل‌های درباره این قانون را که در جلسات مطرح می‌شوند را جمع‌آوری و منتشر کنم. زیرا مثلی هست که توصیه می‌کند انسان عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. مهم‌تر اینکه با تذکر ضعف‌ها و نواقص، نمایندگان محترم و دستگاه تقنین، سپس دستگاه اجرا و نیز دستگاه قضاء با چشم باز، به مشکلات مندرج در لایه‌لای مواد و بندهای آن پی می‌برند و می‌توانند مواضع صحیح‌تر و پخته‌تر اتخاذ نمایند.

این مقاله اثبات این است که کسانی بوده‌اند، اشکالات و نواقص را می‌دیدند و در جلسات می‌گفته‌اند و فردی هم بوده که به عنوان «میرزا بنویس» گفته‌های آنان را نوشته است.



وزارتخانه را مکلف کنند تا مواد فرهنگی را اجرا کند، موارد مرتبط به درمان و دارو و پزشکی و توانبخشی را به وزارت درمان و آموزش پزشکی بسپارند، بخش آموزشی را به وزارت آموزش و پرورش بدهند و بالاخره بخش مساعدت‌ها را به کمیته امداد امام خمینی بسپارند. بهزیستی فقط ناظر باشد یا از اساس جمع شود.

تضمین قانونی و ضمانت حقوقی

تاکنون چند نسخه از قانون معلولان منتشر شده اما در هیچ‌کدام فصلی برای تضمین این قانون وجود ندارد. بالاخره معلولان چگونه و بر اساس چه اصولی دلخوش و مطمئن باشند که مواد این قانون اجرایی خواهد شد؟ از این‌رو قانون‌گذار باید موادی در زمینه ضمانت و متعهد ساختن مجریان تصویب کند. قانون ۸۳ چه سرنوشتی پیدا کرد؟

این قانون پس از دو سال کار در مجلس بالاخره در صحن علنی تصویب شد و به شورای نگهبان رفت. شورای محترم نگهبان به هر دلیل صلاح ندانست آن را امضاء کند.

مجلس ده روز صبر کرد و پس از ده روز طبق قانون، آن را به دولت ابلاغ و خواستار اجرای آن شد. دولت آقای خاتمی شروع به اجرا کرد و رئیس جمهوری آن را به نهادهای مرتبط ابلاغ نمود. بعد از چند ماه دولت عوض شد و دولت جدید آقای احمدی‌نژاد آمد. این دولت قانون مصوب ۸۳ را اجرا نمی‌کرد. استدلالی که مطرح می‌کرد دو چیز بود: یکی منابع مالی مشخص پیش بینی نشده و دوم شورای نگهبان امضاء نکرده است. تشکله‌ها به تفصیل هر دو استدلال را پاسخ گفتند ولی رئیس‌جمهور هشت سال زیر بار نرفت و قانون بدون مجری ماند.

مهم‌تر قانون دیگری در سال ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و آن الحاق به کنوانسیون بود. از هر نظر قانونی مشروع و مقبول بود. اما تا کنون نهادها به اجرای آن نپرداخته‌اند و اساساً نسبت به آن سکوت نموده‌اند.

بنابراین بسیاری از معلولان نخبه مشکل اصلی را بی‌قانونی یا خلأ قانون نمی‌دانند بلکه قانون ۸۳ و قانون کنوانسیون حقوق معلولان هست ولی نهادهای اجرایی، به اجرای آن نمی‌پردازند. در بسیاری از کشورها ضمانت مهمی به اسم افکار عمومی هست. اگر مسئول و رئیس کاری را انجام ندهد، مردم آن را به مطبوعات و رسانه‌ها می‌برند و به بحث و نظردهی می‌پردازند. ضمانت‌های دیگری هم در برخی کشورها مطرح است مثل ورود قوه قضائیه و تعیین مجرمیت یا ورود مقامات بالاتر و محکوم کردن متخلفی که قانون را اجرا نکرده‌است. لازم است در قانون معلولان ضمانت جدی و عملی و مؤثر پیش‌بینی شود.

منابع مالی مغفول

دو سال قبل در جلسه‌ای آقایانی از برخی منابع مالی معلولیتی گزارش می‌داد و تازه متوجه شدم تشکله‌های معلولیتی و معلولان، برخی منابع بسیار مهم مالی را نمی‌شناسند و خبر ندارند زیرا در قانون به آنها پرداخته نشده‌است.

یکی از این منابع موقوفاتی است که مردم برای معلولان یا پروژه‌های معلولیتی وقف کرده‌اند. یک سوال مهم این است که چرا در قانون به منابع مالی معلولیتی مثل وقف اشاره نشده و چرا اساساً یک فصل درباره منابع مالی معلولان در قانون نمی‌آورند.

منبع دیگر سرمایه‌های خارجی است، مثلاً یونیسف یا ایسکو یا یونسکو یا سازمان ملل هر سال از ایران حق عضویت دریافت می‌کنند. تشکله‌های معلولان در کویت، در امارات از این نهادهای بین‌المللی بودجه می‌گیرند. اما در ایران کمتر کسی به سراغ آنها می‌رود. اما چرا قانون تکلیف این‌گونه منابع مالی را

روشن نمی‌کند؟

فصل دهم لایحه (نسخه‌ای که فروردین ۹۶ به شورای نگهبان رفته) درباره منابع مالی است و فقط یک ماده دارد:

ماده ۲۹ - به منظور شفاف‌سازی منابع مالی اختصاص یافته برای اجرای این قانون و حمایت از افراد دارای معلولیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مکلف است نسبت به ایجاد ردیف‌های اعتباری ذیل فصل رفاه اجتماعی وزارت متناسب با عناوین فصول این قانون در لوایح بودجه سنواتی اقدام نماید.

این ماده به این معنا است که بودجه‌ای در سازمان برنامه تدوین و توسط مجلس به دولت داده می‌شود. یعنی روشی تاکنون معمول بوده است. ولی جنبه‌های دیگر مسائل مالی معلولان را روشن نمی‌نماید.

ضرورت رفع تبعیض

عوامل معلولیت‌ها را از یک منظر به سه دسته تقسیم می‌کنند و آنها را به معلول مادرزاد؛ حادثه‌ای و جنگی تقسیم می‌کنند. یعنی منشأ پیدایش معلولیت یا محیط رحم مادر است و به گونه‌ای است که فرد، نابینا یا فلج و غیره متولد می‌شود یا فرد به هنگام تولد سالم است ولی در دوره کودکی یا دوره‌های بعدی بر اثر بیماری یا تصادف یا دیگر عوامل معلولیت پیدا خواهد کرد و سوم فرد در جبهه بر اثر اصابت گلوله و دیگر رخدادهای معلول شده است. اکثر کشورها بدون تفاوت بین انواع معلولان برای همه آنان یک قانون دارند و نهادهای اجرایی آنها هم یکی است. اما در ایران به دلیل بروز جنگ مهم هشت ساله و ضرورت دفاع از وطن و لزوم رسیدگی به افرادی که در جنگ مشکل پیدا کرده‌اند، برای افرادی که در جبهه آسیب دیده‌اند، نهاد ویژه به نام بنیاد جانبازان تأسیس شده و نیز مصوبات ویژه آنان در مجلس تصویب شده است. دیگر معلولان هم تحت تکفل سازمان بهزیستی هستند و در سال قبل از ۸۳ قوانین موردی برای آنان تصویب شد و در سال ۸۳ قانون جامع برای آنان تصویب شد و الان می‌خواهند قانون دیگری برای اینان تصویب کنند.

آیا وقت آن نرسیده که متصدیان امور و دولت یک قانون برای همه انواع معلولیت‌ها تصویب کنند و یک نهاد و یک بودجه داشته باشند؟ آیا این روش موجب کم شدن هزینه‌ها نمی‌شود؟ طلاب دارای معلولیت در سال ۹۳ تجمع داشتند، یکی از آنها این پرسش را مطرح کرد: مدیریت حوزه علمیه قم ممنوعیت پذیرش معلولیت را تصویب کرده ولی به جانبازان نه تنها پذیرش آنها را بدون مانع دانسته بلکه به آنها مدرسه خاص به نام مدرسه حضرت ابوالفضل علیه السلام و امکانات و شهریه می‌دهند. نابینایی که بر اثر تصادف در راه تبلیغ، فاقد بینایی شده با نابینایی که در جبهه آسیب دیده چه تفاوتی با هم دارند؟ هر دو در راه انجام وظیفه نابینا شده‌اند. اما یکی می‌تواند در حوزه قم بماند و دیگری باید از طلبگی استعفا دهد.

امید است قانونگذاران محترم به این مسئله که موجب دلسردی و آزدگی برخی از معلولان شده و آن را نوعی تبعیض می‌دانند توجه نمایند.

فرصت‌های برابر

یکی از افراد دارای معلولیت می‌گفت: دائم شعار «برابری فرصت‌ها» داده می‌شود. اما واقعاً چه زمان در اشتغال، در تحصیل و دیگر امور بین افراد عادی و معلولان مساوات و برابری برقرار خواهد شد و بین معلولان و افراد عادی به تبعیض رفتار نمی‌شود؟ پاسخ این است که: هر زمان معلولان در ابعاد مختلف، قوت و توانایی لازم را پیدا کنند. وقتی مدیر مدرسه می‌بیند یک نابینا توانایی لازم برای تدریس ندارد، به صدها



فردادی که در تدوین این قانون نقش و مسئولیت دارند به این نکته توجه نمایند.

یک نکته بسیار مهم این است که رئیس محترم سازمان بهزیستی و بسیاری از مسئولین وزارتی بارها اعلام کرده‌اند، تدوین این لایحه توسط خود معلولان انجام یافته و تشکل‌های معلولان در شکل‌گیری قانون کنونی مؤثر بوده‌اند. اما پرسش این است واقعا چند درصد از نخبگان معلول در تدوین این قانون حضور داشته‌اند؟ آیا بهزیستی یا مجلس شورای اسلامی اسامی افرادی که در این قانون دخالت داشته‌اند را منتشر می‌کند؟ احساس بدنه جامعه هدف و نخبگان اجتماعی این است که مقامات اساسا به نظریات آنها توجه ندارند، از این رو مشارکت آنان همدلانه و متعهدانه نیست. به‌رحال موضوع دخالت افراد دارای معلولیت در تدوین این لایحه یکی از مصداق‌های مبحث تفویض امور به معلولان است و با مطالعه آن می‌توان به واقعیت این موضوع پی برد.

موسیقی و تئاتر

در جلسه‌ای یکی از اعضای جامعه هدف می‌گفت: اگر در این لایحه، بندهایی درباره موسیقی بیاید، من می‌فهمم جدا می‌خواهند مشکلات معلولان را رسیدگی و قانون جدی تصویب کنند.

پرسیده شد چرا؟ پاسخ آمد: زیرا در همه جای جهان موسیقی با معلولیت پیوند دارد و آمار افراد دارای معلولیتی که در عرصه موسیقی کار می‌کنند و از این طریق به اشتغال، و بسیاری از خواسته‌های خود رسیده‌اند، زیاد است. موسیقی علاوه بر اینکه برای آنها اشتغال ساز است، درمانگر و دردسوز هم هست. افراد دارای معلولیت با موسیقی آرام خود را فراموش می‌کنند و جان و روان خود را التیام می‌بخشند و متعالی می‌سازند. اما در ایران بهزیستی و مسئولین در این زمینه اقدامات جدی نداشته‌اند. بر اساس آمار درآمد بسیاری از ناشنوایان در ایالات متحده آمریکا از طریق تئاتر و موسیقی است و این مقوله در زندگی آنها در کشورهای مختلف تأثیر اساسی و زیربنایی دارد. البته لازم است در ایران موسیقی و تئاتر بومی شود. به عنوان مثال معلولان می‌توانند حکایات گلستان و بوستان سعدی یا قصص قرآن را تئاتر بازی کنند. نیز در موسیقی می‌توانند به تماشیح و سرودهای ملی و مذهبی هم توجه داشته باشند. اما نفی تمام موسیقی و کل هنر در جامعه هدف صحیح نیست.

بهانه از استخدام و سپردن کار به او پفره می‌رود ولی هر وقت مدیر مدرسه می‌بیند نابینایی، به خوبی کلاس را اداره می‌کند و دانش‌آموزان راضی هستند با میل و رغبت او را جذب می‌کند. بنابراین در همه جاها و همه امور اجتماعی تا زمانی که معلولان توانمندی‌های لازم را نداشته باشند، در رقابت با افراد عادی کنار زده می‌شوند.

نتیجه اینکه قانونگذار با تجربه و با درایت تلاش می‌کند افراد دارای معلولیت را به روش‌های مختلف توانمند سازد. برای نمونه نابینایان فقط از طریق متون بریل یا کتاب صوتی به دانش‌ها و دریای بیکران اطلاعات می‌رسند یا ناشنوایان با زبان اشاره و چند روش دیگر اما در قانون هیچ تدبیری برای این شیوه‌های بنیادی نیست.

همچنین معلولان از طریق سامانه‌های زیربنایی مثل کتاب، نشریه، سایت و اینترنت توانایی‌های لازم را پیدا می‌کنند اما در قانون هیچ اشاره به این سامانه‌های اساسی نشده است. در این لایحه چه شیوه‌ای برای توانا شدن معلولان مطرح شده تا در رقابت با افراد عادی به موفقیت برسند؟ مگر در فرهنگ ما نیامده «توانا بود هر که دانا بود» برای دانا شدن آنان چه تدبیری تقنین شده است؟

پیشگیری از معلولیت

این جمله در جهان مشهور است: پیشگیری مؤثرتر و کم هزینه‌تر از درمان است. پیشگیری از معلولیت لایه‌ها و ابعاد متنوع دارد و قانونی شدن آن می‌تواند اقتصاد خانوارها و نیز سرنوشت معلولان را تحت تأثیر قرار دهد. اجرای نظام پیشگیری کارآمد، نیاز به آموزش عموم مردم و به ویژه آموزش قشرهایی از مردم، آوردن مطالبی در کتب درسی از دوره ابتدایی، توجیه گروه‌های مرجع جامعه مثل معلمان، استادان، روزنامه‌نگاران و ده‌ها اقدام دیگر دارد. از این رو لازم است در قانون معلولان یک فصل مستقل به آن اختصاص داده شود و بودجه و دیگر جوانب آن سامان‌دهی گردد.

کشورهایی توانسته‌اند با پیشبرد پیشگیری، معلولیت را به سه درصد برسانند ولی آمارها در ایران برعکس است و مسئولین تأکید دارند، معلولیت رو به افزایش است. زیرا عوامل معلولیت‌زا در حال افزایش است.

در لایحه جدید هیچ سخنی درباره پیشگیری نیامده فقط در فصل درمان و بهداشت، از ضرورت آزمایش و مشاوره ژنتیکی بحث شده است.

خودگردانی امور توسط معلولان

آیا در اداره‌ای یا در هر نهاد و اداره دیگر دیده‌اید، یک کارمند دارای معلولیت به عنوان مدیر و مسئول در رأس کار باشد؟ آیا در ادارات بهزیستی در استان‌ها و شهرهای بزرگ و کوچک، معلولان به عنوان مدیر و مسئول مشغول به کار هستند؟ وضع تشکل‌های مردمی چگونه؟ چند درصد معلولین در تشکل‌ها، مدیریت و مسئولیت دارند؟

البته خودگردانی امور به دست خود معلولان، نیاز به تقویت آنان و مجرب شدن و داشتن انواع مهارت‌ها دارد. اما اگر در قانون موادی در این زمینه آورده شود، موجب بسترسازی و زمینه‌سازی می‌شود تا افراد دارای معلولیت به تدریج مسئولیت‌پذیر شوند و امور خودشان توسط خودشان اداره گردد. این موضوع را با تعبیر مثل واگذاری امور معلولیتی به معلولان، تفویض، واسپاری و خودگردانی در فرهنگ ایرانی یاد می‌کنند. تحقق آن در ارتقای سطح روانی مثل پیدا کردن روحیه استقلال و شخصیت مستقل و اصلاح امور اجتماعی در جامعه هدف مؤثر است. در لایحه کنونی هیچ تدبیری در این زمینه دیده نمی‌شود و امید است



بهزیستی در سال‌های اخیر به برگزاری جشنواره فیلم و تئاتر معلولان اقدام کرده و با استقبال این فشر مواجه شده‌است. اما در جلسات معلولان، حرف و حدیث‌هایی در این باره هست و هر چند اصل کار را صحیح می‌دانند، ولی شیوه اجرایی را سودمند به حال معلولان ایران نمی‌دانند و معتقدند بدون تقویت زیربنای فرهنگی موسیقی و کلا هنر و ارتقای سطح دانش و بینش و اطلاعات معلولان ایران، تأثیر و کارآمدی چنین اقدامات پرهزینه، اندک است.

اما لایحه کنونی، در این حوزه باید متعهدانه و فعالانه ورود پیدا کند، زیرا در مورد افرادی که معلولیت دارند اساساً بحث متفاوت است چون موسیقی برای آنان حداقل به حکم ضرورت ثانوی یک نیاز و یک ضرورت جدی است.

خلا قانونی

خانم معصومه آقاپور عضو فراکسیون معلولان مجلس در ۸ آبان ۹۶ در خبرگزاری مهر اعلام کرده در جامعه هیچ خلا قانونی برای معلولان وجود ندارد. در ادامه به برنامه ششم توسعه اشاره می‌کند که تکلیف معلولان را روشن کرده است.

ظاهراً حق با ایشان است. چند قانون برای معلولان به صورت مصوب هست و تاکنون نسخ هم نشده‌است. این قوانین عبارت‌اند از:

۱. قوانین موردی که در زمینه‌های مختلف در مجلس تصویب شده است. اگر اینها تجمیع شوند خود مجموعه قانون حجیمی خواهد شد.

۲. قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ که ظاهراً هیچ سندی دال بر نسخ آن در دست نیست.

۳. قانون الحاق به کنوانسیون حقوق معلولان که در سال ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.

با توجه به اینکه این همه قانون هست آن هم قوانین روشن و صریح چرا عده‌ای چندین سال است می‌گویند معلولان قانون ندارند و به دنبال تصویب قانون دیگر هستند؟ و سال‌ها است با این بهانه امور معلولان را متوقف نگه داشته‌اند؟

گاه معلولان در این باره اظهارنظرهایی کرده‌اند که چون جنبه انتقادی این اظهارات زیاد است نمی‌توانم نقل کنم. اما همه نگران هستند با این همه هزینه و فعالیت، لایحه جدید هم بعد از تصویب، به کنار دیگر قوانین برود و مجدداً گفته شود قانون جدید می‌خواهیم.

لازم به یادآوری است در لایحه‌ای که در فروردین ۹۶ به شورای نگهبان رفت، آخرین بند آن چنین است:
ماده ۳۱ - با لازم اجرا شدن این قانون، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ ملغی‌الایثر می‌باشد و تمام قوانینی که مرتبط با افراد دارای معلولیت می‌باشد از این قانون تبعیت خواهد کرد.

این ماده در واقع می‌گوید قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ هنوز اعتبار دارد، اما مسئولین باید پاسخگو باشند که چرا تاکنون به روش جامع و همه جانبه به آن عمل نکرده‌اند؟

فرهنگ‌سازی

مسئولین و رئیس‌های فراکسیون‌های سابق و جدید معلولان در مجلس شورای اسلامی و بسیاری از مقامات بارها و بارها گفته‌اند، زیربنایی‌ترین و اصلی‌ترین مشکل افراد دارای معلولیت، فرهنگ‌سازی است. خانم آقاپور عضو فراکسیون می‌گوید فرهنگ سازی مقدم و اولویت‌دارتر از قانون است. (خبرگزاری مهر، ۸ آبان ۱۳۹۶). اما به نظر اینان فرهنگ‌سازی چیست و چه تعریفی از فرهنگ‌سازی دارند؟

خانم آقاپور در معرفی فرهنگ‌سازی می‌گوید: معرفی توانایی‌ها و شخصیت مؤثر معلولان در جامعه و اینکه آنان برخلاف نقص ظاهریشان می‌توانند فردی مفید در جامعه باشند. او معتقد است: باید در جامعه نهادینه شود و این را فرهنگ‌سازی می‌داند.

اما معلولان چه می‌گویند: شما به عنوان متولی امور معلولان حتی یک بند و یک ماده در این باره در لایحه نیاورده‌اید.

از رئیس سابق فراکسیون هم بارها مثل این جملات را شنیده‌ایم. برای این منظوری که می‌گویند و اسم آن را فرهنگ‌سازی می‌گذارند و البته معلولان هم با آن مخالفتی ندارند، نه بودجه کلان و نه فعالیت خیلی گسترده نیاز است بلکه فقط نیاز به تدابیری دارد که باید در قانون پیش‌بینی شده باشد.

اگر سخنان شخصیت‌های نخبه مثل سعدی و حافظ یا آموزه‌های معصومین علیهم السلام یا تعالیم قرآن کریم استخراج و به صورت تابلو و اتیکت در سازه‌های مختلف، یا دفترچه‌های توضیحی کم حجم منتشر شود و در اختیار شهرداری‌ها و سازمان تبلیغات و ... قرار دهند، تأثیر بسیار خواهد داشت.

همچنین لازم است کتاب‌های توضیحی در معرفی شخصیت‌هایی که به رغم معلولیت، پادشاه، وزیر، قاضی، قاری قرآن، فقیه، مبلغ و ... بودند منتشر شود. این کار توسط تشکل‌های مردمی مثل «دفتر فرهنگ معلولین» انجام شده و روی سایت این دفتر رایگان قابل دسترسی است. حتی دفتر فرهنگنامه معلولان متخصص در علوم قرآن، متخصص در موسیقی و بالاتر از آن، معلولان سیاستمدار که در انتخابات شرکت کرده‌اند و غیره را در قالب ده‌ها عنوان کتاب منتشر کرده‌است.

اگر سخنرانی امام حسین علیه السلام برای نخبگان جامعه آن روز در حمایت از معلولان در ایام محرم تبلیغ شود و سازمان تبلیغات اسلامی، وعظ را موظف کند از این موضوع بحث کنند، فضای بی‌نظیری در مردم پدید می‌آید.

هم اکنون بار اصلی فرهنگ‌سازی بر دوش سمن‌های مردمی است ولی تا وقتی این تشکل‌ها با نهادهای دولتی هماهنگ نشوند، کارهای آنها تأثیر همه جانبه نخواهد داشت. اما قانونگذاران در این باره چکار کرده‌اند و چه موادی در قانون آمده‌است؟

فرهنگ‌سازی نه بودجه کلان میلیاردی می‌خواهد و نه غیر قابل دسترسی است؛ بلکه سازمان‌های دولتی باید در قانون



مكلف شوند. اکنون نگاهی می‌اندازیم به فصل هفتم لایحه‌ای که فروردین ۹۶ به شورای نگهبان رفته است و دارای ۳۱ ماده است. این فصل سه ماده (۱۶-۱۸) دارد. در ماده ۱۶ می‌نویسد: ماده ۱۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادهای دارنده سالن‌های نمایش فیلم و امکانات تبلیغی، مکلفند بدون اخذ هزینه، امکان نمایش تیزرهای آموزشی، تبلیغات تابلوهای شهری، پرتال‌ها، نقاشی‌های دیواری و... مورد تأیید سازمان در خصوص حقوق افراد دارای معلولیت و چگونگی تعامل با این افراد را فراهم آورند.

این بند می‌گوید نهادهای تبلیغی و نمایش دهنده فیلم پس از تأیید بهزیستی، بدون دریافت هزینه، تیزرهای آموزشی و تبلیغی در خصوص حقوق افراد دارای معلولیت و تعامل مردم با این افراد را فراهم آورند.

بنابراین مفاد این ماده فقط دلالت بر تبلیغات در کشور ایران دارد؛ اما نسبت به چگونگی آماده کردن و تولید این تبلیغات ساکت است.

اما در ماده ۱۷ چنین آمده است: سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است با مشارکت سایر دستگاه‌های ذی‌ربط حداقل دو ساعت از برنامه‌های خود را در هفته در زمان مناسب و از شبکه ملی و بین‌المللی به برنامه سازمان و آشنایی مردم با توانمندی‌های افراد دارای معلولیت اختصاص دهد و همچنین مسائل مربوط به افراد معلول را به صورت عام مطرح نماید و نسبت به زیرنویس فیلم‌ها و برنامه‌های مختلف شبکه سیما، استفاده از رابط ناشنویان و نیز توصیف شنیداری فیلم‌ها جهت افراد نابینا در برخی از برنامه‌ها اقدام نماید.

معمولاً کارشناسان صدا و سیما با مراجعه به کتب و نشریات، اطلاعات و تحلیل‌هایی را دریافت و تبدیل به برنامه قابل پخش می‌کنند. اما اگر درباره موضوعی کتاب و مقاله و اطلاعات نباشد، آنها اقدامی نخواهند داشت. بنابراین تولید کتاب و نشریه تقدم دارد و در قانون باید تکلیف آن مشخص شود.

نیز در ماده ۱۸ آمده است:

ماده ۱۸- تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی موضوع این قانون مکلفند کارکنان خود را جهت تعامل صحیح با شهروندان معلول و ارائه خدمات بهینه به آنان با پیش‌بینی بودجه لازم و با اخذ مشاوره‌های تخصصی از سازمان و تشکل‌های مردم نهاد معلولان در قالب برنامه‌های آموزشی خدمت، آموزش دهند. با اینکه فرهنگ سازی دارای ابعاد بسیار است آیا با این سه ماده می‌توان به این موضوع سامان دهی کرد؟

مشاغل عالی

هم اکنون از نابینایان، ناشنویان، معلولان حرکتی کم نیستند که در مشاغل عالی مثل وکالت، استادی دانشگاه، فیلم‌سازی، انواع هنرها، پژوهشگری و نویسندگی و عضویت در شوراهای شهر اشتغال دارند. حتی معلولان ذهنی بارها برای کشورمان مدال طلا و دیگر افتخارات آفریده‌اند، کاری که از افراد عادی کمتر ساخته است.

وقتی به سراغ تاریخ می‌رویم در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی ایشان برای امور نظامی از شهر بیرون می‌رفت یک نابینا به نام عبدالله ابن ام مکتوم را در شهر به عنوان جانشین خود تعیین می‌کرد و بر اساس برخی اسناد ۲۲ بار این رویه تکرار شد. نیز این نابینا در سمت امام جماعت و مؤذن و پاسخگویی به امور مردم اشتغال داشت.

اما لایحه کنونی، معلولان را در محدوده حرفه و فن و مشاغل عادی مطرح و معرفی کرده است و یک جا از مشاغل عالی برای آنان بحث نکرده است. آیا قانونگذار نمی‌تواند، به بهزیستی امر

کند افراد دارای معلولیت نخبه را حداقل در قالب یک تشکل مثل ناشنویان نخبه یا نابینایان فرهیخته زیر چتر حمایتی خود درآورد؟

مشاغل فرهنگی - علمی

در مشاغلی که معلولان می‌توانند کار کنند و در کشورهای دیگر تجربه شده مثل مشاغل فرهنگی و خدمات علمی مانند چکیده نویسی برای بانک‌های اطلاعات، تایپ و مقابله و کتابداری، این لایحه هیچ راه‌کار مشخص ارائه نکرده است. در کشورهای پیشرفته درآمد بسیاری از معلولان از طریق مشاغل فرهنگی و هنری است.

تحصیلات

در بخش تحصیلات و راه‌اندازی آموزش ویژه موضوعات مورد نیاز خود معلولان مثل آموزش بریل، آموزش کتاب گویا و آموزش زبان اشاره و دهها موضوع دیگر که ویژه معلولان است، در این قانون نکته‌ای نیامده است. معلولان لزوماً تا دکتری نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی دارند ولی این لایحه ساکت است.

مهارت‌یابی مذهبی

در یک قرن اخیر کلیسا با جذب معلولان و آموزش از آنها به عنوان مبلغ مذهبی استفاده کرده و آنان را در این زمینه به کار گرفته است. زیرا تأثیر این قشر روی مردم تجربه شده است. اما نهادهای مذهبی در ایران کمتر به آموزش این قشر پرداخته‌اند. لازم بود قانون در این باره از معلولان حمایت می‌کرد. در کشورهای اسلامی سه کشور با برنامه‌ریزی توانسته‌اند از ظرفیت‌های معلولان استفاده کنند. مصر با آموزش نابینایان در عرصه قرائت قرآن کریم و صدور آنان به کشورهای مختلف درآمدهای سرشاری جذب کرده است و از این طریق توانسته فرهنگ مصری را در جهان اسلام گسترش بخشد.

عربستان سعودی سه دهه است ورود پیدا کرده و در عرصه‌های فرهنگ مکتوب و رشته‌های دانشگاهی اقدامات فراوان انجام داده و سالانه آثار فراوانی را منتشر و وارد بازار می‌کند و کشور اردن در زمینه ناشنویان، پیشرفت‌های بی‌نظیری داشته است.

اما ایران تاکنون در عرصه‌های مختلف معلولیتی کمتر درخشش داشته است. با اینکه به اعتراف همگان معلولان ایران در زمینه‌های مختلف پیش قراول بوده‌اند و ستاره‌هایی مثل بنان (یک چشم و ضعف بینایی)، محمد خزائلی و پری زنگنه (نابینا) داشته‌ایم و هم اکنون در دانشگاه‌های خارج و داخل ستاره‌هایی مثل محمد نباتی (نابینای مطلق) هستند که افتخار ایران می‌باشند.

حلقه زیرساختی حیات اجتماعی و فرهنگی

همانطور که در بیولوژی و چرخه زندگی جانداران، حلقه زیرینی هست که تمام چرخه زندگی متکی به آن است، جامعه و فرهنگ هم دارای نظام و سیستمی با ساختار حلقه‌ای هستند. برخی از این حلقه‌ها اساسی است و در سرنوشت و پویایی دیگر مراحل اکو سیستم «جامعه و فرهنگ» تأثیر دارد.

اما در سیستم اجتماعی و فرهنگی معلولان چه چیزی زیربنایی‌تر است؟ بودجه، آموزش، مهارت افزایی و یا ... کدامیک نقش محوری دارد؟

به نظر می‌رسد زیربنایی‌ترین حلقه در این نظام کتاب و اندیشه‌های مبتنی بر کتاب و مقاله است. گروه‌های مرجع مثل معلمان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران افکار و اندیشه‌های خود را از منابع منتشره اخذ می‌کنند، افراد فعال در سایت‌های اینترنتی افکار خود را از طریق مطالعه به دست می‌آورند، مدیران شهری

برای مناسب سازی یا برای اشتغال، ایده‌ها و راه‌کارهای ابتکاری خود را با مطالعه به دست می‌آورند و خلاصه هر جای این سیستم نظر افکنیم می‌بینیم منابع علمی و کتب نقش محوری و زیربنایی دارند. اما در قانون کنونی درباره این حلقه زیرساختی هیچ مواردی نیامده است.

فرهنگ عامه

فولکور و فرهنگ عامه در زبان فارسی در عرصه معلولیت‌ها و معلولین بسیار جذاب و قابل توجه است. مَثَل‌ها، مَثَل‌ها، حکایت‌ها، اشعار و نثرهای بسیار وجود دارد. بعضی از آنها بازگو کننده نگاه منفی و بعضی انعکاس نقدهای عامه مردم نسبت به معلولیت و معلولان و بسیاری هم با نگاه مثبت عرضه شده‌است. اروپایی‌ها با برنامه‌ریزی توانستند فرهنگ عامه را اصلاح و کاربردی کنند و به صورت کتاب، جزوات، مقاله و غیره باز تولید کرده و در جامعه هدف نشر دهند. به این روش هم فرهنگ‌سازی مثبت در جامعه ایجاد کرده و هم نگاه‌های منفی را خنثی نموده‌اند. اما قانونگذاران علاوه بر بسترسازی برای سامان‌دهی به فرهنگ عامه، در بخش حقوقی هم هرگونه توهین به معلولان را جرم دانسته و مجازات‌هایی را تعیین کرده‌اند. همین تجربه‌ها را می‌توان در قانون معلولان ایران هم درج نمود.

توانبخشی مدرن

تلقی از توانبخشی مربوط به چند دهه قبل است، اکنون در کشورهای پیشرفته در کنار فیزیوتراپی، بوک‌تراپی، کالچر تراپی و چندین روش نوین دیگر آمده‌است.

استقلال و وابستگی

در فلسفه حقوق مبحثی با عنوان کارایی یا تأثیر قانون آمده‌است و فیلسوفان این حوزه ملاک‌هایی برای ارزیابی کارایی قانون در نظر گرفته‌اند. در مورد قانون معلولان هم این پرسش مطرح است که بهترین قانون برای معلولان کدام است؟ به نظر می‌رسد قانونی که معلولان را به استقلال و خودگردانی و مدیریت خویش فرما برساند، بهترین و کارآمدترین قانون است. استقلال افراد دارای معلولیت دو جنبه فردی و اجتماعی دارد. اینکه معلولان هر چه بیشتر در امور فردی وابسته به دیگران باشند و در امور اجتماعی وابسته به دولت باشند، از دولت حقوق بگیرند و دولت برای درمان و توانبخشی آنها اقدام کند و خلاصه در همه امور چشم آنها به دولت باشد، این قانون قابل نقد

است. به‌رحال هر قانونی وابستگی‌ها را زیاده‌تر کند مطلوب نیست و هر قانونی استقلال آنها را افزایش دهد مطلوب‌تر است. فرهنگ ملی و دینی ما ایرانیان به عنوان اساس و خاستگاه قانون معلولان بر ارزش‌ها و آموزه‌هایی مثل قناعت تأکید کرده است. بنابراین علاوه بر اینکه در تدوین قانون باید به متون مذهبی و ملی توجه داشت و از این سرمایه استفاده کرد، لازم است بندها و مواد قانون به‌گونه‌ای طراحی گردد که آنان هر سال بیشتر احساس استقلال نمایند.

در جلساتی که با افراد دارای معلولیت برگزار شده، بارها در مورد این موضوع بحث شده و بسیاری از آنان معتقدند، دولت به عمد می‌خواهد ما وابسته باشیم و حقوق و زندگی ما دست خودش باشد و بر ما کنترل داشته باشند. البته صحت و سقم این داوری‌ها را نمی‌دانیم، ولی هر شخصی مواد لایحه کنونی را از منظر استقلال معلولان بررسی کند، متوجه می‌شود قانون مطلوبی نیست. اما یک مسئله دیگر همواره در جلسات مطرح است و آن خروج از چرخه حمایتی سازمان بهزیستی است. برای مثال سازمان اعلام کرده که در سال ۱۳۹۵، ۱۵ هزار مددجو از چرخه حمایتی سازمان بهزیستی خارج شده‌اند. (سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۰ آبان ۹۶). آیا اینان آنگونه که بهزیستی می‌گوید واقعا بر اثر توانمند شدن از چرخه بیرون رفته‌اند یا فقط به خاطر ناتوانی و نیاز به مبلغ حمایتی با دریافت آن مبلغ از چرخه اخراج شده‌اند؟ برخی از افراد دارای معلولیت، با طرح پرسش‌های اینچنینی شیوه کنونی بهزیستی را صحیح نمی‌دانند و می‌گویند با این شیوه افراد استقلال واقعی نخواهند داشت.

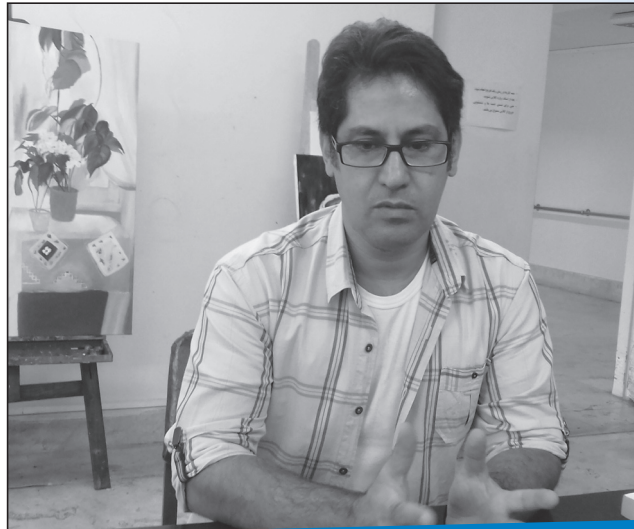
خلاصه و نتیجه‌گیری

بسیاری اظهار خوشبختی کرده‌اند: لایحه‌ای که قرار است با تصویب نهایی تبدیل به قانون جامع حمایت از حقوق معلولان شود، تا ۱۲ آذرماه ۹۶ روز جهانی معلولان در ایران تصویب و نهایی شود. امیدواریم این قانون با همه نواقصی که دارد زودتر تصویب شود و به نگرانی بسیاری خاتمه دهد. بالاخره هیچ قانونی تام و تمام نیست و ماهیت قانون این‌گونه است که به مرور زمان تکمیل می‌شود.

این قانون به رغم همه این نواقصی که دارد و در این مقاله به برخی آنها اشاره شد، اما آحاد جامعه معلولان ایران از مجلس شورای اسلامی، از دولت جمهوری اسلامی ایران و همه مقامات تشکر کرده‌اند.



مجید قطبی نژاد لیسانس گرافیک است ولی بیشتر به صورت تجربی کار را یاد گرفته است. او حدود بیست سال است که به صورت جدی نقاشی می‌کشد. با این‌که در زمینه گرافیک سال‌ها کار کرده است ولی علاقه اصلی او هنر نقاشی است. از سال ۷۶ نمایشگاه‌های انفرادی متعددی را برگزار کرده است. او از طریق یکی از دوستانش با مرکز رعد آشنا شده است. این هنرمند حدود هشت سال است که در کلاس‌های رعد به هنرجویان علاقمند نقاشی آموزش می‌دهد.



استاد کلاس نقاشی؛

بچه‌های کلاس من به خوبی می‌توانند به درآمد برسند

بگویند و اشکالات کارم را برطرف کنم. از این طریق یکسری فنون و اصول نقاشی را یاد گرفتیم. وقتی به رعد آمدم دیدم اینجا همان‌جایی است که همیشه به دنبالش بودم. در آموزش تا جایی که بتوانم از خودم مایه می‌گذارم و دوست دارم هرچه می‌دانم را به دیگران یاد بدهم. دوست دارم دانش و مهارتی را که به سختی به دست آوردم را در اختیار هنر جوینانم قرار دهم. وقتی به رعد آمدم دیدم اگر قرار باشد جایی انرژی بگذارم، همین‌جاست. چون بچه‌هایی که به اینجا می‌آیند امکان شرکت در کلاس‌های بیرون را ندارند.

چند روز در هفته را در این کلاس آموزش می‌دهید؟

قبلاً هفته‌ای سه روز در رعد کلاس داشتم ولی به دلیل مشغله کاری فعلاً هفته‌ای یک روز به اینجا می‌آیم و سعی دارم ارتباطم را با رعد قطع نکنم.

مجید قطبی نژاد:
سعی می‌کنم فنون نقاشی را در حد توان به بچه‌ها آموزش دهم ولی دوست دارم بتوانم در بخش هنر و ایده‌پردازی هم کاری کنم تا بچه‌ها با فلسفه هنر آشنا شوند و بتوانند هنرمند خوبی شوند

چون قبلاً به هنر توجهی نمی‌شد و من هم در همان دوران به دنبال استاد می‌گشتم! واقعا شرایط برایم فراهم نبود و با سختی زیاد نقاشی می‌کردم. گاهی شب تا صبح می‌نشستم و طراحی می‌کردم. خیلی پرکار بودم و گاهی که استادی پیدا می‌کردم دیگر رهاش نمی‌کردم. آن‌قدر سماجت می‌کردم تا همه ایرادهایم را به من

در مورد آشنایی خود با مرکز رعد توضیح دهید؟

من از طریق یکی از دوستانم با مرکز رعد آشنا شدم. از او برای همکاری در این مرکز دعوت شده بود ولی چون خودش نتوانست بیاید، از من خواست که با رعد همکاری کنم. اولین باری که به مرکز آمدم و محیط را دیدم، متوجه شدم که اینجا همان‌جایی است که دنبالش بوده‌ام. البته در اوایل کمی جا خوردم ولی همیشه دوست داشتم که نقاشی را آموزش بدهم و این‌که به چه فشری آموزش دهم برایم مهم بود و چون خودم با سختی زیادی نقاشی را یاد گرفتم دوست داشتم این کار را به کسانی آموزش دهم که با جدیت این هنر را دنبال می‌کنند.

در این مورد که نقاشی را با سختی یاد گرفتید کمی توضیح دهید.

چون امکاناتش برایم فراهم نبود و استادی نداشتم. برای این‌که استاد نقاشی پیدا کنم خیلی کوشش کردم





مجید قطبی نژاد:

نقاشی همه چیز من است؛ هم زندگی، هم کار و هم راه درآمد. از اول در این رشته کار کرده‌ام و هم چنان مصر هستم که در کار هنری بمانم

بازخوردی که از این کلاس گرفته‌اید چگونه است؟

از کلاس بازخورد خیلی خوبی داشته‌ام و از این که می‌بینم هنرجویان با عشق و علاقه کلاس را دنبال می‌کنند خیلی لذت می‌برم. تمام آرزویم این است که وقتی هنرجویی در این کلاس شرکت می‌کند حداقل تکنیک کار را یاد بگیرند. چون هنر یک بخش کار است و تکنیک هم بخش دیگری از آن. مهارت یا تکنیک با هنر متفاوت است. بچه‌ها در کلاس فعلاً مهارت و تکنیک را یاد می‌گیرند؛ اینکه رنگ چیست، قلم چیست، متریال چیست و چگونه باید از آنها استفاده کنند؟ من سعی می‌کنم فنون نقاشی را در حد توان به بچه‌ها آموزش دهم ولی در نهایت اگر بتوانم دوست دارم در بخش هنر و ایده پردازی هم کار می‌کنم تا بچه‌ها با فلسفه هنر آشنا شوند و بتوانند هنرمند خوبی شوند. ولی بیشترین بخش و جنبه نقاشی همان بخش تکنیک است. خلاقیت آموختنی نیست تنها می‌شود فنونی را یاد داد تا خلاقیت تقویت شود. اگر فنون نقاشی را بلد باشند، خلاقیت هم ممکن است به وجود بیاید در صورتی که اگر فن را بلد نباشد، خلاقیت بعید است که ایجاد شود. تلاش من این است که توانایی بچه‌ها را افزایش بدهم تا وقتی یک اثر هنری را می‌بینند جا نخورند که این کار چقدر سخت و غیرقابل دسترس است. سعی می‌کنم کار را برایشان آسان کنم و به آن‌ها یاد بدهم که هر کاری راه و روشی دارد و از این طریق می‌توان به آن رسید. خدا را شکر تا اینجا توانسته‌ام کارکنم و نتیجه هم گرفته‌ام.

آیا حرفه اصلی شما نقاشی است؟

بله. من شغل دیگری ندارم. نقاشی همه چیز من است؛ هم زندگی، هم کار و هم راه درآمد. از اول در این رشته کار کرده‌ام و همچنان مصر هستم که در کار هنری بمانم.

نقاشی چه تأثیری در زندگی خود شما داشته است؟

نقاشی همه‌اش تأثیر است. شما وقتی از لحاظ بصری ذهنتان را گسترش می‌دهید، ایده‌پردازی می‌کنید، به رنگ‌ها بها می‌دهید، به هماهنگی اهمیت می‌دهید، به این نتیجه می‌رسید که زندگی همه‌اش هارمونی است. ما وقتی چشمان خود را می‌بندیم باز هم رنگ و نقش می‌بینیم. بنابراین هنر جزو لاینفک هستی است و برای من خیلی ارزشمند است که در این حرفه هستم. هنر برایم سختی‌های زیادی داشته‌است ولی همه را به جان خریدم و الآن هم با همه وجودم، کارم را دوست دارم.

ارزایی شما در این چند سال که با رعد همکاری داشته‌اید چگونه بوده است؟

بیش از نیمی از بچه‌هایی که به کلاس من آمده‌اند توانسته‌اند لیسانس مرتبط با رشته خود را بگیرند و در دانشگاه‌هایشان جزو بهترین‌ها بوده‌اند. این به خاطر زمینه‌ای است که در کلاس نقاشی رعد به دست آورده‌اند درحالی‌که در ابتدا یک هنرجوی خیلی ابتدایی بودند. من بچه‌ها را تشویق می‌کنم که بروند و مدرک مطابق با رشته خودشان

را بگیرند. در طول این هشت سالی که در اینجا مشغول هستم ۶۰-۷۰ درصد هنرجویان حداقل تا مدرک کارشناسی رفته‌اند. بچه‌هایی هم که وارد دانشگاه نشده‌اند کسانی هستند که امکان ادامه تحصیل نداشته‌اند که اگر آنها هم بروند قطعاً مشکلی نخواهند داشت. چون ۸۰ درصد کار را آموزش دیده‌اند و فقط برای گرفتن مدرک است که به دانشگاه می‌روند.

هنرجویان شما به مرحله‌ای رسیده‌اند که بتوانند از این راه درآمد کسب کنند؟

بله. بچه‌های کلاس من به خوبی می‌توانند به درآمد برسند. بارها به آن‌ها گفته‌ام که اگر بخواهید آتلیه نقاشی راه‌اندازی کنید، مطمئناً در تأمین هزینه‌های آن مشکلی پیدا نمی‌کنید و این کمترین چیزی است که به دست خواهید آورد. کار بچه‌ها کاملاً قابل قبول است و در نمایشگاه‌های مختلف از آن‌ها دعوت می‌شود و سفارش‌های خوبی هم می‌گیرند. حتی هنرجویانی داریم که از خارج کشور سفارش نقاشی می‌گیرند.

آیا از بچه‌های این کلاس کسانی هستند که آتلیه زده باشند و باهم کار کنند؟

بارها بچه‌ها خواسته‌اند چنین کاری بکنند ولی امکان این کار برایشان پیش نیامده‌است. چند ماه پیش یکی از بچه‌ها می‌خواست این کار را بکند و من هم خیلی تشویقش کردم ولی چون اماکن عمومی ما مناسب‌سازی شده نیستند و امکان رفت و آمد با ویلچر هم بسیار دشوار است، این امکان هنوز برای تعدادی از هنرجویان حرفه‌ای ما مهیا نشده‌است. ولی بچه‌ها که



مشکلی در این زمینه ندارند را همیشه تشویق می‌کنم که جلو بروند و نترسند و موفق هم می‌شوند. الان بچه‌های کلاس توان زدن آتلیه را دارند. آنها می‌توانند باهم کار کنند و کارهای خودشان را ارائه دهند، می‌توانند ایده‌پردازی کنند، طراحی کنند و حتی هنرجو بگیرند و آموزش بدهند. این برمی‌گردد به همت خودشان که چه مقدار تلاش کنند. من از بچه‌های کلاس بسیار راضی هستم.

آیا در خارج از رعد هم کلاس نقاشی دارید؟ در مقایسه بین هنرجه‌های رعد با هنرجه‌های خارج از رعد توانایی این بچه‌ها را چگونه می‌بینید؟

در حال حاضر تنها کلاس آموزشی من اینجاست و فرصت دیگری برای آموزش دادن ندارم. مشغله کاری‌ام زیاد است و سفارش‌های زیادی دارم. ولی گاهی به‌صورت مقطعی کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کنم. اگر بخواهم مقایسه‌ای بین هنرجویان رعد با دیگر هنرجویان داشته باشم باید بگویم که در هنرجویان رعد عشق و علاقه بیشتر است. هنرجویان دیگر به‌صورت تفننی به کلاس نقاشی می‌آیند و خیلی وقت‌ها خیلی راحت آن را رها می‌کنند. ولی بچه‌هایی که در رعد به کلاس من می‌آیند خیلی جویاتر و خیلی پیگیر یادگیری هستند. آن عشق و علاقه‌ای که در این بچه‌ها وجود دارد، باعث ماندگاریم در رعد شده‌است.

به نظر شما هنر نقاشی چه کمکی می‌تواند به حل مشکلات روانی و جسمانی هنرجویان رعد بکند؟

به‌طورکلی بخشی از تأثیر هنر جنبه درمانی آن است. یعنی هنر، خاصیت شفادهنگی دارد. من نمی‌خواهم در بحث معنویات وارد شوم ولی نقاشی چنین تأثیری دارد. پزشکان و روانشناسان هم به افرادی که مشکلات عصبی دارند توصیه می‌کنند که نقاشی کنند چون از لحاظ روحی و روانی نقاشی آرامش‌بخش است و در سیستم عصبی تعادل ایجاد می‌کند. من در کارم به هر یک از هنرجویان به‌طور ویژه آموزش می‌دهم. قرار نیست که همه هنرجه‌ها مثل هم نقاشی کنند، یعنی مقایسه‌ای بین این افراد صورت نمی‌گیرد. در اینجا هنرجویی دارم که اگر من در کارش قلم بزنم کارش را خراب می‌کنم، چون کار او با توجه به شرایط دستش زیباست. حرکت دست من با حرکت دست او فرق دارد و من این اجازه را به او نمی‌دهم که شبیه دیگران نقاشی کند. به او می‌گویم که با شرایطی که داری باید کارت را انجام بدهی. یعنی کلاس ما جنبه درمانی هم داد.

صحبتی با تعدادی از هنرجویان کلاس نقاشی

در حاشیه این گفت‌وگو صحبتی هم با سه نفر از هنرجویان کلاس نقاشی داشتیم و از تأثیر این کلاس در زندگی آنها پرسیدیم.

• اعتمادبه‌نفس خوبی پیدا کرده‌ام

فاطمه رباط جزئی، از ۱۷ سالگی دچار ضایعه نخاعی شده‌است. او از سال ۸۶ با مرکز رعد آشنا شده و به دلیل علاقه به نقاشی در این کلاس ثبت‌نام نموده‌است. او می‌گوید، در کلاس جواهرسازی هم شرکت کرده‌ام ولی نقاشی را از همان زمان تا به حال ادامه داده‌ام. فاطمه ادامه می‌دهد: قبل از آقای قطبی‌نژاد دو استاد دیگر داشتم ولی بیش از چهار سال است که با آقای قطبی‌نژاد کار می‌کنم. ایشان علاوه بر اینکه استاد نقاشی ما هستند، استاد اخلاق و راهنمای ارزشمندی هم برای همه ما هستند.

فاطمه در مورد تأثیراتی که آموزش نقاشی در زندگی داشته می‌گوید: من از کودکی به نقاشی علاقه داشتم و با نقاشی به آرامش می‌رسم. وقتی نقاشی می‌کشم، متوجه گذشت زمان نمی‌شوم به‌طوری‌که فکر می‌کنم یک ساعت کار کرده‌ام ولی می‌بینم چندین ساعت نقاشی کشیده‌ام. قبل از آمدن به رعد، خیلی از کارهای شخصی‌ام را نمی‌توانستم انجام بدهم چون بعد از نخاعی شدنم تا چند سال افسرده بودم و حتی از خانه بیرون نمی‌آمدم. وقتی به کلاس‌های کاردرمانی و فیزیوتراپی در رعد آمدم زندگی‌ام تغییر کرد و وقتی به کلاس نقاشی آمدم روحیه‌ام به کلی عوض شد. استاد هم خیلی به ما کمک می‌کند و مثل یک برادر به درد و دل‌های ما گوش کرده و راهنمایی‌مان می‌کند. بعد از این مدت زندگی‌ام عوض شده، به‌تنهایی به کلاس می‌آیم، به خرید می‌روم و کارهای شخصی‌ام را خودم انجام می‌دهم. اعتمادبه‌نفس خوبی پیدا کردم به‌طوری‌که یک هفته خانواده‌ام به مسافرت رفتند و من در خانه تنها ماندم. فاطمه در نمایشگاه‌های مختلفی هم شرکت کرده‌است. او می‌گوید: دو بار در نمایشگاه‌های نقاشی شرکت کرده‌ام و اخیراً در نمایشگاهی که در برج میلاد با موضوع جشنواره صلح برگزار شد، یک تابلو داشتم. در این نمایشگاه که نقاشان از تمام کشور شرکت کرده بودند از کلاس ما سه نفر شرکت داشتند که با کمک استادان تابلوهایی با موضوع صلح کشیدیم و در این نمایشگاه شرکت کردیم. فاطمه دیپلم هنر دارد ولی چون نشستن به مدت طولانی برایش سخت است، از ادامه تحصیل دانشگاهی منصرف شده‌است. او می‌خواهد کار نقاشی را ادامه بدهد و با راهنمایی استاد قطبی‌نژاد سبک‌های جدید و مدرن را بیاموزد چون به نظر او هنر انتهایی ندارد و هرروز سبک‌های جدیدی از راه می‌رسد که می‌توان آن‌ها را آموخت. فاطمه ادامه می‌دهد: همیشه به افراد دارای معلولیت و علاقه‌مند به نقاشی توصیه می‌کنم که از امکاناتی که مرکز رعد برایشان ایجاد کرده‌است استفاده کنند. من برای رسیدن به این مرحله و یادگرفتن هنر نقاشی زحمت زیادی کشیدم و دوست دارم بقیه دوستانم هم به این مرحله برسند. من با حضور در مرکز رعد و شرکت در این کلاس‌ها واقعاً خودم را شناختم و اعتقاد بیشتر شد و احساس می‌کنم به خدا نزدیک‌تر شدم. حالا می‌دانم که با وجود داشتن مشکل در پاهایم، ولی من دست دارم، چشم دارم، فکر دارم و با آنچه که دارم، می‌توانم خیلی کارها انجام دهم.

• امیدوارم بتوانم احساساتم را از طریق نقاشی بیان کنم

معصومه مظفیری، از چهارماهگی دچار فلج اطفال بوده‌است. او تا مقطع دیپلم درس خواند و بعدازآن به دلیل پارگی شبکیه چشم تحت عمل جراحی قرار گرفت و دیگر نتوانست ادامه تحصیل دهد. او که از بعد از گرفتن دیپلم خانه‌نشین شده‌بود، در سال ۸۶ به‌طور اتفاقی با مرکز رعد آشنا شد. آن زمان سرویس‌های رفت‌وآمد رعد تا میدان آزادی بود و منزل او در جاده مخصوص بود. تا اینکه از طریق تلویزیون با سرویس‌های بهزیستی برای رفت‌وآمد معلولان آشنا شد و از این طریق به رعد آمد و در کلاس





فاطمه رباط جزئی،
قبل از آمدنم به رعد، خیلی از کارهای
شخصی ام را نمی توانستم انجام
بدهم چون بعد از نخاعی شدنم تا
چند سال افسرده بودم و حتی از خانه
بیرون نمی آمدم. وقتی به کلاس های
کاردرمانی و فیزیوتراپی در رعد آمدم
زندگی ام تغییر کرد و وقتی به کلاس
نقاشی آمدم روحیه ام به کلی عوض
شد

رفت و آمد برایش سخت بود، ادامه تحصیل نداد. غزاله در رشته هنرهای تجسمی دانشگاه علمی کاربردی رعد هم قبول شد ولی به دلیل اینکه دانشگاه رفتن برایش سخت بود به جای آن در کلاس های نقاشی مجتمع رعد نام نویسی کرد و حالا از هنر جوان این کلاس است. غزاله در مورد چگونگی آشنا شدنش با موسسه رعد می گوید: یکی از دوستانم به نام ساناز پناهی که برای کاردرمانی به این مرکز می آمد، رعد را به من معرفی کرد و گفت، اگر به نقاشی علاقه داری می توانی در کلاس های مجتمع شرکت کنی. الان دو سال است که به کلاس نقاشی می آیم و خیلی برایم مفید بوده است. تازه دارم کار را با کمک استاد به صورت اصولی یاد می گیریم. الان طراحی، نقاشی سیاه قلم و پرتره کار می کنم. غزاله در مورد نقشی که آموزش نقاشی برای او در زندگی ایفا کرده می گوید: وقتی دیپلم گرفتم تا مدتی اصلاً بیرون نمی رفتم و منزوی شده بودم چون از برخورد مردم ناراحت می شدم. مادرم به زور مرا با خودش بیرون می برد. ولی از وقتی که به رعد آمدم، روحیه ام خیلی تغییر کرده است گرچه در اینجا هم زیاد از کلاس بیرون نمی روم. ولی در خانه همیشه نقاشی می کشم چون نقاشی کردن به من آرامش می دهد و به من کمک می کند که اعصابم آرام شود. غزاله دوست دارد طراحی صورت را کاملاً یاد بگیرد و بعد هم سیاه قلم کار کند. او قبلاً رنگ و روغن را کار کرده و الان بیشتر به سیاه قلم علاقه دارد.

هم برای تقویت حافظه مفید است و هم مانع افسردگی می شود. این هنرجوی هنرمند ادامه می دهد، من به دلایلی دوره ای از افسردگی را تجربه کرده ام و اتفاقاتی باعث شد که روحیه ام را از دست بدهم و تحت درمان پزشکی قرار گرفتم. من این تجربه را داشته ام و دوست ندارم دوباره به این حالت برگردم. دوست دارم که از طریق نقاشی ذهنم را درگیر کنم. می دانم که نقاشی برای حالم خوب است چون وقتی انسان اثری را خلق می کند شادی و نشاط بی نظیری در او به وجود می آید. امیدوارم بتوانم یادگیری نقاشی را ادامه بدهم. اگر رفت و آمد برایم راحت تر بود دوست داشتم که از کلاس های دیگر مرکز هم استفاده کنم.

• نقاشی کردن به من آرامش می دهد و به من کمک می کند که اعصابم آرام شود

تاندون پشت پای غزاله مددی از اول ابتدایی شروع به کوتاه شدن کرد. پس از مراجعه به پزشک معلوم شد که او دچار میوپاتی پیش رونده است که درمانی ندارد. خانواده او را به پزشکان مختلفی بردند و او تحت عمل های جراحی هم قرار گرفت. در کودکی به دلیل ضعف ریه، گفته بودند که بیش از دو سه سال زنده نمی ماند. غزاله به دلیل بیماری جسمی و مشکلات تنفسی اش مجبور شد به مدرسه استثنایی برود. او در مدرسه توانخواهان درس خواند و دیپلم گرفت و پیش دانشگاهی را در بیرون از این مدرسه گذراند و در دانشگاه در رشته مدیریت کارآفرینی قبول شد. ولی چون

نقاشی نام نویسی کرد. معصومه در همه دوره های کلاس نقاشی که شامل؛ رنگ و روغن و سیاه قلم بود شرکت کرد ولی چون سیاه قلم به چشمش آسیب می رساند، رنگ و روغن را ادامه داد. معصومه ادامه می دهد: استاد قطبی نژاد به من گفت که با توجه به وضعیت چشمت بهتر است یک نوآوری از خودت در نقاشی داشته باشی و سعی کنی ذهنیات خودت را بر روی کاغذ بیاوری. او می گوید: به توصیه ایشان من سعی می کنم اطلاعات و سوادم را در مورد نقاشی مدرن افزایش دهم و در این سبک بیشتر کار کنم. الان بیشتر در اینترنت جست و جو می کنم و موضوعات و مطالب مختلف در مورد نقاشی را می خوانم، در کنارش کار نقاشی را هم انجام می دهم.

نقاشی او هم در برج میلاد با موضوع صلح به نمایش درآمده و او هم از طریق تابلوهایش در آمد داشته است. او در مورد نقاشی و نقشی که برایش ایفا کرده می گوید: نقاشی هنری است که با روح انسان سروکار دارد. فرد می تواند احساساتش را و آنچه در ذهن دارد، چه حس شادی و چه ناراحتی خودش را روی بوم بیاورد. معصومه ادامه می دهد، وقتی در این رشته پیشرفت می کنیم به مرحله ای می رسیم که می توانیم آنچه در درونمان می گذرد را نقاشی کنیم و احساس خود را از این طریق بیان کنیم. او می گوید، من امیدوارم با کمک و راهنمایی استاد قطبی نژاد به این مرحله برسیم و آنچه را یاد گرفته ام را سازمان دهی کنم و بتوانم احساساتم را از طریق نقاشی بیان کنم. نقاشی



سعیده دشتبانی متولد سال ۱۳۶۳ در شهر کرمانشاه است. او یک خواهر و یک برادر کوچک‌تر از خودش دارد. خواهر او فوق‌لیسانس اقتصاد از دانشگاه علامه و برادرش هم دانشجوی است. سعیده به دلیل فلج مغزی در بدو تولد از ناحیه صورت با حرکات اضافی روبه‌رو بود ولی این نقص ظاهری مانعی برای رشد و شکوفایی او نشد و توانست با تلاش بیشتر به استقلال فردی برسد. او مدرک کارشناسی نرم‌افزار کامپیوتر را دارد و دو سال است که در شرکت چارگون به‌عنوان برنامه‌نویس کامپیوتر مشغول به کار می‌باشد. سعیده با رویکرد اشتغال حمایت شده از طرف مرکز رعد به این شرکت معرفی شد و در محیط کار مورد حمایت کاریار خود قرار دارد.



سعیده دشتبانی، کارمند شرکت چارگون

با حمایت‌های کاریارم توانستم به کارم ادامه دهم

دوران تحصیل خود را چگونه گذرانده‌اید؟ آیا برخورد دانش‌آموزان و معلمان با شما مناسب بود؟

با وجود اینکه من مشکل مادرزادی فلج مغزی دارم ولی به دلیل رفتار خانواده‌ام هیچ‌گاه احساس نکردم با دیگران تفاوتی دارم. من در مدارس عادی درس خواندم و خیلی از کارهایی که دوست داشتم را انجام می‌دادم. خیلی زود دوست پیدا می‌کردم و در برنامه‌های تابستانی و تفریحی مدرسه مثل اردوها شرکت می‌کردم. تا کلاس پنجم دبستان اصلاً نمی‌دانستم که تفاوتی با بقیه بچه‌ها دارم اگر می‌دیدم که دوستی از من بهتر می‌پرد یا بهتر لی‌لی می‌کرد فکر می‌کردم که این فرد تیرین بیشتری نسبت به من دارد. اصلاً فکر نمی‌کردم که شاید به دلیل نقص و یا مشکل جسمی‌ام از او عقب‌تر هستم. من هیچوقت با همکلاسی‌هایم در مدرسه مشکل نداشتم. مشکل من با بزرگترها بود. یادم می‌آید که همراه مادرم برای ثبت‌نامه در کلاس پنجم

و روی پای خودم بایستم بود. خود من به دلیل برخوردهای نامناسب عده‌ای از مردم، از کار کردن در فضاهای عمومی وحشت داشتم ولی چون نمی‌خواستیم مادرم را نگران کنم، این موضوع را به او نمی‌گفتم. در همان ایام از طریق ارتباط با مرکز فنی و حرفه‌ای استان همدان در کلاس‌های طراحی شبکه نام نویسی کردم و آموزش این رشته را شروع نمودم. بعدها به پیشنهاد یکی از استادانم سعی کردم نرم‌افزار امین اموال را برای آن سازمان طراحی کنم. طراحی این نرم‌افزار را شروع کرده بودم که به دلیل انتقال پدرم به تهران مجبور به رها کردن آن شدم. در تهران تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گرفتم. در کلاس‌های آمادگی کنکور شرکت کردم باوجود اینکه در آزمون بعضی از دانشگاه‌ها قبول می‌شدم چون دوست داشتم در دانشگاه‌های بهتری ادامه تحصیل دهم و رتبه‌ام کافی نبود، ادامه تحصیل دانشگاهی را رها کردم.

کمی از زندگی خود برایمان بگویید؟

من در استان کرمانشاه متولد شدم ولی به خاطر شغل پدرم در شهرستان‌های مختلف زندگی کرده‌ام و هر دوره از زندگی‌م را به همراه خانواده در شهری گذرانده‌ام. حالا چند سالی است که در تهران زندگی می‌کنیم. بعد از کرمانشاه به تبریز رفتیم و از سال سوم دبیرستان تا پایان دوره کاردانی در این شهر درس خواندم و مدرک‌م را از دانشگاه تبریز دریافت کردم. بعد به سمنان منتقل شدیم و دوره کارشناسی را در دانشگاه دامغان که نزدیک‌ترین شهر به سمنان بود گذراندم. در این دو سال در خوابگاه زندگی می‌کردم. قبل از پایان تحصیلاتم به دلیل انتقال پدرم به شهر همدان، خانواده به این شهر رفتند و من هم پس از پایان تحصیل به آنها ملحق شدم. در همدان به مراکز زیادی برای پیدا کردن کار مراجعه کردم. البته پیگیری من بیشتر به خاطر مادرم که اصرار داشت استقلال مالی پیدا کنم



دبستان به مدرسه‌ای مراجعه کردیم وقتی مدیر مدرسه مرا دید به مادرم گفت، دخترت را بردار و برو، من او را در این مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنم! در حالی که معدل من در چهار سال اول دبستان همیشه بالای نوزده بود و از شاگردان خوب به شمار می‌آمدم. در محیط دانشگاهی مشکلی نداشتم و با اساتید و دانشجویان خیلی راحت بودم. باهم اتاقی‌های خوابگاهی‌ام هم روابط خوبی داشتیم.

به نظر می‌آید که در تهران با مرکز رعد آشنا شدید. این آشنایی چگونه شکل گرفت؟

در تهران در کلاس‌های مراکز فنی و حرفه‌ای نام‌نویسی کردم و از طریق آنها با مرکز رعد آشنا شدم. در ابتدای ورودم به رعد با دیدن این همه افرادی که معلولیت داشتند و مثل خودم بودند جا خوردم و حضور در چنین مکانی برایم دشوار بود. ولی به تدریج خودم را وفق دادم و در کلاس‌هایی چون؛ زبان و کورل ثبت‌نام کردم و هم‌زمان هم به عنوان استاد حل‌تمرین یا دستیار استاد برای دانشگاه علمی کاربردی رعد درخواست کار فرستادم. بعد از مدتی با من تماس گرفته شد و برای مصاحبه دعوت شدم. در این مصاحبه با مهندس محسن توسلی آشنا شدم. ایشان که در حوزه‌ی برنامه‌نویسی کامپیوتر تخصص داشت سعی در تغییر نگرش من و تشویق به سوی اشتغال کرد. بعد از دو ماه و نیم راضی شدم که به دنبال آموزش‌های تکمیلی برنامه‌نویسی بروم. البته در دانشگاه دوس برنامه‌نویسی را گذرانده بودم ولی این آموزش‌ها با آنچه برای بازار کار مورد نیاز است متفاوت بود. به‌رحال با راهنمایی ایشان طراحی برنامه نرم‌افزار ماشین حساب را شروع طراحی کردم. با کمک ایشان یک برنامه فرهنگ لغت (دیکشنری) را هم تهیه کردیم. روی چند نرم‌افزار دیگر هم کار کردیم و بعد به این فکر افتادیم که نرم‌افزار مک‌فا، که رعد از آن استفاده می‌کرد را در سطح ویندوز برای ارسال پیامک‌های انبوه را طراحی کنیم. یک‌سری تغییراتی در آن ایجاد کردیم و بالاخره بعد از یک سال و نیم، توانستیم برنامه قابل‌قبولی را طراحی کنیم. در طول این مدت با شرکت چارگون و آقای شاهین طبری آشنا شدم. ایشان یک‌سری کلاس با عنوان؛ آینده برتر، رزومه‌نویسی و ...

افرادی مانند من

که به نوعی با معلولیت یا مشکل جسمی روبه‌رو هستند به دلیل بینشی که از طریق جامعه به آن‌ها القاشده، گاهی در محیط کار احساس تنهایی می‌کنند و نیاز دارند که مورد حمایت قرار گیرند

کاربار چه نقشی برای شما در محیط ایفا میکند؟

در محیط کار گاهی وقت‌ها افرادی که معلولیت دارند کمبود دانش و مهارت خود را به مشکل جسمی خود ربط می‌دهند! من در چنین مواردی مشکل را با کاربام در میان می‌گذارم که اگر از چنین حمایت‌هایی برخوردار نبودم، شاید تا به حال کارم را رها کرده بودم! کاری که بر عهده من است، بسیار سنگین است و گاهی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوم، ولی خدا را شکر می‌کنم که با حمایت‌هایی که از من می‌شود کارم را رها نکرده‌ام.

این مشکلاتی که به آن اشاره کردید، آیا به کمبود دانش حرفه‌ای شما مربوط است یا به مسائل روحی و ارتباطی با دیگران در محیط کار؟ حتماً مقداری از این مشکلات به پایین بودن دانش علمی و مهارت‌های من مربوط می‌شود ولی وقتی احساس ناتوانی در انجام صحیح وظایفم می‌کنم، نگرانی از اینکه ممکن است از کار برکنار شوم، بسیار آشفته‌ام می‌کند. البته شاید دیگران هم با چنین نگرانی‌هایی روبه‌رو شوند ولی فردی مانند من که ناتوانی‌هایی دارد، این مساله را برای خودش بزرگ‌تر هم می‌کند. حالا فرض کنید یک روز با این مشکلات و نگرانی‌ها از شرکت خارج می‌شوم و در مسیرم با افراد مختلف و با هزار جور نگاه متفاوت برخورد می‌کنم، کافی است هنگام سوار شدن به تاکسی یک نفر به نحوه سوار شدن من اعتراض کند یا نگاه تحقیرآمیزی به من بکند و یا حتی سرش را تکان دهد، چنین رفتاری باعث می‌شود که من با توجه به مشکلات جسمی که دارم و مشکل کاری که در محیط برایم پیش آمده به این فکر بیافتم که اصلاً بهتر است دست از کار بکشم و در خانه و بنشینم! من این فرد را نمی‌شناسم و نمی‌دانم سطح درک و سوادش در چه حد است ولی یک چنین رفتاری باعث می‌شود که من آسمان و ریسمان را به هم ببافم و از کار کردن ناامید شوم. حالا اگر یک روز حالم خوب باشد هیچ‌یک از این رفتارها در من تأثیر بد نمی‌گذارد ولی وقتی حالم خوب نیست، نیاز دارم با کسی درد دل کنم و از او راهنمایی بگیرم.

را در رعد برگزار می‌کردند. در این کلاس‌ها شرکت کردم و بعد از انجام مصاحبه، از اسفندماه سال ۹۱ تا سال ۹۴ در ارتباط با شرکت چارگون قرار گرفتم. از دی‌ماه ۹۴ یک ماه به‌عنوان کارورز در این شرکت فعالیت کردم و بعد از آن هم به‌صورت رسمی وارد چارگون شدم.

رویکرد جدیدی که در مرکز رعد در حال اجرا است، اشتغال حمایت‌شده است. آیا شما از این طریق به شرکت چارگون معرفی شدید و توسط کاربام حمایت می‌شوید؟

بله. من به چارگون معرفی شدم و توسط خانم چهره‌نگار (مشاور رعد) که کاربام هستند در محیط کار حمایت می‌شوم و البته روابط دوستانه‌ای هم میان ما به‌وجود آمده است که برای من خیلی ارزش دارد. افرادی مانند من که به نوعی با معلولیت یا مشکل جسمی روبه‌رو هستند به دلیل بینشی که از طریق جامعه به آن‌ها القا شده است، گاهی در محیط کار احساس تنهایی می‌کنند و نیاز دارند که مورد حمایت قرار گیرند. البته در شرکت چارگون افرادی هم هستند که به مشکلاتی که در کار برایم پیش می‌آید، به آنها مراجعه می‌کنم و راهنمای می‌شوم، ولی نوع ارتباطم با کاربام از نوع دیگری است. شرکت چارگون دارای حوزه‌های متفاوتی است در حوزه لجستیک که من در آن هستم چهار نرم‌افزار وجود دارد که شامل؛ نرم‌افزار اموال، انبار، خرید تدارکات و املاک است. نرم‌افزار املاک را من طراحی کردم و خودم هم مسئول آن هستم. این نرم‌افزارها فرزندان ما هستند چون ما آن‌ها را خلق می‌کنیم و توسعه می‌دهیم.



در چنین مواردی چه راهنمایی‌هایی از طرف کاریار به شما داده می‌شود؟

این که افراد متفاوت با نگاه‌های متفاوتی در کره زمین زندگی می‌کنند و هریک از آنها هم با مشکلاتی در زندگی خود مواجهند. مشکلاتی که شاید به چشم نیایند. فرق تو با آنها این است که مشکل تو دیده می‌شود ولی مشکلات بقیه دیده نمی‌شود. پس نباید برخورد غلط هیچکس با تو بتواند در زندگی نقش پیدا کند و از روی عصبانیت به تصمیم نادرستی منجر شود. این مشورت‌ها باعث می‌شود که من آرام بشوم و دوباره به کار ادامه بدهم. البته می‌دانم که چنین رفتارهایی بازهم تکرار خواهند شد. ولی دیدگاه‌هایی که از کاریارم یا از رعد گرفته‌ام، به من کمک می‌کند که قوی‌تر باشم و اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشم.

اگر در کار حرفه‌ای خود دچار مشکل باشید، آیا امکان آموزش دیدن و آموزش تکمیلی در رعد برای شما وجود دارد؟

من کار برنامه‌نویسی را در رعد و با آقای توسلی شروع کردم و اکنون هم اگر در برنامه‌نویسی یا کد نویسی به مشکلی برخورد کنم، از ایشان راهنمایی می‌گیرم. البته شرکت چارگون شرکت بسیار خوبی است و همکاران بسیار خوبی هم دارم و کمتر پیش می‌آید که نیاز داشته باشم از افرادی بیرون از شرکت کمک حرفه‌ای بگیرم. فقط گاهی نیاز دارم که از لحاظ روحی تقویت شوم و اعتماد به نفسم بالاتر رود. ولی برای سایر کارآموزان رعد برگزاری کلاس‌های آموزشی و تکمیلی می‌تواند خیلی راهگشا باشد، چون رعد در این زمینه تجارب خوبی دارد.

بعد از گذراندن این مدت آیا با نگرش مهندس توسلی که شما را به کار کردن به جای بیشتر درس خواندن و مدرک گرفتن ترغیب کرد، موافق هستید؟

بله. با توصیه ایشان کاملاً موافقم. خودم هم به همین نتیجه رسیده‌ام و به دیگران هم توصیه می‌کنم. داشتن مدرک، آن قدرها که مهارت لازم است، ضروری نیست. اگر افراد مهارت حرفه‌ای داشته باشند خیلی راحت می‌توانند جذب بازار کار شوند. داشتن علم و مدرک یک پیش‌نیاز است ولی برای ورود به کار کافی نیست. من مدرک کارشناسی دارم ولی هیچکس از مدرکم نپرسید؟

در محیط کار
بیشتر به دنبال این بودند که ببینند چه کاری بلد هستم، چگونه می‌توانم حل مسئله کنم، چگونه می‌توانم خودم را با نیاز کارفرما و مشتری تطبیق دهم، چگونه کاری که به من محول شده است را انجام می‌دهم، چگونه با همکارانم ارتباط برقرار می‌کنم؟

بیشتر دنبال این بودند که ببینند چه کاری بلد هستم، چگونه می‌توانم حل مسئله کنم، چگونه می‌توانم خودم را با نیاز کارفرما و مشتری تطبیق دهم، چگونه کاری که به من محول شده است را انجام می‌دهم، چگونه با همکارانم ارتباط برقرار می‌کنم؟

ارتباط شما با همکاران در محیط کار چگونه است؟

ارتباط ما بسیار خوب و دوستانه است. من کسی بودم که قبلاً در ایجاد ارتباط با افراد دیگر مشکل داشتم ولی پس از شرکت در کلاس‌های هوش هیجانی در رعد این فرصت برایم ایجاد شد که با بچه‌های کلاس ارتباط بگیرم. زمانی در رعد به‌عنوان مربی روبیک کار می‌کردم و همین باعث شد که الان بتوانم با همکارانم ارتباط خوبی برقرار کنم.

آیا ایجاد ارتباط دوستانه با همکاران در محیط کار باعث افزایش اعتماد به نفس شما شده است؟

از زمانی که من سرکار آمده‌ام اعتماد به‌نفس خیلی بالاتری پیدا کرده‌ام. پس از فارغ‌التحصیلی چند ماه از خانه بیرون نمی‌آمدم چون کار پیدا نکرده بودم. بارها به بهزیستی مراجعه کردم که بتوانم از آنجا کاری پیدا کنم ولی می‌دیدم افراد تندرست نشسته‌اند و کاری را که من هم می‌توانم انجام بدهم را انجام می‌دهند، در صورتی که من کار در بهزیستی را حق امثال خودم

می‌دانستم. زمانی می‌گفتم که به خاطر مادرم دنبال کار هستم! چون برخوردهای تبعیض‌آمیز را می‌دیدم و نمی‌خواستم با این رفتارها مقابله کنم، می‌گفتم کار کردن را دوست ندارم! ولی مگر می‌شود کسی از کار کردن و به دست آوردن استقلال مالی بدش بیاید؟ کار به من استقلال شخصیتی و مالی داد تا جایی که حالا به این فکر می‌کنم که روزی بتوانم خانه‌ای بگیرم، بتوانم رانندگی کنم و با ماشین خودم سرکار بیایم و بروم، مانند بقیه همکارانم.

یکی از آرزوهای دیگرم این است که مردم با نگاه متفاوتی به ما نگاه نکنند. وقتی فردی به من زل می‌زند هرچقدر هم که بی‌تفاوت باشم در آن لحظه حرکات صورتم بیشتر می‌شود. گاهی در همچنین مواردی من هم به این فرد زل می‌زنم و می‌بینم که این فرد هم خودش را گم می‌کند، با اینکه از نظر جسمی تندرست است.

چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت خود دارید؟

ما همیشه نشسته‌ایم و منتظریم که معجزه‌ای برایمان رخ بدهد. در صورتی که هیچ‌گاه معجزه خود به‌خود رخ نمی‌دهد. معجزه این است که من از خانه بیرون بیایم، سوار ماشین بشوم، در جایی کارکنم و نرم‌افزاری را خلق کنم، به این معجزه می‌گویند. معجزه در ذهن و فکر من رخ می‌دهد. این فکر من است که مرا بالا می‌کشد. فکر و ذهن من به این نگاه نمی‌کند که چه مشکل جسمی دارم، به این نگاه می‌کند که من چه توانایی‌هایی دارم و برای چه تلاش می‌کنم؟ توصیه من به دوستان این است که روی خودشان کار کنند. ما نمی‌توانیم فکر بقیه را تغییر دهیم ولی می‌توانیم فکر خودمان را تغییر دهیم. وقتی من طرز تفکرم را عوض کردم، به‌راحتی توانستم با شرایط خودم کنار بیایم و با حضور در جامعه توانستم به استقلال مالی برسم.

و صحبت آخر؟

امیدوارم افراد دارای معلولیت بتوانند به آرزوهایشان برسند و امیدوارم روزی خودم بتوانم به سطحی برسم که کاری که رعد برای من انجام داد را برای دوستان دارای معلولیت خودم انجام دهم.



چرخه شوم فقر و معلولیت

از جمله این موانع هستند که به فقیر شدن افراد دارای معلولیت کمک بسیار زیادی می‌کنند. اجرای سیاست‌های خوداشتغالی ناکارآمد و فراهم کردن زمینه‌های خروج معلولینی که در طمع وام‌های خوداشتغالی ناکافی از چتر حمایتی سازمان بهزیستی خارج می‌شوند یکی دیگر از موانع کمتر بررسی‌شده است که در درازمدت باعث ایجاد مشکلات متعدد برای آنها می‌شود و زمینه‌های فقیرتر شدن این قشر را به راحتی فراهم می‌کند. افراد دارای معلولیت در وهله اول نیاز به مهارت‌آموزی دارند که اصولاً این سیاست‌ها به دلیل عدم وجود سیستم‌های حمل‌ونقل مناسب تنها شامل افرادی می‌شود که دارای تحرک جسمی و معلولیت‌های متوسط هستند. در اینجا باز هم شرایط برای ورود معلولان با شدت معلولیت شدید به زیرخط فقر فراهم است. به نظر می‌رسد در برنامه‌های حمایتی از افراد دارای معلولیت‌های شدید که شرایط حادثی برای سقوط به زیرخط فقر دارند تدبیری اندیشه نشده است. حمایت از مؤسسات خیریه در جهت حل مشکلات پیش روی مهارت‌آموزی افراد با معلولیت‌های شدید و ترویج آموزش‌های مجازی برای افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان می‌تواند تا حدی از بروز مشکلات بعدی پیش‌گیری کند.

درک واقعیت‌های موجود

اعمال سیاست‌های حمایتی بدون توجه به شرایط جامعه و جامعه هدف و واقعیت‌های موجود راه به جایی نخواهد داشت. افراد دارای معلولیت در وهله اول به دلیل عدم دسترسی به منابع موردنیازشان به خاطر عدم وجود مناسب‌سازی چهار محدودیت‌های اثرگذار هستند. در رابطه با این افراد یکی از اقدامات درستی که در دست انجام است وجود سیستم توان‌بخشی مبتنی بر جامعه است و تحکیم این موضوع و اجرای صحیح آن توسط تسهیل‌گران آموزش‌دیده محلی می‌تواند اتفاقی بزرگ در این حوزه را رقم بزند. این افراد در صورت داشتن مهارت‌های لازم می‌توانند عوامل تأثیرگذار بر فقیرتر شدن افراد دارای معلولیت را شناسایی و به کمک دستگاه‌های مربوطه در جهت حذف آن‌ها اقدام کنند. واقعیت این است برای کنترل جمعیت افرادی که وارد چرخه فقر و معلولیت می‌شوند برنامه‌های حمایتی ویژه برای تأمین تجهیزات توان‌بخشی و مهارت‌آموزی نیاز است. توجه به پتانسیل‌های هر منطقه جغرافیایی و کمک به افراد فقیر در داشتن اشتغال پایدار و یا کسب مهارت‌های لازم برای خوداشتغالی پایدار می‌تواند در جهت فقرزدایی بسیار تأثیرگذار باشد و بر اساس تحقیقات انجام‌شده تعارف و واقعیت‌های خوداشتغالی در سال‌های اخیر بسیار تغییر کرده‌اند و نیاز است تا کارشناسان و برنامه‌های حمایتی در این حوزه واقعیت‌های روز دنیا را بپذیرند و در جهت استفاده درست از آن‌ها برنامه‌های گذشته را به‌روز رسانی کنند. یکی از این واقعیت‌ها بسترهای نامحدودی است که فضای مجازی ایجاد کرده است و می‌تواند در صورت برنامه‌ریزی درست تحولی در چرخه فقر و معلولیت باشد.

سعید ضروری، روزنامه‌نگار

افراد دارای معلولیت بزرگ‌ترین اقلیت جهان را تشکیل می‌دهند. بر اساس تعاریف مختلف تعداد افراد دارای معلولیت در جهان بین ۱۰ تا ۱۵ درصد تخمین زده می‌شوند که بیشتر این افراد در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند و به نوعی دچار فقر هم هستند. معلولیت و فقر در ارتباط مستقیم با هم قرار دارند و افراد فقیر بیشتر از سایر افراد جامعه در معرض معلولیت قرار دارند و از طرف دیگر افراد دارای معلولیت هم پتانسیل بالایی برای فقیر شدن دارند. چرخه فقر و معلولیت باعث شده است تا تحقیقات و اقدامات زیادی در دنیا برای شکستن این چرخه انجام شود. اما تعداد افرادی که هرروز با معلولیت وارد دنیای فقر می‌شوند و یا افراد فقیری که به دلیل عدم دسترسی به تغذیه مناسب، خدمات درمانی، سبک زندگی و سایر عوامل هرروز وارد دنیای معلولیت می‌شوند در کشورهای درحال توسعه را پایانی نیست.

فقرایی که معلول می‌شوند

بروز معلولیت‌های جسمی حرکتی دلایل مختلفی دارد که در بسیاری از موارد می‌توان جلوی بسیاری از آن‌ها را با برنامه‌ریزی‌های صحیح و عملی و اجرایی گرفت. افرادی که به دلایل مختلف مانند جنگ و سیاست‌های نادرست اقتصادی زیرخط فقر می‌روند در معرض انواع آسیب‌های جسمی حرکتی قرار می‌گیرند. در نبود برنامه‌های حمایتی و با اجرای ناصحیح آن‌ها، افرادی که بر روی خط فقر و زیرخط فقر قرار دارند با سرعت بیشتری به سمت معلولیت‌های مختلف حرکت می‌کنند. افراد فقیر به دلیل ناتوانی در تأمین مایحتاج زندگی در شرایط پرخطری قرار می‌گیرند. ورود به کسب‌وکارهای خطرناک و نایمن، کارکردن در هر شرایطی، زندگی در مناطق پرخطر با ریسک ابتلا به انواع بیماری‌ها، طی نکردن مراحل درمان در صورت بیماری تنها بخشی از مواردی است که باعث می‌شود افراد فقیر دچار معلولیت‌های اکتسابی شوند. در چنین شرایطی شناسایی افراد در مرز فقر و ارائه برنامه‌های حمایتی ویژه باعث می‌شود رشد جامعه فقرا محدود شده و از ورود آنها به زیرخط فقر جلوگیری شود. فراهم کردن امکانات درمانی برای بیماری‌هایی که به معلولیت منجر می‌شوند به صورت رایگان و البته مناسب برای افراد در معرض خطر می‌تواند تا حد زیادی از بروز چنین اتفاقی جلوگیری کند. ارائه مشاوره‌ها و آگاهی بخشی به چنین افرادی از طریق دستگاه‌های حمایتی مربوطه می‌تواند باعث افزایش سطح آگاهی افراد با توان مالی ضعیف شود.

معلولینی که فقیر می‌شوند

افراد دارای معلولیت در هر جامعه‌ای جزو آسیب‌پذیرترین اقشار هستند که با تلنگری به راحتی به زیرخط فقر می‌روند. در جوامعی که بسترهای حضور اجتماعی آنها در جامعه فراهم نیست و با موانع مختلف محیطی و اجتماعی مواجه هستند شرایط برای سقوط به زیرخط فقر فراهم است. ناتوانی در کسب مهارت‌های لازم برای داشتن شغل، نامناسب بودن فضاهای کاری برای اشغال معلولان و نامناسب بودن سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی





قضایای غلط

لذتبخش نبود. به یاد درس مبانی عرفان و تصوف افتادم؛ درسی که شاید به خاطر علاقه به آن ادبیات را انتخاب کردم اما وقتی دیدم استاد آن درس حاضر نیست به سؤالاتی که یک معلول جسمی حرکتی پاسخ دهد دلشکسته شدم و بیشتر کلاس‌هایم را غیبت کردم و با اینکه علت غیبت‌هایم را به او گفتم تا پایان دوره کارشناسی در هیچ کلاسی به من گوش نداد. با این همه شگفتی از دانسته‌های بسیاری مرا وادار می‌کرد که باز با او کلاس بردارم. بالاخره به ترمینال آزادی رسیدم. کلاه را روی سرم محکم کردم و به سمت اتوبوس رجایی شهر رفتم. به یاد رانندگانی افتادم که به خاطر وضعیت فیزیکیم از من پول نمی‌گرفتند و رانندگانی که تا مطمئن نمی‌شدند پول دارم سوالم نمی‌کردند و من مجبور بودم با هر دو گروه بحث کنم. مرور خاطرات تلخ و شیرین چهارساله ذهن و جسمم را خسته‌تر کرد و پاهایم بیشتر به زمین کشیده می‌شد. تنها آرزویم دیدن اتوبوس رجایی شهر بود. بالاخره به اتوبوس رسیدم بالای پله‌ها مردی شیشه‌عسل به دست ایستاده بود و با چرب‌زبانی می‌خواست آنها را به مسافران بفروشد. همین که پایم را روی پله اول گذاشتم، تبلیغ عسل‌هایم را قطع کرد و گفت: «برادرا، خواهرها به کمی به این بنده خدا بکنید ثواب داره»؛ چند ثانیه‌ای نگذشت که فهمیدم منظور آقا من هستم که با آن وضعیت دارم از پله‌ها بالا می‌آیم و لابد از کلاه بافتنی‌ام فکر کرده که می‌خواهم درخواست کمک مالی کنم.

کنترل عصیتم رو از دست دادم، فریاد زدم و کارت دانشجویی‌ام رو به اون و سایر مسافران نشون دادم؛ اما کارساز نبود. همین که به عقب اتوبوس می‌رفتم که صندلی خالی پیدا کنم دست‌هایی با پول خرد به طرفم آمد که بیشتر عصیتم کرد.

هوا تاریک شد. به رجایی شهر رسیدم. یادم افتاد که باید به منزل خیاط مادرم برم و لباسشو بگیرم، به در منزل رسیدم زنگ زدم. خیاط از ایفون جواب داد کیه؟ گفتم حسینی هستم لباس مادرمو می‌خوام. چند دقیقه گذشت خبری نشد. دوباره زنگ زدم ایفون را برداشت و گفت: «از پنجره می‌اندازم». گمان کردم می‌خواهد لباس را داخل نایلون بذاره و از پنجره بندازه. بالا را نگاه کردم. خانم خیاط کیسه‌ای حاوی پول خرد را به سویم پرت کرد. خنده‌ام گرفت. بلند گفتم: «شلوار رو می‌خوام». پرسید: «شام می‌خوای؟» ناگهان منو شناخت و گفت: «بخشید پسر خانم حسینی هستید؟» پایین آمد و شلوارو به دستم داد و کلی معذرت خواهی کرد.

به طرف خانه راه افتادم و در راه به اتفاقات امروز فکر کردم. به این فکر کردم که چرا خاطره آخرین روز دانشجویی یک معلول باید با دو حادثه تلخ همراه باشه؟ حوادثی که با قضاوت عجولانه مردم معلولان با افراد فقیر و بی‌بضاعت اشتباه گرفته شوند.

سید محسن حسینی (طه)

درست حدس زده بودم، می‌دانستم اگر کلاه کاموایی بر سر بگذارم به پیش‌داوری‌های غلط مردم دامن می‌زنم، و آنها بازهم معلولیت مرا به حساب تنگدستی و نداریم می‌گذارند. با این همه نتوانستم در مقابل اصرار مادرم مقاومت کنم و به او قول دادم که اگر بعد از ظهر هنگام برگشتن از دانشگاه هوا سرد بود، کلاه بر سرم بگذارم.

عصر شد از دانشکده بیرون آمدم و اگر اشتباه نکنم، آخرین روزی بود که در دوره کارشناسی سر کلاس رفتم. سوز برف می‌آمد کلاه را بر سرم گذاشتم و به راه افتادم، احساس عجیبی به من دست داد؛ احساس خستگی آمیخته با لذت از این دوره چهارساله که در دانشکده بودم و تمام سختی‌ها، رنج‌ها و تنهایی‌ها را به امید امروز سپری کردم... به یاد پدرم افتادم نخستین روزی که به دانشگاه آمدم پدرم کارت دانشجویی را به دستم داد و گفت: «خستگی‌ام در رفت.»

آری او همان پدری بود که دوازده سال با نظام آموزشی مبارزه کرد تا پسر معلولش در مدرسه عادی تحصیل کند و وارد دانشگاه سراسری شود.

آن روز انگار راه دانشگاه تا خانه، دفتر خاطراتی بود که با هر قدم من یک صفحه‌اش ورق می‌خورد. یاد نخستین روز کلاس‌هایم افتادم. وارد یک کلاس چهل نفری شدم چهل جفت چشم در یک لحظه با فردی روبه‌رو شدند که پاهایش خم و دستانش در هوا معلق بود و هنگام راه رفتن همه فکر می‌کردند الان است که نقش بر زمین شوم.

می‌دانم شاید آن روز بسیاری از آنها فکر می‌کردند او در میان ما چه می‌کند؟ اما دیری نگذشت به همه آنها نشان دادم که اشتباه نیامده‌ام.

یاد جلسه اول درس نگارش افتادم. وقتی استاد از همه خواست تا اگر شعری دارند بخوانند و من غزل مثنوی‌ام را خواندم همه نگاه‌ها نسبت به من عوض شد و بعد از مدت کوتاهی در همه دانشگاه از راهرو و سالن غذاخوری گرفته تا دستشویی، افرادی که نمی‌شناختمشان از من درباره شعرهایم سؤال می‌کردند.

به ایستگاه اتوبوس رسیدم. اتوبوس آزادی را سوار شدم و باز هم خاطرات چهارساله در ذهنم مرور شد. به یاد تنها آمدن‌ها و تنها رفتن‌های این سال‌ها افتادم و اینکه هیچ روزی نتوانستم این مسایل را به کسی بگویم که مشکلات و معلولیت‌هایم را عمیقا درک کند. شاید این تنها آمدن‌ها و تنها رفتن‌ها نعمتی بود تا بیشتر فکر کنم و بیشتر بنویسم. به یاد این افتادم که هنوز چند هفته‌ای از زندگی دانشجویی‌ام نگذشته بود که وارد مطبوعات شدم. در خانه می‌نوشتیم و در دانشگاه با ترفندهای گوناگون، دوستانم را برای پاک‌نویس کردن آنها به کار می‌گرفتم.

اما همه خاطرات این چهارسال شیرین و





دکتر نسرین مصفا مدیر موسسه اجتماعی سارا

دکتر نسرین مصفا استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران است. وی به همراه گروهی از افراد خانواده و دوستان، موسسه اجتماعی سارا را برای حمایت از دانشجویان رشته‌های مختلف که امکان کمک به آنها در موسسه وجود دارد را راه اندازی کرده‌است. در این شماره از نشریه توانیاب پای صحبت‌های این استاد روابط بین‌الملل نشستیم تا انگیزه او، خانواده و دوستانش را برای تاسیس موسسه اجتماعی سارا بپرسیم. همچنین از او بخواهیم تا از دلیل اجرایی نشدن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان برایمان بگوید. وی معتقد است کنوانسیون‌ها و قوانینی که در حمایت از گروه‌های مختلف نوشته می‌شوند حاوی واژگان زیبا و آرمانی هستند و معمولاً حمایت‌های خوبی را هم مطرح می‌کنند ولی یک شکاف اساسی با واقعیت‌های عملی دارند.

امیدواریم که از طریق این موسسه بتوانیم نام و یاد سارا مصفا را زنده نگاه داریم

سخنرانی‌های علمی برای علاقمندان و دانشجویان است.

منظور شما از مشاوره علمی چیست؟
خود من در هر ماه با تعداد زیادی از دانشجویان مواجه می‌شوم که نیاز به راهنمایی علمی دارند. مثلاً برای انتخاب موضوع پایان‌نامه یا دسترسی به منابعی نیاز به کمک دارند و مایل هستند فردی به سؤالات علمی و تحقیقاتی آنها پاسخ دهد. این افراد برای اینکه بتوانند کار تحقیقاتی خود را انجام دهند به افرادی مانند من مراجعه می‌کنند. گاهی اوقات افراد شاغل در دانشگاه‌ها به دلیل مشغله کاری زیاد و در مواردی هم به دلیل نداشتن اطلاعات کافی در زمینه مورد نظر، نمی‌توانند به دانشجویان کمک کنند. ما کمک علمی را وظیفه خود می‌دانیم. البته در این فعالیت‌ها من تنها نیستم. اعضای خانواده به خصوص خواهرم، دکتر نریمان مصفا استاد دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی و همچنین افراد دیگری نیز به ما کمک می‌کنند. ما سعی می‌کنیم

این موسسه در اصل یک خیریه علمی است و یکی از کارهای آن کمک به دانشجویان، به خصوص دختران جوانی است که نیازمند مشاوره‌های علمی یا مشاوره‌های حقوقی هستند

دانشجویان ارائه دهیم.

خانم دکتر، لطفاً در مورد فعالیت‌های موسسه اجتماعی سارا بگویید؟

کار این موسسه در درجه اول کمک به دانشجویان، به خصوص دختران جوانی است که نیازمند مشاوره‌های علمی یا مشاوره‌های حقوقی هستند. در صورت توان در زمینه روانشناسی هم دوست داریم که بتوانیم مشاوره‌هایی ارائه دهیم. از دیگر فعالیت‌های این موسسه برگزاری کارگاه‌ها و

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

نسرین مصفا، دارای دکترای علوم سیاسی و استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران هستم. از زمان کودکی و نوجوانی علاقه‌مند به فعالیت‌های اجتماعی بودم و سازمان‌ها و انجمن‌هایی را با مساعدت همکاران و دوستان تأسیس کرده‌ام. در سال ۱۳۹۲ برادرزاده‌ام سارا مصفا که پزشکی حاذق و مردمی بود، متعاقب یک حادثه در سی‌سالگی از دنیا رفت. این حادثه، بسیار تلخ و طاقت‌فرسا بود ولی به هر حال مشیت الهی بود و باید آن را پذیرفت. از آنجایی که خانواده ما علاقمند خدمت فرهنگی‌اند و همواره خادم جامعه بوده‌اند، تصمیم گرفتیم که موسسه‌ای را به یاد «سارا مصفا» تأسیس کنیم. سارا بسیار با هوش و به کارهای علمی و پژوهشی علاقه بسیار داشت. به همین دلیل خواستیم بنیاد اجتماعی سارا را تأسیس کنیم و البته بعد نام آن را به موسسه اجتماعی سارا تغییر داده شد. هدفمان این بود که هم نام و یاد او را زنده نگاه داریم و هم بتوانیم خدمات علمی و اجتماعی را به جامعه، به ویژه



دسترسی به اطلاعات علمی را به هر طریق ممکن برای افرادی که به ما مراجعه می‌کنند فراهم کنیم. در زمینه‌های مختلف علمی کتاب‌هایی را به صورت رایگان در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرند. کمک‌هایی برای تشکیل کتابخانه در نقاط دور هم انجام می‌دهیم. به خیریه‌های دیگر نیز در زمینه فراهم کردن لوازم تحصیل دانشجویان کمک می‌کنیم.

خیلی از اوقات دانشجویان در تهیه رساله‌های علمی خود و در پیدا کردن مطالب مشکل دارند که ما آنها را به کتابخانه‌های مرجع هدایت می‌کنیم. سعی داریم که فعالیت‌هایمان را منظم‌تر و بر مبنای یک نقشه راه و یا هدفمندتر دنبال کنیم.

رشته تخصصی من روابط بین‌الملل است و معلوماتی در حقوق بین‌الملل هم دارم. در این زمینه می‌توانم مشورت دهم ولی در رشته حقوق داخلی و حقوق خصوصی، دوستانی دارم که چنانچه کسی نیاز به کمک داشته باشد به آنها معرفی‌شان می‌کنیم. مشورت‌های حقوقی هم می‌دهیم. سعی می‌کنیم مشورت‌هایمان جنبه مثبت داشته باشد، چون وکلای جوان گاهی وقت‌ها تجربه کافی برای مشاوره برای امور خانواده ندارند و خیلی سریع افراد را در اختلافات خانوادگی به سمت طلاق سوق می‌دهند. در صورتی که ما سعی می‌کنیم با روش‌های مشورتی، این افراد را به زندگی خانوادگی خود برگردانیم.

ساز و کار حقوقی انجمن شما به چه شکل است؟ آیا هیات امنایی دارید که از میان آنها افراد هیات مدیره برای دوره‌های مشخصی انتخاب می‌شوند؟

ما در مجموع نه نفر هستیم که هفت نفر اعضای اصلی و دو نفر هم عضو علی‌البدل هستند. پنج نفر از این افراد اعضای خانواده و بقیه از دوستان علاقه‌مند هستند. در واقع فعالیت این موسسه در قالب یک جمع خانوادگی شکل گرفته است.

این موسسه از چه سالی آغاز به فعالیت کرده است؟

بعد از فوت دکتر سارا مصفا در ششم دی‌ماه ۱۳۹۲، با دلی غمگین تصمیم گرفتیم که چنین موسسه‌ای را ایجاد کنیم و با طی مراحل توانستیم نام آن را به ثبت برسانیم. تا به حال، با همکاری نهادهایی به خصوص کمیسیون

در هر ماه با تعداد زیادی از دانشجویان مواجه می‌شوم که برای فعالیت‌های علمی خود نیاز به کمک دارند. فردی که بتواند به سوالات علمی و تحقیقاتی آنها پاسخ دهد

این موسسه را دنبال می‌کنم. هنوز دفتر خاصی نداریم و البته کارهای موسسه را پیش می‌بریم. در مواردی هم مراجعه‌کنندگان را به دوستان وکیل معرفی می‌کنیم. افراد از طرق مختلف با ما آشنا می‌شوند. کسانی هم را خودمان در مواجهات روزمره پیدا می‌کنیم. بعضی اوقات هم دوستان و آشنایان، افرادی را به ما معرفی می‌کنند. مراجعین ما بیشتر از افراد دانشگاهی هستند.

چه برنامه‌ای برای آینده این موسسه دارید و چشم‌انداز شما چیست؟

خانواده ما اهل تفرش هستند و من دوست دارم بعد بازنشستگی، این تشکیلات را به تفرش منتقل کرده و فعالیت موسسه را در آنجا ادامه دهم. البته هنوز با این هدف فاصله زیادی داریم. من کتابخانه بزرگی دارم که امیدوارم بتوانم همراه با موسسه آن را هم به تفرش منتقل کنم و یک یادگاری از خانواده در این شهر برجای گذارم. واقعیت این است که پدر سارا که برادر بزرگ ماست از لحاظ پیشرفت علمی و فرهنگی به همه ما خیلی کمک کرده است. ما امیدواریم که از طریق این موسسه بتوانیم نام و یاد سارا مصفا را زنده نگاه داریم. امیدواریم که از این طریق بتوانیم خدمتی به مردم کشورمان بکنیم.

قبل از تاسیس انجمن سارا، با انجمن‌های دیگری هم کار کرده‌اید؟ من با دیگر همکاران اداری نهادهای علمی مختلفی را پایه‌گذاری کرده‌ام؛ مثل انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، انجمن ایرانی مطالعات زنان. عضو موسس انجمن‌های دیگری مانند؛ انجمن علوم سیاسی ایران، انجمن ایرانی روابط بین‌الملل بوده‌ام. با سمن‌هایی هم کار کرده‌ام. همیشه یک نکته را در فعالیت‌های اجتماعی مدنظر داشتم و آن این بود که اول کاری شروع شود توسعه پیدا کند و بعد به فکر ایجاد ساختار برای آن باشم، نه اینکه اول ساختار بزرگی ایجاد کنیم و اسم و رسمی را از طریق تبلیغات به هم بزنیم ولی نتوانیم از عهده آن برآیم. به نظر من از فعالیت به ساختار رسیدن عمیق‌تر و واقعی‌تر است. به‌رحال ایجاد ارتباط اجتماعی مسئولیت‌زاست. وقتی اعضای را جذب می‌کنیم، باید پاسخگویشان باشیم. چون عضویت یک رابطه دوجانبه است، هم خود موسسه مسئولیت می‌پذیرد و هم کسانی که ثبت‌نام می‌کنند و

حقوق بشر اسلامی چند برنامه علمی برگزار کرده‌ایم. در مراسم یادبود او که در حقیقت اعلام ایده تشکیل این نهاد بود سخنرانی استاد و مادر مشاوره ایران، خانم دکتر شکوه نوابی‌نژاد در مورد یک موضوع اجتماعی؛ نقش بخشش در آرامش انسان را داشتیم. جلسه دوم در مورد آثار مخرب جنگ بر بیماری‌ها بود که من و خواهرم آن را برگزار نمودیم. در جلسه سوم، استاد ارجمند، خانم دکتر نوش افرین انصاری در موضوع حقوق فرهنگی کودکان صحبت کردند. سخنرانی بعدی توسط خانم دکتر پرتو تهرانی؛ استاد دانشگاه هومبلیت المان در باره امنیت غذایی بود. در سال گذشته یک گردهمایی هم در مورد اثرات مخاصمات مسلحانه بر روی کودکان، در خانه اندیشمندان علوم انسانی با همکاری جمعی از اساتید برگزار کردیم. چندی پیش در دفتر کمیسیون حقوق بشر اسلامی هم یک نشست تخصصی در مورد حقوق افراد دارای معلولیت برگزار نمودیم. معمولاً در ایام تولد سارا، یعنی بیست و هفتم شهریور و ایام فوت او که ششم دی‌ماه است، جلسات یادبود و بزرگداشت او به همراه گردهمایی‌های علمی برگزار می‌کنیم که مورد استقبال دوستان و علاقمندان قرار می‌گیرد.

اطلاع‌رسانی شما در مورد این گردهمایی‌ها و جلسات علمی از چه طریقی انجام می‌شود و مخاطبین شما چه کسانی هستند؟

ما سایتی داریم که در آن اطلاع‌رسانی می‌کنیم. علاوه بر آن از طریق کانال‌های اجتماعی مثل تلگرام نیز اخبارمان را منتشر می‌کنیم. اکثر مخاطبان ما دانشجویان و افراد دانشگاهی هستند. البته اعضای خانواده هم در این مراسم حضور پررنگ دارند. موسسه ما فعلاً عضو رسمی ندارد. خود من بیشتر فعالیت‌های

عضو می‌شوند مسئولیت دارند. همان‌طور که گفتیم به دلایل مشکلاتی که وجود داشت هنوز ساختارمند نشده‌ایم ولی امیدوارم که به تدریج به یک ساختار مناسب برسیم.

انجمن اجتماعی سارا در قالب سمن تعریف شده است؟

بله. نام این موسسه از طریق وزارت کشور به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد ثبت شده است.

خانم دکتر! این شماره نشریه توانیاب در مورد لایحه قانون حمایت از حقوق معلولان است که به مجلس فرستاده شده است. به نظر شما به‌عنوان یک حقوق‌دان چرا چنین قانونی بعد از این همه مدت هنوز به نتیجه نرسیده است؟ آیا متن این قانون خیلی آرمان‌گرایانه و غیرقابل اجرا نیست؟

البته همان‌طوری که من گفتم حقوق‌دان نیستم و لیکن نسبت به قانون جامع حقوق معلولان تا حدودی آشنایی دارم. در ابتدا باید زمینه‌های لازم برای اجرای قانون را فراهم کرد. خیلی از مواقع شکافی بین حقوقی که مطرح می‌شود و واقعیت عملی و امکاناتی که برای تحقق این حقوق در نظر گرفته می‌شود وجود دارد. ایران متعهد اجرای کنوانسیون افراد دارای معلولیت البته با حق شرط نیز هست و فکر می‌کنم هنوز تا اجرایی شدن تمهیدات آن زمان زیادی لازم است. تلاش دولت در این زمینه وجود داشته است. اولین گزارش ایران برای اجرای کنوانسیون سال گذشته ارسال شد و کمیته آن را مورد بررسی قرارداد. نکاتی نیز به‌عنوان توصیه به ایران ارائه شد. نکاتی که در قالب سوالات و توصیه از جانب کمیته عنوان شد می‌تواند زمینه‌ساز توجه و تعامل بیشتر برای تحقق حقوق این افراد باشد. همواره یکی از دلایل اجرایی نشدن قوانین به نظر من این است که تصویب و اجرای چنین قوانینی نیاز به بودجه مناسب، افراد توانمند، بسترسازی زیادی دارد. امیدواریم که علاوه بر این قانون، برنامه ششم توسعه و همچنین حقوق شهروندی به ارتقا حمایت از افراد دارای معلولیت کمک کند.

به نظر شما مواد مندرج در لایحه حقوق معلولان تا چه حد قابل اجرا است؟

با توجه به دانش نسبی که من در حقوق بین‌الملل دارم می‌گویم که باید به این مساله توجه داشت که

ما سایتی داریم
www.sarainstitut.ir که در آن
اطلاع‌رسانی می‌کنیم. علاوه بر
آن از طریق کانال‌های اجتماعی
مثل تلگرام نیز اخبارمان را
منتشر می‌کنیم

تفاوتی است که افراد دارای معلولیت و غیرمعلول در دسترسی به امکانات دارند. در همین دانشکده حقوق و علوم سیاسی ما تعداد زیادی حقوق‌دان داریم. ولی افرادی که معلولیت دارند، در همین دانشکده مشکلات زیادی دارند. امکانات بهداشتی مناسب، کلاس‌های مجهز به سیستم بریل، مناسب‌سازی محیط خیلی مهم است. در ارتباط با اجرای قوانین، ایجاد امکانات بسیار اهمیت دارد.

همیشه وقتی تفاوت میان انتظارات و امکانات زیاد باشد، ایجاد ناراحتی می‌کند. وقتی انتظارات را بالا ببریم ولی امکانات مناسب برای دسترسی به آن انتظار، وجود ندارد مشکلاتی به وجود می‌آید.

چه آرزویی برای انجمن سارا دارید؟

ابتدا اینکه نام و یاد سارا مصفا را زنده نگه داریم و در مرحله دوم بتوانیم فعالیت موسسه اجتماعی سارا را گسترش بدهیم و به اهدافی که ایشان داشت برسیم. سارا به خدمت به سالمندان نیز علاقه بسیاری داشت و ما هم دوست داریم در فعالیت‌هایمان کارهای فرهنگی برای آنان نیز انجام دهیم و بتوانیم در جهت کرامت سالمندان خدمتی بکنیم. متأسفانه در جامعه ما مسئله نگرش به سالمندان هم خیلی با مشکل روبه‌روست. وقتی افراد به مرحله سالمندی می‌رسند به آنها به چشم افراد اضافی نگاه می‌شود! مخصوصاً سالمندانی که از امکانات مالی برخوردار نیستند خیلی سربرار خانواده تلقی می‌شوند. بنابراین باید از نظر عاطفی و از جهت احترام اجتماعی به این گروه توجه کرد. این افراد معمولاً خیلی وابسته به خانواده هستند. متأسفانه در دنیای سرمایه‌داری، محک پول است که همه‌چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

برگردیم به نگاه آینده،

چون تفرش سرزمین آبا و اجدادی ماست ما خاطرات کودکی و نوجوانی خوبی از آن داریم. به همین دلیل دوست داریم که به این فضا برگشتی داشته‌باشیم و بتوانیم فعالیت سمن را در تفرش ادامه دهیم. دوست داریم بتوانیم یک کار فرهنگی انجام دهیم، کتابخانه‌ای تشکیل دهیم و دوره‌های خود را در آنجا برگزار کنیم. البته سمن ما هنوز نهاد بزرگی نیست، ولی امیدوارم در آینده بتوانیم فعالیت بیشتر و بهتری برای جامعه داشته باشیم.

کنوانسیون‌ها و یا اسنادی که در حمایت از گروه‌های مختلف نوشته می‌شوند بیانگر حقوق و حمایت‌های هستند که زیبا و آرمان‌گرایانه می‌باشند. ولی شکاف با واقعیت عملی وجود دارند. باید امکانات لازم برای تحقق این قوانین هم وجود داشته‌باشد. ضمن اهمیت قوانین و حقوق بین‌الملل، اگر قرار بود دنیا با قوانین و حقوق بین‌الملل اداره می‌شد باید از آنچه هست مطلوب‌تر می‌بود. بستر لازم بسیار مهم است. واقعیت این است که چنین چیزی معمولاً اتفاق نمی‌افتد نمی‌خواهم بگویم این قانون خیلی ایده‌آل‌گرایانه نوشته شده ولی واقعیت این است که رسیدن به این قوانین گذشته از زمینه‌های اجرایی، به تغییر فرهنگ و نگرش نیز نیازمند است. در بحث معلولیت به نظر من واقعی نگاه کردن و تغییر نگرش‌ها از همه چیز مهم‌تر است. من سال‌ها در حقوق بشر شاگردی کرده‌ام ولی همیشه این را به‌عنوان یک آزمایش و امتحان برای خودم گذاشته‌ام که اگر روزی فردی از نزدیکان بگوید می‌خواهد با یک فرد دارای معلولیت ازدواج کند، بدون توجه به معلولیت آنان نظرم درباره ازدواج را بیان کنم. آن زمان است که من نگاه بدون تبعیض را در مورد این افراد درونی کرده‌ام. وگرنه سخنرانی کردن و شعار دادن همیشه کار راحتی است درحالی‌که تعهد به حرف‌هایی که زده می‌شود مهم است. در بحث معلولیت به نظر من مهم‌ترین مسئله تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت است. اولین نگاه که به افراد دارای معلولیت در جوامع می‌شود، نباید نگاه به معلولیت فرد باشد. درحالی‌که در کشورهای که در زمینه ارتقای حمایت از افراد دارای معلولیت بیشتر کار کرده‌اند، ابتدا صفات دیگر فرد دیده می‌شود و شاید آخرین صفتی که به آن توجه می‌شود معلولیت او است. نکته دیگر





از ازدواج لیلا محمودی و محمد عطری بیست سال می‌گذرد. آنها دارای دو فرزند، یکی پسر و دیگری دختر هستند. لیلا سه سال است که با مجتمع رعد آشنا شده و رشته مترجمی زبان در مقطع کاربردی را به پایان رسانده است. او حالا دانشجوی ترم اول کارشناسی همین رشته است. لیلا در اثر حادثه‌ای در کودکی، چهار انگشت دست راستش را از دست داده و حالا با کمک و همراهی همسرش بوفه مرکز علمی کاربردی رعد را اداره می‌کند. با این زوج خوشبخت در محل بوفه، وقتی که سرشان شلوغ بود و پاسخگوی مشتریان هم بودند به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

خدا را شکر که در کنار هم زندگی عاشقانه و آرامی را تجربه می‌کنیم

بعد از اصرارهای زیاد ایشان، بالاخره راضی شدم و ازدواج کردیم. الان بیست سال است که از ازدواج ما می‌گذرد و ثمره ازدواج ما دو فرزند است. دخترم در سال اول دانشگاه است و در رشته‌ی مهندسی شهرسازی درس می‌خواند و پسر، ۱۶ ساله است و در هنرستان هوانوردی مشغول به تحصیل است.

شما از کودکی دچار نقص عضو شدی، با این مشکل چگونه کنار آمدی؟

لیلا: تاوقتی ازدواج نکرده بودم مشکل دستم برایم خیلی بزرگ بود و همیشه مثل یک غول بی شاخ و دم در نظرم می‌آمد. البته نمی‌دانستم که فقدان انگشتان دست هم یک نوع معلولیت به حساب می‌آید و اصلاً با اسم معلولیت بیگانه بودم. فقط می‌دانستم که با بقیه فرق دارم. من همیشه مانتوهای جیب‌دار می‌پوشیدم و دستم را در جیب مانتو پنهان می‌کردم. حتی صمیمی‌ترین دوستان در دبیرستان هم دست مرا نمی‌دیدند. البته می‌دانستند که مشکلی دارم ولی نمی‌گذاشتم کسی دستم را ببیند. در آن زمان اعتماد به نفس من صفر بود و این مسئله برایم خیلی مهم بود. ولی زمانی که با همسرم آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم ایشان خیلی به من

لیلا: همسرم به من گفت: نداشتن انگشت اصلاً اهمیتی ندارد. اگر دستت از مچ یا آرنج هم قطع شده بود من باز می‌خواستم با تو ازدواج کنم. چون تو را برای خودت می‌خواهم و نقص ظاهری تاثیری در انتخاب من ندارد

کردیم. آن زمان من ۱۷ ساله بودم و همسرم ۲۲ ساله بود. در یک رابطه دوستانه با هم آشنا شدیم و بعد از دوسال ازدواج کردیم. در سال ۷۵ عقد کردیم و در سال ۷۶ ازدواج کردیم. تا زمانی که ایشان از من خواستگاری کرد متوجه مشکل دست من نشده بود. وقتی از من درخواست ازدواج کرد من به او گفتم به دلیل مشکلی که در دستم وجود دارد، مایل نیستم که ازدواج کنم. او گفت، نداشتن انگشت اصلاً اهمیتی ندارد. اگر دستت از مچ یا آرنج هم قطع شده بود من باز می‌خواستم با تو ازدواج کنم چون تو را برای خودت می‌خواهم و نقص ظاهری تاثیری در انتخاب من ندارد.

لیلا خودش را اینگونه معرفی می‌کند: لیلا محمودی هستم، ۴۰ ساله و سه سال است که با مجتمع رعد آشنا شدم. از دو سال قبل تحصیل در رشته مترجمی زبان انگلیسی در مرکز علمی کاربردی رعد را شروع کردم و اکنون دانشجوی ترم اول کارشناسی مترجمی زبان هستم. زمانی که یکسال و نیمه بودم، دست راستم در دستگاه چرخ گوشت رفت و چهار انگشتم قطع شد.

- محمد عطری هم این چنین می‌گوید: محمد عطری هستم، ۴۶ ساله. در حال حاضر راننده ماشین سنگین هستم. بیست سال است که با هم ازدواج کردیم و دو فرزند داریم یک دختر و یک پسر. در بعضی از روزها به اینجا می‌آیم و در کارهای بوفه به همسرم کمک می‌کنم.

لیلا در ادامه می‌گوید، در پشت صحنه همه‌ی کارهای بوفه را همسرم انجام می‌دهند. از خرید مواد اولیه گرفته تا آماده کردن جوجه‌کباب و ماهی برای پخت و پز چون آشپزی ایشان بسیار خوب است.

در مورد ازدواجتان بگویید، چندسال است که ازدواج کرده اید و چگونه باهم آشنا شدید؟ ما در سن پایین با هم ازدواج



روحیه داد و مرتب به من می‌گفت چرا دستت را پنهان می‌کنی؟ همین رفتار همسرم باعث شد که اعتماد به نفس خوبی پیدا کنم. من رسیدن به شرایط فعلی را مدیون همسرم هستم. واقعا فکر می‌کنم که بهتر از ایشان هیچکس را در این دنیا و آن دنیا نمی‌توانستم پیدا کنم.

درجه سنی متوجه مشکل دستتان شدید؟

- خودم به یاد ندارم که چه اتفاقی برایم افتاد. ولی از خاطراتی که مادرم و بقیه برایم تعریف می‌کردند، چیزهایی یادم می‌آمد. در کودکی متوجه این موضوع نبودم. به مدرسه ی عادی می‌رفتم و دستم را هم پنهان نمی‌کردم. از سن بلوغ و از دوران راهنمایی، از نگاه های بچه‌ها و دیگران کم‌کم متوجه شدم که فرقی با دیگر بچه‌ها دارم. از آن موقع این مسئله خیلی برایم مهم شد به طوری که سعی می‌کردم زیاد از خانه بیرون نروم و دستم را همیشه در جیب مانتو پنهان می‌کردم. من از شش سالگی به همراه خانواده از تهران به شهرستان ملایر رفتم. در آنجا این مسائل بیشتر برایشان تازگی داشت و خیلی نگاه می‌کردند. این نگاه‌ها برایم خیلی ناراحت کننده بود. تا مرحله دیپلم در شهرستان ملایر زندگی کردم و همسرم هم در برهه‌ای از زندگی در این شهر زندگی می‌کردند. آشنایی ما در همان جا شکل گرفت. من هنوز دیپلم نگرفته بودم که عقد کردیم. یعنی امتحان چهار واحد درسی در دو درس شیمی و زبان باقی مانده بود که مصادف شد با مراسم ازدواج که نتوانستم امتحان بدهم. پس از ازدواج به تهران برگشتیم و وقتی دخترم یک سال و نیمه بود، به تشویق پدر همسرم تصمیم گرفتم درسم را تمام کنم و دیپلم بگیرم.

درس خواندن با بچه کوچک برایم سخت بود ولی با کمک‌های خانواده همسرم نتوانستم درس بخوانم و دیپلم بگیرم. دخترم دو ساله بود که دیپلم گرفتم و خیلی دوست داشتم که دانشگاه هم بروم. ولی چون هنوز مدرک پیش‌دانشگاهی نگرفته بودم، نتوانستم ادامه بدهم. من و همسرم تنها مشکلی که داشتیم خالی بودن دستمان بود و مشکل دیگری نداشتیم. البته یکی از خواهرهایم که چهار سال از من کوچکتر بود، خیلی از لحاظ مالی به ما کمک کرد. پدر همسرم از اول به ما نصیحت کرد که با هم رفیق باشید تا مشکلی برایتان پیش نیاید و

ما همین کار را کردیم.

محمد: من در تهران به دنیا آمدم و با خانواده در تهران زندگی می‌کردیم. من تنها یک برادر دارم. پدر و مادرم از اول در جریان آشنایی من و لیلا با هم بودند. بعد از مدتی به خواستگاری رفتیم و ایشان قبول کرد که با من ازدواج کند.

خانواده‌های شما چه برخوردی با ازدواجتان داشتند؟ هردو خانواده راضی بودند؟

لیلا: هر دو خانواده ناراضی بودند. مخالفت خانواده همسرم نه به دلیل مشکل جسمی من، بلکه به این خاطر بود که آشنایی ما با هم از مسیر سنتی طی نشده بود، پس نمی‌توانستیم خوشبخت شویم! خانواده من هم نقص دست من را بزرگ می‌کردند و می‌گفتند، مشکل دست تو بعدها باعث بهانه‌ای برای اختلاف در زندگی می‌شود. می‌گفتند این آقا اولش داغ است و متوجه نیست ولی دوسه سال دیگر ممکن است از این ازدواج پشیمان شود. البته کم بودن سن و سال هر دوی ما هم به این تردیدها دامن می‌زد. ولی چون به یکدیگر علاقه زیادی داشتیم، بالاخره ازدواج کردیم. البته سال‌های بسیار سختی را هم گذراندیم.

خانواده‌ها از نظر مالی شما از حمایت نمی‌کردند؟

لیلا: خیر. شرایط زندگی هر دو خانواده به اندازه خودشان بود و نمی‌توانستند حامی ما باشند. البته پدرم به غیر از من پنج فرزند دیگر هم داشت که از من کوچک‌تر بودند. پدر ایشان هم در زندگی شکست مالی بزرگی خورده بود و تمام اموالش را از دست داده بود و نمی‌توانستند به ما کمک کنند. البته همین باعث شد که از روز اول روی پای خودمان بایستیم. همسرم حتی هزینه‌های عقد و ازدواجمان را هم خودش پرداخت کرد. یادم می‌آید که شب عروسی که با ماشین عروس به طرف خانه‌مان می‌رفتیم، فقط هفتصد تومان پول درجیب داشتیم که با چهارصد تومانش در فردای عروسی، دو تا ساندویچ خریدیم و به عنوان ناهار خوردیم و سیصد تومان بقیه را هم کرایه تاکسی دادیم تا برای مراسم پاتختی به منزل مادر بزرگم برویم. در مراسم پاتختی حدود هجده هزار و پانصد تومان پول جمع شده بود که هجده هزار تومانش را برای تزئین اتاق عقد بدهکار بودیم که پراخت شد و پانصد

تومانش را هم درجیب‌مان گذاشتیم.

زندگی مشترکتان را در کجا شروع کردید؟

در یک خانه استیجاری که سه طبقه بود زندگی‌مان را شروع کردیم. ما در طبقه دوم ساکن شدیم که دو اتاق داشت و یک خانم سالمند که صاحب‌خانه بود هم در طبقه اول آن زندگی می‌کرد. در طبقه سوم هم سرویس بهداشتی و حمام و آشپزخانه بود که به‌طور مشترک از آن استفاده می‌کردیم. پرداخت کرایه خانه که ۵۰۰ تومان بود، برایمان بسیار سخت بود.

آقای عطری، شما در آن زمان به چه کاری مشغول بودید؟

محمد: در آن زمان مصالح ساختمانی می‌فروختم و واسطه‌گری می‌کردم. مدتی هم به عنوان پیک موتوری کار کردم. مدتی هم در سپاه پاسداران کار می‌کردم. بعد از پنج سال از آنجا بیرون آمدم و یک ماشین سواری خریدم و مسافرکشی می‌کردم. تا هشت سال همین کار را می‌کردم تا اینکه نتوانستم با کمک پدر همسرم یک خاور کمپرسی بخرم. چهارپنج سال هم با آن کار کردم و به تدریج یک خاور را به دو خاور تبدیل کردم. بعد هردو را فروختم و یک ماشین ده چرخ خریدم. اینگونه بود که به تدریج در زندگی جلو رفتیم و شرایطمان بهتر شد. البته باید بگویم که خیلی زحمت کشیدیم و سختی‌های زیادی را متحمل شدیم.

محمد: پدرم همیشه به من نصیحت می‌کرد که سه کار را در زندگی انجام بده: اول اینکه دروغ نگو، دوم اینکه دزدی نکن و سوم اینکه به ناموس دیگران کاری نداشته باش. من فکر می‌کنم تمام بدی‌های دنیا در این سه چیز جمع می‌شود. من این نصیحت پدر را آویزه‌ی گوش کرده‌ام و همیشه در زندگی راحت و راضی بوده‌ام.

پس وقتی بچه‌ها پتان به دنیا آمدند، وضعیت اقتصادی بهتری داشتید. درست است؟

لیلا: نه. بچه‌های ما هم خیلی سختی کشیدند چون دستمان هنوز خالی بود. یادم می‌آید که باردار بودم و چون نمی‌توانستیم به اندازه کافی





گوشت و مرغ بخیریم، گاهی اوقات پای مرغ می‌خریدم و با آن سوپ درست می‌کردم که قوت داشته‌باشد. ما با این شرایط زندگی کردیم ولی خدا را شکر زندگیمان به‌تدریج به شرایط بهتری رسید.

شما زیرپوشش بهزیستی هم بودید؟

بله. عضو بهزیستی شده‌بودم. وقتی پسر من به دنیا آمد و دخترم هم کوچک بود، نگهداری این دو بچه برایم بسیار دشوار بود تا اینکه به پیشنهاد یکی از همسایگان که کارمند بهزیستی بود، متوجه شدم که به دلیل نقص عضو میتوانم عضو بهزیستی شوم و از مزایای آن استفاده کنم. با راهنمایی این خانم در بهزیستی پیچ شمیران تشکیل پرونده دادم و توانستم دخترم را در مهدکودک مجانی ثبت نام کنم. دخترم به مهد کودک و پیش دبستانی رفت و پسر من هم دو سال از مهدکودک با تخفیف ویژه استفاده کرد.

لیلا خانم، شما هم کار می‌کردید؟

لیلا: بله. من مدتی در مرکز آمار کار می‌کردم. البته همسر مرا در کار کردن یا نکردن همیشه آزاد می‌گذاشت و می‌گفت، اگر دوست داری که در اجتماع باشی برو سرکار و گرنه نیازی به کار کردن تو نیست. ولی من کار کردن را دوست داشتم. به همین دلیل در سال ۸۵ به عنوان بازبین در مرکز آمار نفوس و مسکن شروع به کار کردم و در سال ۹۰ کارشناس بازبین شدم. بین سال‌های ۸۵ تا ۹۰ هم به‌صورت متفرقه در بعضی از آمارگیری‌های مرکز آمار در مسائل مختلف مثل سرطان سینه در بانوان، با یک گروه چند نفره کار می‌کردم. کار در مرکز آمار خیلی به من کمک کرد و گاهی درآمد من از همسر من که آن موقع مسافرکشی می‌کرد، بیشتر می‌شد!

از چه طریقی بارعد آشنا شدید؟

روزی در اتوبوس خانمی متوجه دست من شد. او به من گفت که فرزندش معلولیت دارد و او را به مرکز رعد برای شرکت در کلاس‌های آموزشی می‌برد. آدرس مرکز رعد شرق را به من داد. من به آنجا رفتم و تشکیل پرونده دادم. تا وقتی که به رعد نرفته بودم، نمی‌دانستم که به من معلول می‌گویند! در کلاس زبان ثبت نام کردم و بعد هم به کلاس کامپیوتر رفتم. طی دو سال، یک روز در هفته به رعد می‌آمدم و در کنارش هم کارهای آماری که

پیش می‌آمد را انجام می‌دادم. البته در آن زمان دیگر نیازی به کار کردن نداشتم. همیشه همسر من می‌گفت، یک روز در هفته به خودت اختصاص بده و هر کاری که دوست داری را انجام بده. آن یک روز همان روزی بود که به رعد می‌رفتم. همسر من این یک روز را در خانه می‌ماند، به بچه‌ها می‌رسید و برایشان غذا درست می‌کرد. در همان زمان بود که پیامی را از طرف رعد در مورد پذیرش دانشجو در دانشگاه علمی کاربردی شنیدم. من تماس گرفتم و شرایطش را پرسیدم. با توجه به اینکه دو سال کلاس زبان رفته بودم و به این رشته علاقه داشتم مترجمی زبان را انتخاب کردم و در این رشته مشغول شدم.

چه شد که از طبقه چهارم مجتمع رعد، اداره بوفه) سردرآوردید؟

لیلا: از دو سال پیش که در دانشگاه مشغول به درس خواندن شدم استادی داشتیم به نام آقای رحیم زاده که اگر موبایل کسی سر کلاس زنگ می‌خورد باید برای بچه‌های کلاس شیرینی می‌آورد. دو سه بار این اتفاق برای من هم افتاد و قرار شد همین کار را انجام دهم. به درخواست دوستان قرار شد به جای شیرینی آش بیاورم دو سه بار این کار را کردم و همه خیلی خوششان آمد. تا اینکه سال قبل چند نفر از اساتید دانشگاه به من توصیه کردند که مدیریت بوفه مجتمع را برعهده بگیرم. همین کار را کردم و از اول مهر ماه مشغول به‌کار شدم.

در این مدت چه ارزیابی از کار خود دارید؟ از کار خود راضی هستید؟

لیلا: فعلاً که راضیم. من این کار را دوست دارم و از اینکه مشتریان هم راضی هستند روحیه می‌گیرم. البته مدیریت این بوفه و اینکه بتوانم پاسخگوی همه مشتریان باشم سختی‌هایی دارد ولی با کمک همسر من و چند نفر دیگر سعی می‌کنم همه انتظارات را پاسخ دهم.

محمد: حدود یک ماه است که همسر من این بوفه را اداره می‌کند و من هم در روزهایی که کار اینجا بیشتر است، برای کمک می‌آیم. آشنایی من خوب است و در تهیه‌ی و مزه‌دار کردن جوجه کباب و ماهی به او کمک می‌کنم. سعی می‌کنم هر کاری که از دستم برآید را انجام دهم تا فشار زیادی به لیلا تحمیل نشود. ما الان نیازی به این کار نداریم، ولی چون همسر من علاقه

به فعالیت و روابط اجتماعی دارد من هم با او همراه هستیم.

در اینجا چه غذاهایی را سرو می‌کنید؟

محمد: هر نوع غذایی که معمولاً در خانه‌ها تهیه می‌شود، در اینجا هم عرضه می‌شود. مثل آبگوشت، انواع خورش‌ها، جوجه کباب، سبزی پلو ماهی و انواع آش و عدسی و انواع سالاد. در هر روز چند نوع غذا تهیه می‌شود. مواد اولیه روزانه تهیه می‌شود و همان روز پخته می‌شود. هیچ ماده غذایی را پخته از خانه به اینجا نمی‌آوریم فقط گاهی مواد اولیه‌ی جوجه کباب را که لازم است از شب قبل در مواد مزه‌دار شود در خانه تهیه می‌کنیم.

مشتریان این بوفه چه کسانی هستند؟ آیا به بیرون از مجتمع هم غذا می‌دهید؟

لیلا: کارآموزان، دانشجویان و هنرجویان و کارمندان مجتمع و اساتید محترم دانشگاه از مشتریان ما هستند. ما صبحانه، ناهار و میان وعده داریم. در اینجا چای و قهوه و کیک هم سرو می‌کنیم. همه مشتریان ما از داخل مجموعه هستند.

نظر شما در مورد ازدواج چیست و با توجه به تجربه موفق‌ی که در این زمینه دارید، آیا ازدواج را به جوانانی که معلولیت دارند، توصیه می‌کنید؟

محمد: من صد در صد ازدواج را توصیه می‌کنم. ولی معلولیت داشتن یا نداشتن نباید تاثیری در ازدواج داشته باشد. مهم این است که دو نفر یکدیگر را بفهمند و همدیگر را درک کنند. یک نفر دارای معلولیت ممکن است با یک فرد تندرست ازدواج کند و بسیار هم خوشبخت شود. خود معلولیت در زندگی تاثیر زیادی ندارد. کما اینکه هیچکدام از ما از چند دقیقه بعد خود خبر نداریم. توصیه من به افراد دارای معلولیتی که می‌خواهند ازدواج کنند این است که در زندگی صادق باشند و توقعشان را پایین بیاورند و در حد معقول از خودشان انتظار داشته‌باشند. من همیشه به همان چیزی که داشتم قانع بودم چون به نظر من خدا به هر کسی در حد لیاقتش می‌دهد.

لیلا: من هم با ازدواج موافقم به شرطی که دو طرف همدیگر را خوب بشناسند و همدیگر را درک کنند و بدانند همیشه در زندگی زناشویی پستی و بلندی‌های زیادی وجود دارد. باید صبر کنند و به همدیگر در غلبه بر مشکلات کمک کنند.



چند جمله تجربه یا شاید دل‌نوشته!

اکثر مردم فکر می‌کنن معلول یعنی کسی که نمی‌تونه راه بره،
دستاش مشکل دارن،
چشمش نمی‌بینن یا نمی‌تونه حرف بزنه،
ولی من میگم نه، ضعف یا نقص در جسم هیچکس دست خودش نیست
و چیزی نیست که کسی خودش انتخاب کنه و بخواد
بلکه معلول جسمی حرکتی واقعی کسیه که
نمی‌تونه دست کسی رو با عشق و محبت بگیره،
کمک کنه و یا حتی دستی که با محبت به سوش دراز میشه بگیره،
کسی که نمی‌تونه راه بره یا سخت راه میره معلول نیست،
معلول کسیه که نمی‌تونه و اراده شو نداره بره دنبال هدفش،
کسی که نمی‌تونه بیینه نابینا نیست،
کسی که نمی‌تونه محبت دیگران، زیبایی‌های درونی آدما و باطن زیبای دیگران رو بیینه
نابیناست،
اینقدر زیاده آدمایی که مشکل ذهنی دارن ولی قلبشون مثل آب زلال و مثل شیشه
شفافه، قلبشون سالمه
خلاصه نظرم اینه که اونیکه دستی برای کمک، پایی برای رفتن دنبال هدفش، دلی
برای محبت کردن و عشق ورزیدن و چشمی برای دیدن زیبایی باطنی آدمها نداره معلوله،
معلولیتی بدتر از مرگ، براشون آرزوی سلامتی دارم
یه جمله ای رو یادمه چند سال پیش در جواب خیلیا توی فیس بوکم نوشتم، بد نیست
اینجا هم بذارم:
شاید برای راه رفتن به پاهایم نیاز داشته باشم ولی برای رفتن راهم نه

مهناز صوفی، موفق در فضای مجازی



فعالیت‌های آموزشی و توانبخشی مجتمع رعده به جزیره قشم رسید!

موقعیت جغرافیایی:

قشم بزرگ‌ترین جزیره کشور، در منتهی علیه مرز جنوبی ایران در خلیج فارس، در تنگه هرمز قرار دارد. این جزیره علاوه بر جاذبه‌های طبیعی و زیبایی‌های شگفت انگیزش، به یکی از مراکز فعالیت‌های اقتصادی بسیاری از ایرانیان تبدیل شده‌است. جزیره قشم علاوه بر ساکنین محلی، پذیرای جمعیت مهاجر بسیاری نیز می‌باشد که در کنار رونق اقتصادی، مشکلات و تنگناهای متعددی را نیز به همراه آورده‌است. تا جایی که اقشار آسیب پذیرتر جزیره (زنان و جوانان) در معرض آسیب‌های مضاعفی قرار گرفتند.

پیشنهاد تاسیس شعبه مرکز رعده در جزیره قشم که علاوه بر ارائه خدمات آموزش‌های منجر به اشتغال برای افراد دارای معلولیت (که جزو وظایف سازمانی آن موسسه خیریه است)، به توانبخشی زنان و جوانان هم بپردازد، توسط خانم زینت دریایی، یکی از زنان فعال در حوزه مدنی و ساکن روستای سلخ مطرح گردید. بازدید این فعال اجتماعی از مجتمع رعده و گفت‌وگو با خانم پناهی، مدیر عامل مجتمع رعده مرکز، منجر به سفر مدیر عامل و تعدادی از اعضای هیات مدیره رعده و اعضای واحدهای هماهنگی و توسعه مراکز به جزیره قشم شد.

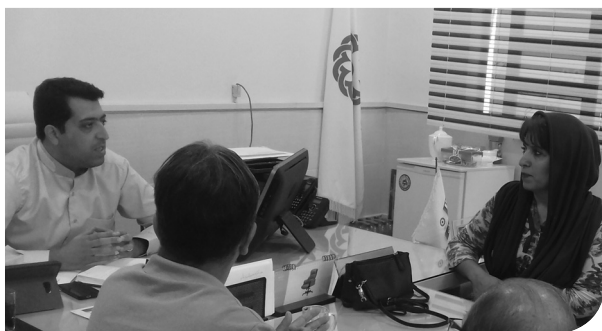
سفر به جزیره

چهار نفر از اعضای هیات مدیره به دعوت خانم دریایی در تاریخ اول آبان ماه ۹۶ به شهرستان قشم رفتند و مقدمات تاسیس شعبه رعده در جزیره قشم را بررسی نمودند.

در نشستی که به دعوت زینت دریایی برگزار شد، حدود سی نفر از معتمدین جزیره قشم و روستاهای اطراف گرد هم آمدند. در این نشست اعضای هیات مدیره رعده در مورد لزوم راه‌اندازی مرکزی جهت آموزش‌های منجر به اشتغال برای معلولان و جوانان و زنان در معرض آسیب توضیحاتی دادند و مهمانان مدعو در جریان فعالیت‌های این مرکز قرار گرفتند. در انتهای این نشست ۲۵ نفر از مدعوین با امضای صورتجلسه موافقت خود را در جهت تلاش برای راه‌اندازی مرکز مشابه رعده اعلام نمودند و به این ترتیب اعضای هیات امنای رعده قشم تعیین شدند.

روز بعد اعضای هیات مدیره رعده تهران به همراه زینت دریایی در ملاقاتی از پیش تعیین شده با مهندس اسماعیل کیانی، ریاست محترم سازمان بهزیستی در جزیره قشم، از لزوم تاسیس چنین مرکزی در جزیره گفت‌وگو کردند و با توجه به وضعیت خاص جمعیت ساکن در جزیره، پیشنهاد دادند که شعبه رعده در قشم با عنوان مرکز توانبخشی اجتماعی راه‌اندازی شود تا هم به افراد دارای معلولیت و هم در خصوص توانبخشی اجتماعی زنان و جوانان منطقه، آموزش‌های منجر به اشتغال را ارائه دهد تا این افراد نیز از آن امکانات بهره‌مند گردند.

در انتهای این نشست ریاست بهزیستی جزیره، با تأیید مطالب مطرح شده در جلسه، قول هر گونه مساعدت و همکاری در جهت تسریع در راه‌اندازی این مرکز را دادند و قرار شد نسبت به صدور مجوز شعبه رعده در جزیره تسهیلاتی قائل شوند.



فوره، گابریل (۱۸۴۵-۱۹۲۴م)

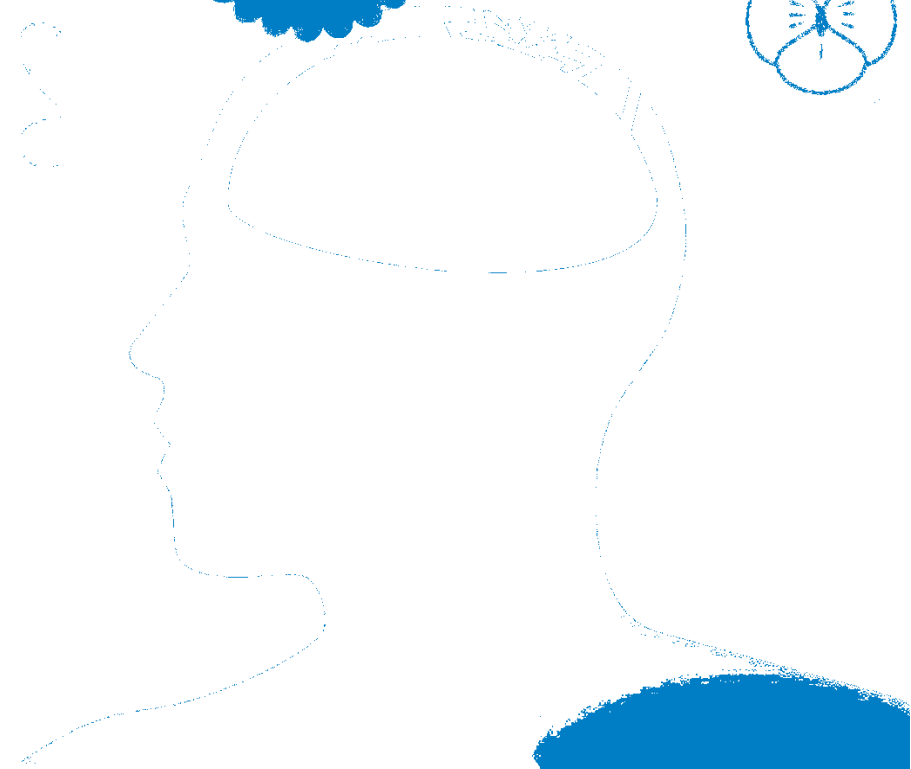
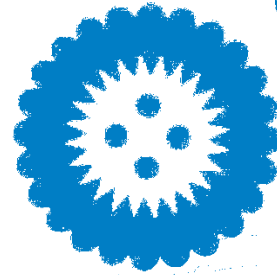
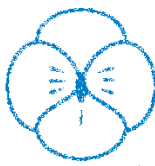
با آنکه گابریل فوره ۱۵ بانی مکتب امپرسیونیست نیست، اما او را از پیشروان این مکتب می‌شمارند. گابریل فوره در سال ۱۸۴۵ م. در پامیه به دنیا آمد. خانواده او اهل موسیقی نبود اما گابریل کوچک استعداد وافری در این هنر از خود نشان داد به طوری که پدرش در نه سالگی او را به مدرسه نیدرمیر در پاریس فرستاد تا اصول موسیقی را فراگیرد. در مدرسه موسیقی نیدرمیر خلاف کنسرواتوار پاریس، به موسیقی کلاسیک قدیم و اصول گرگوری توجه بسیار می‌شد و فوره نیز در سال ۱۸۶۵ م. با اطلاعات عمیقی از دوره‌های گذشته تحصیلات مدرسه را به پایان رساند. از این سال فوره به تصنیف قطعات پیانو و آواز پرداخت و یک بالاد برای پیانو و ارکستر و یک سونات بسیار زیبا برای ویولون نوشت.

در سال ۱۸۸۳ فوره با دختر فرمیه مجسمه‌ساز معروف ازدواج کرد و از آن به بعد زنش هم در تامین مخارج زندگی به او کمک می‌کرد و به این طریق آهنگساز قانع و بی‌اعتنا به امور دنیوی توانست با آسودگی بیشتر به کار خود بپردازد. یکی از کارهای مهم فوره در این زمان تصنیف پنج ملودی بر مبنای منظومه‌های ورلن بود. به علاوه وقتی نخستین بار تئاتر پلناس و ملیزاند از موریس متزلینگ به نمایش درآمد فوره برای بعضی از صحنه‌های آن قطعات موسیقی نوشت. در سال ۱۸۹۶ م. فوره به سمت ارگانیست کلیسای مادلن و سال بعد به استادی کنسرواتوار پاریس منصوب شد. در موسیقی تاتر فوره به سال ۱۹۰۰ م. پرومته تصنیف کرد. این اثر عالی که به واسطه وسعت ارکستر و آواز در نخستین نمایش موفقیت بسیار یافت در ردیف عالی‌ترین آثار موسیقی فرانسه در قرن نوزدهم میلادی درآمد. اما مهم‌ترین اثر فوره در این زمینه پیلوپ بود که به سال ۱۹۰۷ م. در پیانو، دوسنات و ویولنسل، تریو، یک فانتزی برای پیانو و ارکستر مجلسی، کوارت زهی و دوکوئنتت از او به یادگار مانده‌است. گابریل فوره از سال ۱۹۰۵ م. به ریاست کنسرواتور موسیقی پاریس منصوب شد ولی او مانند بتهوون به ضعف شنوایی دچار شد و چون به تدریج حساسیت شنوایی را از دست داد، در سال ۱۹۱۹ م. او را از ریاست کنسرواتور برکنار کردند. فوره با آنکه در اواخر عمر خود کاملاً ناشنوا شده‌بود، مع‌هذا از کار موسیقی غفلت نمی‌کرد و با حس شنوایی که در ذهن خود داشت، اثری در موسیقی به وجود آورد که از مهم‌ترین آنها به کوارتت زهی، نکتورن سیزدهم و ملودی‌هایی مانند، سراب و افق می‌شود اشاره کرد. موسیقی فوره دارای بیانی شیرین و لطف خاصی است. او در همه آثار خود به زبان ملودی توجه داشت ولی در بسیاری از اوقات، از قواعد موسیقی کلاسیک منحرف شده و راه نویی پیموده‌است. در واقع او پیشوای بزرگ کلود دبوسی و موریس راول بود که بعدها مکتب امپرسیونیست را بنیان گذاشتند. فوره در هر گرایشی از موسیقی، آثاری به یادگار گذاشت. اما نکته قابل توجه آن است که این ارگانیست هیچ‌گاه برای ارگ آهنگ نساخت و به جز یک رکویم در موسیقی مذهبی، اثری به جا نگذاشت. مهم‌ترین آثار فوره در موسیقی وازی، ملودی اوست که بین آنها «گل‌های اصفهان»، «گهواره‌ها»، «راز»، «لیدیا»، «مہتاب»، «گورستان، اسک‌ها»، «جنگل ماه سپتامبر»، و گل سرخ، و ارقاصه معروف است. بعضی از آوازهای فوره در یک دوره جمع آوری شده که در بین آنها «آواز حوا»، «باغ مسدود»، «سراب» و «افق موهوم» مهم‌تر است. در موسیقی پیانو چند والس، کاپریس، امپرناتور رمانس، نکتوران، بار کارول، وارپاسیون، و پرلور تصنیف کرد، اما «فانتزی برای پیانو و ارکستر» یکی از آثار عالی گابریل فوره است. آثار موسیقی تئاتر فوره چند قطعه موسیقی صحنه مانند «کالیگولا»، «پلئاس» و «میزاید» و مخصوصاً «شایلوک» است که موسیقی آن برای نمایش بازرگان ونیزی اثر شکسپیر ساخته شده است. دو اثر بزرگ فوره، «پرومته» و «پیلوپ» نماینده تحول بزرگی است که در موسیقی اپرای کیم صورت گرفته‌است. از مختصات موسیقی فوره طنین ارکستر و لطف و زیبایی خاص آهنگ‌ها است.

تاریخ موسیقی، فرهنگ دانش و هنر، فرهنگ بزرگ موسیقی
نواخ و مشاهیر معلول جهان - گردآورنده: منصور برجیان

Gabriel faure. ۱





شکیبا بردبار

«هوش هیجانی» توانایی فرد در نظارت بر احساسات و هیجان‌های خود و دیگران به‌منظور متمایز ساختن آنها از یکدیگر و استفاده از این اطلاعات برای هدایت اندیشه و عمل خود است. کسی که هوش هیجانی بالایی دارد سه مؤلفه هیجان، یعنی مؤلفه شناختی (نامی که روی هیجان گذاشته می‌شود مثلاً ترس)، مؤلفه فیزیولوژیکی (ضربان قلب) و مؤلفه رفتاری (فرار از روی ترس) را به‌طور صحیح و کاربردی با یکدیگر تلفیق می‌کند.

انواع هیجان:

اصلی: روانشناس‌ها شش هیجان را به‌عنوان هیجان‌های اصلی که در همه فرهنگ‌های دنیا مشترک هستند، شناسایی نموده‌اند: خشم، ترس، شادی، تعجب، غم و نفرت.

پیچیده: گاهی هیجان‌ها بوضوح هیجان‌های اصلی نیستند و در واقع از ترکیب دو یا چند هیجان اصلی به‌وجود می‌آیند. به‌طور مثال از ترکیب غم و تعجب، «ناامیدی»، از ترکیب خشم و نفرت، «تحقیر و توهین» و از ترکیب غم و نفرت، «پشیمانی» و همین‌طور ترکیب‌های دیگر به دست می‌آید.

هوش هیجانی^۱ که یک هوش چندبعدی است نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روانشناس به نام‌های جان مایر و سالوی معرفی شد. آنها هوش هیجانی را به‌عنوان شکلی از هوش اجتماعی تعریف کرده‌اند که توانایی ارزیابی هیجانات خود و دیگران، تمایز بین آنها و نظم دهی به افکار و اعمال خود با استفاده از اطلاعات هیجانی را شامل می‌شود. در کل هوش هیجانی ترکیبی از چهار توانایی به‌هم‌پیوسته شامل ادراک هیجان در خود و دیگران، استفاده از هیجان‌ها برای سهولت در تصمیم‌گیری، درک عواطف و هیجانات و مدیریت آنها است.

دانیل گلمن: IQ (هوش عمومی)، در بهترین شرایط تنها عامل ۲۰ درصد از موفقیت‌ها در زندگی است و ۸۰ درصد دیگر مربوط به EQ (هوش هیجانی) است.

افرادی با داشتن هوش عمومی متوسط و هوش هیجانی بالا موفق‌تر از افرادی هستند که هوش عمومی بالا و هوش هیجانی پایین دارند. هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده موفقیت افراد در زندگی و نحوه برخورد مناسب با استرس‌ها و چالش‌های زندگی است.

1. Emotional intelligence

مؤلفه‌های هوش هیجانی از نظر «پار-اون»

۱- مهارت‌های درون فردی: خودآگاهی هیجانی (بازشناسی و فهم احساسات خود)، جرأت (ابراز احساسات، عقاید، تفکرات و دفاع از حقوق شخصی به شیوه‌ای سازنده)، خودتنظیمی (آگاهی، فهم، پذیرش و احترام به خویش)، خودشکوفایی (تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه خویش)، استقلال (خودفرمانی و خودکنترلی در تفکر و عمل شخصی و رهایی از وابستگی هیجان)

۲- مهارت‌های میان فردی: روابط میان فردی (آگاهی، فهم و درک احساسات دیگران، ایجاد و حفظ روابط رضایت‌بخش دوجانبه که به صورت نزدیکی هیجانی و وابستگی مشخص می‌شود)، تعهد اجتماعی (عضو مؤثر و سازنده گروه اجتماعی خود بودن، نشان دادن خود به عنوان یک شریک خوب)، همدلی (توان آگاهی از احساسات دیگران، درک احساسات و تحسین آنها)

۳- سازگاری: مسئله‌گشایی (تشخیص و تعریف مسائل، همچنین ایجاد راه‌کارهای مؤثر)، آزمون واقعیت (ارزیابی مطابقت میان آنچه به طور ذهنی و آنچه به طور عینی، تجربه می‌شود)، انعطاف‌پذیری (تنظیم هیجان، تفکر و رفتار به هنگام تغییر موقعیت و شرایط)

۴- کنترل استرس: توانایی تحمل استرس (مقاومت در برابر وقایع نامطلوب و موقعیت‌های استرس‌زا)، کنترل تکانه (ایستادگی در مقابل تکانه یا انکار تکانه)

۵- خلق عمومی: شادی (احساس رضایت از خویش، شاد کردن خود و دیگران)، خوش‌بینی (نگاه به جنبه‌های روشن زندگی و حفظ نگرش مثبت حتی در مواجهه با نامایمات)

وراثت یا محیط، کدامیک مؤثرند؟

برخلاف هوش عمومی (IQ) که بیشتر تحت تأثیر عوامل وراثتی است و در طول زندگی فرد ثابت می‌ماند، هوش هیجانی احتمالاً بیشتر تحت تأثیر شرایط محیطی است. با توجه به اینکه در شکل‌گیری شخصیت هر دو عامل وراثت و محیط نقش دارند، در حال حاضر هنوز در مورد اینکه هوش هیجانی یک استعداد ارثی است یا مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های اکتسابی اتفاق نظر وجود ندارد.

امکان دارد شخص با هوش هیجانی زیاد متولد شود اما در آغاز کودکی این توانمندی به گونه‌ای آسیب ببیند و منجر به کاهش هوش هیجانی شود. همچنین ممکن است کودکی با هوش هیجانی کم متولد شود اما با الگوی پرورش صحیح هوش هیجانی وی افزایش یابد.

چرا باید هوش هیجانی را از کودکی پرورش داد؟

مقابله با مشکلات و سختی‌های زندگی یادگرفتنی است. کودکان نیز در دوران رشد بارها تعارض بین عواطف و احساسات خود و دیگران را تجربه می‌کنند و تلاش می‌کنند تا به آنها در روان خود شکل دهند. به همین دلیل این دوران بهترین زمان برای آموزش درک و مدیریت انواع احساسات و هیجان‌ات در کودک است. هنگامی که به کودک خود کمک می‌کنید تا احساسات دشوار خود مانند عصبانیت، ناامیدی یا آشفتگی ذهنی را درک کرده و آنها را مدیریت کند در واقع به او کمک می‌کنید تا بهره هوش عاطفی یا هوش هیجانی‌اش افزایش پیدا کند.

سازمان بهداشت جهانی مهارت‌های دهگانه‌ای را معرفی کرده که هر کس باید این توانایی‌ها را برای داشتن زندگی فردی و اجتماعی موفق کسب کند:

① **تصمیم‌گیری:** کودک یا نوجوان باید بتواند فعالانه در مورد اعمال خود تصمیم بگیرد، جوانب مختلف راه‌حل‌هایی که می‌تواند انتخاب کند را بررسی و پیامد هر انتخاب را ارزیابی نماید.

② **حل مسئله:** این توانمندی کودک را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثرتری مسائل زندگی را حل نماید.

③ **توانایی تفکر خلاق:** کودک با این نوع تفکر، راه‌حل‌های مختلف مسائل و پیامدهای هر یک از آنها را برای تصمیم‌گیری بهتر بررسی می‌کند.

④ **توانایی تفکر نقادانه:** آموزش این مهارت نوجوان را قادر می‌سازد تا در برخورد با ارزش‌ها، فشار گروه همسالان و رسانه‌های جمعی مقاومت نماید و از آسیب‌های ناشی از این موارد در امان بماند.

⑤ **توانایی برقراری رابطه مؤثر:** این مهارت به فرد کمک می‌کند تا نظرات، خواسته‌ها و نیازهای خود را به شیوه‌ای که متناسب با فرهنگ، جامعه و موقعیت، خود و ارزش‌ها و باورهای خویش را مطرح سازد و در صورت نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی نماید.

⑥ **توانایی برقراری روابط بین فردی سازگارانه:** این توانایی به ایجاد روابط بین فردی مثبت و مؤثر انسان با دیگران کمک می‌کند.

⑦ **توانایی آگاهی از خود:** خودآگاهی توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قدرت، نیازها، نگرانی‌ها و تمایلات است که به برقراری روابط اجتماعی و روابط بین فردی مناسب و همدلانه کمک می‌کند.

⑧ **توانایی همدلی با دیگران:** یعنی کودک یاد می‌گیرد دیگران را حتی وقتی با آنها بسیار متفاوت است بپذیرد و به آنها احترام بگذارد.

⑨ **توانایی مقابله با هیجان‌ها:** فرد هیجان‌ها و نحوه تأثیر آنها را بر خود و دیگران تشخیص می‌دهد و می‌تواند واکنش مناسبی به هیجان‌های مختلف نشان دهد.

⑩ **توانایی مقابله با تنش‌ها:** با شناخت منبع تنش و نحوه تأثیر آن بر انسان فرد می‌تواند با رفتار و موضع‌گیری‌های خود فشار را کاهش دهد.

موفقیت یک جامعه در مدیریت چالش‌ها و بحران‌ها، به استفاده بهینه تک‌تک افراد آن جامعه از فرصت‌ها و حل مسائل به شیوه‌ای آرامش‌بخش و دوستانه بستگی دارد. تقویت هوش هیجانی و آموزش مهارت‌های اجتماعی از ویژگی‌های آموزش باکیفیت یک جامعه است؛ آموزشی که مهارت‌های شناختی، فردی و بین فردی افراد را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد امروزه جای خالی این آموزش‌ها برای کودکان و نوجوانان در سیستم آموزش و پرورش کشور شدیداً احساس می‌شود. آموزش‌هایی که مهارت‌های روانی-اجتماعی را در دانش‌آموزان به‌اندازه مهارت‌های خواندن، نوشتن، ریاضی و علوم پرورش دهد. کودکان امروز بیش از هر چیز نیاز به یادگیری «تفکر خلاق» و مهارت‌های «حل مسئله» دارند تا احساس ارزشمند بودن کنند و بتوانند برای داشتن سلامت جسم و روان، روابط سالم اجتماعی برقرار کنند.

کانال «به اندیشان»،
دانشنامه سلامت روان



چرا مصرف بیش از حد نمک برای بدن ما مضر است؟

آن بدن مقدار زیادی آب جذب می‌کند تا بتواند سدیم اضافی را خارج کند. این امر باعث افزایش فشارخون در بعضی از افراد خواهد شد. بنابراین آب اضافه شده به بدن باعث افزایش فشار بر قلب و رگ‌های خونی می‌شود.

نمک و سکته قلبی:

مقدار مصرف نمک با میزان شیوع سکته در جامعه مرتبط است. علاوه بر این که نمک باعث افزایش فشار خون می‌شود، به‌نظر می‌رسد به‌طور مستقیم و بدون اینکه اثری بر فشارخون داشته باشد، باعث سکته قلبی می‌شوند.

نمک و پوکی استخوان:

با افزایش دریافت سدیم، برای برقراری دوباره تعادل سدیم موجود در مایعات بدن، کلسیم از استخوان برداشته شده، دفع ادراری آن افزایش می‌یابد، به همین دلیل باعث نازک شدن استخوان شده و در دراز مدت، زمینه ایجاد بیماری پوکی استخوان را فراهم می‌کند.

نمک و آسم:

مصرف نمک زیاد، شرایط آسم را تشدید می‌کند، یعنی اگر مستعد مبتلا به آسم هستید، به‌طور غیرمستقیم، بیماری شما را وخیم می‌کند، مطالعات متعدد نشان داده که کاهش مصرف نمک همراه با سایر عوامل درمانی در بهبود این بیماری مؤثر است.

نمک و نگهداری مایعات بدن:

مصرف زیاد نمک باعث افزایش احتیاس مایعات بدن می‌شود. کاهش مصرف نمک در این شرایط حدود دو لیتر از مایعات بدن (با دو کیلو گرم از وزن بدن) را کاهش می‌دهد. در بسیاری از افرادی که دچار ورم قوزک پا و تنگ شدن انگشت دستشان هستند با کاهش مصرف نمک در غذای خود ورم بسیار کاهش می‌یابد.

Phc.mui.ac.ir

تحقیقات علمی نشان داده‌اند که مصرف بیش از حد نمک عوارضی مانند پرفشاری خون و به‌دنبال آن افزایش خطر بروز سکته و حمله قلبی را در پی دارد. از دیگر عوارض مصرف زیاد نمک می‌توان به افزایش خطر بروز استئوپروز (پوکی استخوان) اشاره کرد. نمک و سرطان معده

سرطان معده یکی از سرطان‌های شایع در جهان است. در ایران، سرطان سومین علت مرگ و میر بشمار می‌رود و سرطان معده سومین سرطان شایع است. یکی از پیامدهای مصرف زیاد نمک سرطان معده است که امروزه مورد توجه خاص مجامع علمی قرار دارد. از مقایسه میزان شیوع سرطان معده در کشورهای مختلف دنیا، به‌نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی بین مقدار نمک مصرفی و تعداد افراد مبتلا به سرطان معده وجود دارد، یعنی در جوامعی که مصرف نمک بیشتر است، به همان نسبت هم میزان شیوع سرطان معده بیشتر می‌باشد.

چندین علت برای بروز سرطان معده شامل عفونت هلیکوباکتر پیلوری، عادات غذایی، مصرف ماهی‌های نمک‌سود شده، مصرف غذاهای پرنمک، آجیل‌های شور، تنقلات شور (چیپس و انواع فرآورده‌های غلات حجیم شده)، شورجات و ترشی‌ها، غذاهای نمک‌سود، چاقی، مصرف الکل، سیگار و وجود نیترات در مواد غذایی مصرفی و هم چنین سابقه فامیلی ذکر شده است. در انگلیس برآورد شده است که ۲۴٪ موارد سرطان معده (۳۱۱٪ در مردان و ۱۲٪ در زنان) با مصرف روزانه بیش از ۶ گرم نمک ارتباط دارد.

مطالعات متعددی ارتباط بین مصرف زیاد نمک و عفونت‌های هلیکوباکتر پیلوری را بعنوان عامل ایجاد صدمه در مخاط معده و سرطان معده نشان داده است.

نمک و افزایش فشار خون:

با مصرف غذاهای شور و پرنمک مقدار زیادی سدیم وارد بدن می‌شود، به‌دنبال



حقوق معلولان ایران

نویسنده: علی نوری با همکاری دفتر فرهنگ معلولین
ناشر: صبح صادق
نوبت چاپ: چاپ اول، پاییز ۹۴

این کتاب با عنوان حقوق معلولان ایران یک مجموعه قوانین نیست، یک اثر کلاسیک و نظریه‌پردازی صرف هم نیست بلکه شامل قوانین همراه با دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متنوع نخبگان در هر دوره و ملاحظات نویسنده است که به صورت تاریخی گردآوری شده است و نشان دهنده سیر تحول حقوق معلولان در ایران است. کتاب حاضر در چهار فصل تنظیم شده و سیر تحولات تاریخی حقوق معلولان ایران را در چهار مرحله بررسی کرده است. تصویب قوانین موردی، قوانین آموزشی و مناسب‌سازی، تصویب و اجرای نخستین قانون جامع و دوره جنبش فراگیر حقوق‌گرای معلولان را شامل می‌شود. هدف اصلی این کتاب اثبات دامنه حقوق معلولان از طریق معرفی قوانین و دیدگاه‌های متفکران درباره این قوانین است. فصل اول کتاب درباره تصویب قوانین موردی است که شامل سه مبحث می‌باشد؛ بخش اول کتاب، قوانین قبل از انقلاب اسلامی و مصوبات مجلس شورای ملی و دو مبحث دیگر درباره قوانین بعد از انقلاب اسلامی و مصوبات شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی است.

عمده‌ترین مطالبی که در این فصل عنوان شده تاسیس سازمان بهزیستی در سال ۱۳۵۹ است که از وظایف آن می‌توان به حمایت و توانبخشی نابینایان، ناشنوایان، معلولان جسمی حرکتی و ضایعه نخاعی، معلولان ذهنی و بیماران روانی مزمن و ... اشاره کرد. نگارنده در فصل دوم درباره سازمان آموزش و پرورش استثنایی، مناسب‌سازی و الحاق به کنوانسیون حقوق کودک مطالب مبسوطی را عنوان کرده است.

در فصل سوم کتاب درباره تدوین و تصویب قانون جامع (۱۳۸۳) و اجرای آن، کنوانسیون و فراکسیون معلولان، طرح‌های زمینه ساز قانون و معرفی کارایی آن، همایش حقوق معلولین و عناوین وابسته به آن به تفصیل بحث شده است.

فصل چهارم کتاب درباره جنبش حقوق‌گرای معلولان است که از مباحث آن می‌توان به لایحه حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت، لایحه جامع حمایت از حقوق معلولان، سیر رخدادهای حقوقی از دیدگاه معلولان، نقش سمن‌ها و مباحث دیگر اشاره کرد. کتاب حاضر دارای ضمیمه، کتاب شناسی حقوق معلولان، تصاویر نشست‌ها و فهرست تفصیلی می‌باشد.



رویداد توان تک مسیر جدیدی پیش روی اشتغال توان یابان



که بنیان گذارشان توان یاب است با استارت آپ هایی که خدماتی برای توان یاب ها ارائه می کنند یا ایده هایی برای ارائه خدمات به توان یاب ها دارند به رقابت خواهند پرداخت و برنده مسابقه علاوه بر دریافت تندیس رعد، جوایز نقدی ویژه ای نیز دریافت خواهند کرد.

هیات داوران پس از بررسی ثبت نام کنندگان بر اساس معیارهای جشنواره، فهرست نهایی استارت آپ ها را جهت حضور در توان تک اعلام خواهد کرد.

آشنا شوند و توان یابان هم با موقعیت های شغلی و فضای کاری استارت آپ ها ارتباط مؤثر برقرار کنند. از آن جا که استارت آپ ها انعطاف پذیری بالایی برای پذیرش توان یابان در موقعیت های شغلی مختلف دارند، پیش بینی می شود رویداد توان تک، فرصت های شغلی قابل توجهی را برای توان یابان فراهم کند.

یکی از بخش های اصلی رویداد نمایشگاه توان تک است. در این نمایشگاه، استارت آپ ها و کسب و کارهایی که در حال حاضر با توان یابان همکاری دارند یا تمایل به استخدام ایشان دارند حضور خواهند داشت. در کنار آن ها، استارت آپ هایی که توسط توان یاب ها راه اندازی شده نیز به ارائه خدمات و محصولات خود خواهند پرداخت. همچنین کارگاه های آموزشی تخصصی متعددی نیز در راستای توانمندسازی و آشنا کردن ایشان با الزامات اشتغال در حوزه فناوری اطلاعات برگزار می شود که از آن جمله می توان به کارگاه های برنامه نویسی، مهارت های راه اندازی کسب و کار، تولید محتوا، بازاریابی دیجیتال و مذاکرات استخدام از جمله اشاره کرد. این کارگاه ها توسط افراد سرشناس و مطرح، به منظور انتقال تجربه و ارائه داستان موفقیت ها و شکست هایشان اجرا خواهد شد. در بخش مسابقه نیز، استارت آپ هایی

جشنواره توان تک، با هدف فرهنگ سازی اشتغال توان یابان، ایجاد زمینه های ارتباط مؤثر استارت آپ ها با گروه هدف، معرفی فرصت های شغلی ویژه توان یابان و آرایه مهم ترین سرویس ها و خدمات مورد نیاز جامعه هدف در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار می شود.

فناوری اطلاعات در سال های اخیر با نفوذ در تمام جوانب زندگی بشری، هم نوآوری های بی شماری در ارائه خدمات بهتر به جامعه فراهم کرده و هم فرصت های شغلی فراوانی خلق کرده است که با توجه به تغییر الگوی اشتغال از کارگران بدنی به کارگران دانشی، می تواند فرصتی تاریخی در اشتغال توان یابان و شکوفایی توانایی های آنان باشد. تجربه های چند استارت آپ ایرانی نشان می دهد داشتن معلولیت جسمی، تأثیری در کارایی ذهنی و بازدهی کاری توان یابان دارای مهارت در حوزه فناوری اطلاعات ندارد در واقع مسأله اصلی این افراد عدم فرصت حضور در جامعه بوده است، نه ناتوانی در ارائه توانمندی های شان.

یکی از اهداف رویداد توان تک، آموزش دادن به توان یابان و خانواده های ایشان و همچنین فرهنگ سازی برای کارفرمایان است. برگزاری نمایشگاه با حضور استارت آپ ها باعث می شود کسب و کارها با توانمندی توان یابان و مهارت هایشان بیشتر

نظر سنجی رضایت مندی کارکنان و مربیان مجتمع تشریح شد



با قدردانی از تیم اجرایی تغییر نگرش و نیز همکاران و مربیان که در خلق این داده ها و نتایج، مشارکت کردند، افزود: رشد در اثر، فعالیت و تلاش حاصل می شود و اگر سال گذشته، درصد شناخت وضع موجود بر نمی آمدیم، قطعاً امسال از رشد حاصل شده بی اطلاع بودیم، بنا بر این لازم است با توجه به نتایج بدست آمده، تلاش کنیم تا سال آینده میانگین رضایت مندی به عدد بالا ۴ برسانیم و محیطی سرشار از امید و نشاط را برای خدمت به توان یابان بسازیم.

در سال ۹۵ نظر سنجی در خصوص رضایت مندی کارکنان رعد برگزار شد و یک سال پس از آن به منظور آگاهی از تأثیر مداخلات انجام شده، نظر سنجی مجدد انجام و گزارش آن ارائه شد.

در این نشست که با حضور مدیرعامل، همکاران و مربیان رعد برگزار شد، زهرا عمرانی عضو هیأت امنا و مسؤول کارگروه سنجش رضایت مندی کارکنان رعد با امیدوارکننده قلمداد کردن نتایج نظر سنجی جدید، افزود: در نظر سنجی امسال بیشترین میزان رشد رضایت مندی در گروه مربیان و مدرسان مشاهده می شود این در حالی است که سال گذشته بیشتر نارضایتی در این گروه مشاهده می شد.

عضو هیأت امنا می مجتمع رعد با یادآوری هدف گذاری رشد ۵ درصد برای یک سال سپری شده، افزود: در حالی که سال گذشته میانگین رضایت مندی به عدد ۲/۶۴٪ از عدد ۵ می رسید میانگین سال جاری به عدد ۳/۸٪ رسیده که این عدد رشدی معادل ۲۵ درصد را نشان می دهد. هر چند این عدد با وضعیت مطلوب فاصله دارد، اما مسیر حرکت روبه جلو و مثبت است. در پایان این نشست منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد



ذرات هوا پر بود از عطر مریم



جوان تجلیل به عمل آمد.

در بخشی از این مراسم مهندس احمد میرزاخانی، دکتر مشایخی، دکتر آسرای و خانم بیگم حائری‌زاده مدیر دبیرستان فرزاتگان در زمان تحصیل پروفیسور میرزاخانی با حضور در جایگاه، روند تأسیس بنیاد پروفیسور مریم میرزاخانی را تشریح کردند و افزودند: حمایت از استعدادهای علمی کشور در تمامی رشته‌های علوم تجربی، فنی و هنری مهم‌ترین رسالت بنیاد پروفیسور مریم میرزاخانی است که به زودی پس از تصویب نهایی اساسنامه تدوین شده و ثبت آن در مراجع مسؤول، فعالیت رسمی خود را آغاز خواهد کرد.

مراسم تجلیل از مقام علمی پروفیسور مریم میرزاخانی با حضور گسترده دانشجویان، مدرسان و اعضا هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف و نیز جمعی از مدعوین در سالن ورزشی این دانشگاه برگزار شد.

همزمان با آخرین روز آبان ماه مراسم گسترده و باشکوهی به منظور تجلیل از جایگاه علمی پروفیسور مریم میرزاخانی و به دعوت دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

در این مراسم دکتر رضا منصوری استاد فیزیک دانشگاه شریف با اشاره به توفیقات علمی ایرانیان در تاریخ علوم و دانش بشری، بازگشتی به عصر طلایی آل‌بویه و اندیشمندان این دوران داشت و افزود: ما اکنون در دوران احیای مجد و عظمت تولید علم بسر می‌بریم و استعدادهای جوان ایرانی می‌تواند نظیر پروفیسور مریم میرزاخانی موجب عظمت و اعتلای نام این کشور باشد.

در ادامه دکتر زهرا گویا عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به بی‌باکی، فروتنی و خلاقیت پروفیسور مریم میرزاخانی، دیگر ابعاد علمی و اجتماعی این نابغه جهان ریاضیات را برشمرد و افزود: مریم میرزاخانی شخصیتی چند بعدی داشت و در کنار فعالیت‌های پیچیده علمی، مادرانه از تنها فرزند خردسالش مراقبت می‌کرد.

در این مراسم با اهدا دانشنامه پایان تحصیلات کارشناسی به پدر و مادر پروفیسور مریم میرزاخانی توسط جمعی از شخصیت‌های علمی و دانشگاهی کشور از مقام این دانشمند

دومین جشنواره رنگ صلح در برج میلاد تهران افتتاح شد



با حضور سفیر ویتنام و هنرمندان نامداری همچون: حسین محجوبی، هادی جمالی، امیراحمدی، منیژه صحنی، مسیح میرحسینی، فرزانه محجوبی، دکتر رضاسپیدان نایب رئیس انجمن دوستی با سایر کشورها، چند نفر از مسؤولان انجمن دوستی ایران و لهستان و جمعی از هنرجویان دوره‌های نقاشی مجتمع رعد، دومین جشنواره رنگ صلح توسط ۲ نفر از هنرمندان توان‌یاب خیریه رعد به نام‌های فاطمه رباط جزئی و شاهرخ احمدی افتتاح شد.

آموزشگاه هنری پویندگان با این باور که جهانی شدن صلح نیاز به آموزش و نهادینه شدن در وجود هر انسان دارد تا مفهوم صلح در هر مکانی احساس شود به نقش مهم هنر در شکل‌گیری این ارزش انسانی آگاه بوده است. بنا بر این به مناسبت روز جهانی صلح، دومین جشنواره رنگ صلح با موضوع (هنر، انسان و صلح) در ۳ گروه سنی کودک، نوجوان و بزرگسال برگزار کرد تا نغمه شادی و امید را برای همگان به ویژه زنان و کودکان به ارمغان آورد و ندای صلح خواهی را به گوش جهانیان برساند.

در این مراسم سفیر کشور ویتنام طی سخنانی درباره صلح و دوستی، افزود: برقراری صلح در درون جامعه باعث آرامش و زیبایی در زندگی بشریت خواهد شد به همین دلیل از موضوع صلح بسیار استقبال کرده و آن را یک ضرورت جهانی قلمداد می‌کنم.

بر اساس این گزارش تابلوهای نقاشی تعدادی از هنرمندان خیریه رعد که برای داوری ارسال شده بود در نمایشگاه در معرض نگاه بازدیدکنندگان قرار گرفته بود که از آن میان آثار ندا بیات، اعظم مرادی، لیلا احمدوند، معصومه مظفری، زهرا قریشی، سمیه شجاعی، شاهرخ احمدی و فاطمه رباط جزئی انتخاب و به نمایش

گذاشته شد و در آیین گشایش جشنواره که هنرمندان مجتمع رعد آنرا اجرا کردند، شاهرخ احمدی و فاطمه رباط جزئی با بردن نوار رنگی، رسماً جشنواره را آغاز کردند.

شایان ذکر است هاجر فدوی مربی کلاس نقاشی که در انتخاب و ارسال آثار هنرجویان مسؤولیت مستقیم داشت در این مراسم حضور داشت و از نزدیک موفقیت‌های هنرجویانش را مشاهده کرد. گفتنی است، این جشنواره به مدت یک هفته در گالری هنری برج میلاد تهران برگزار شد و خنر دوستان از نزدیک آثار هنرمندان رعد را مشاهده و توانایی آنها را تحسین کردند.



حمایت بانک قرض الحسنه مهر ایران از کارآموزان و کارآموختگان مجتمع رعد



با هدف شناخت بیشتر بانک قرض الحسنه مهر ایران از فعالیت‌های خیریه رعد، چند تن از مدیران آن بانک ضمن بازدید از کلاس‌ها و کارگاه‌ها آموزشی با مدیرعامل رعد دیدار و گفت‌وگو کردند.

عون‌اله سلطانیان مدیر شعب استان تهران، حسین رحیمی مسؤول بازاریابی و امیر بیگدلی کارشناس بازاریابی بانک قرض الحسنه مهر ایران پس از بازدید از کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی در جلسه‌ای با حضور منصوره پناهی مدیرعامل، سیامک خسروی مدیر امور مالی و فاطمه صادق‌پور مدیر مشارکت‌های مردمی حضور پیدا کرده و راه‌های حمایت‌های بانک قرض‌الحسنه مهر ایران از مددجویان خیریه رعد را بررسی کردند.

بود که در این جلسه مورد موافقت قرار گرفت، همچنین موضوع افزایش اعتبار مجتمع رعد از طریق معرفی سپرده‌گذاران از جمله مواردی بود که در این جلسه مورد توافق واقع شد.

براساس این گزارش، پرداخت وام اشتغال تا سقف ۲۰ میلیون تومان با محاسبه حداقل کارمزد برای توان‌یابان جویای کار از مواردی

برگزاری سومین گردهمایی رؤسای مراکز علمی کاربردی استان تهران در خیریه رعد



به منظور بررسی و آشنایی مدیران مراکز آموزش علمی کاربردی با مشکلات متقاضیان (افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی) برای ادامه تحصیل و طرح مباحث کاربردی و کارورزی در دانشگاه جامع علمی-کاربردی سومین گردهمایی رؤسای مراکز استان تهران به میزبانی مرکز آموزش علمی-کاربردی نیکوکاری رعد برگزار شد و دکتر فرامرز اکرمی سرپرست دانشگاه جامع علمی کاربردی استان تهران گفت: مرکز رعد با هدف تسهیلگری در امر تحصیلات دانشگاهی توان‌یابان و پر کردن شکاف اجتماعی عدم شناخت توانایی‌های افراد دارای معلولیت تأسیس شده است.

گردهمایی انجمن‌های فعال حوزه توان‌یابان

در رویدادهای آینده باشد، بنابراین در نظر داشتیم با برگزاری یک گردهمایی صمیمانه راه‌های فعالیت مشترک مراکز را بررسی و تبیین کنیم.

در ادامه این نشست شرکت‌کنندگان به ۳ گروه تقسیم شدند و در هر گروه یک نفر را به عنوان سرگروه انتخاب کردند و پس از پاسخ به پرسشنامه طراحی شده، اطلاعاتی در خصوص اهداف، فعالیت‌ها، مهم‌ترین عملکرد، میزان پاور و نیاز به کار گروهی و پروژه‌هایی که قابلیت همکاری دارند، جمع‌آوری شد.

سپس سرگروه‌ها گزارشی از مباحث مطرح شده در هر گروه برای اطلاع حضار بیان کردند سپس فعالیت‌هایی که نیاز به همکاری سایر مراکز دارد، تشریح شد.

در ادامه مدیران مراکز مهم‌ترین مسائل حال حاضر جامعه معلولان کشور را مطرح کردند و تصمیم‌گیری شد برای اثرگذاری مناسب، نامه‌ای برای مراکز تصمیم‌گیری کشور تهیه و ارسال شود و در این نامه مهم‌ترین اولویت‌های توان‌یابان مطرح شود.

به دعوت مدیرعامل مجتمع رعد، جمعی از مدیران عامل و مسؤولان مراکز فعال حوزه معلولان به منظور بیان مهم‌ترین مسائل مورد نظر و شناخت راه‌کارهای همکاری مشترک گردهم آمدند.

با حضور نمایندگان و مسؤولان انجمن ضایعات نخاعی ایران، انجمن ضایعات نخاعی استان تهران، دفتر فرهنگ معلولین قم، انجمن فرهنگی، ورزشی و گردشگری معلولان پارس، مؤسسه پیام‌آوران ساحل امید، انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران، انجمن نابینایان ایران و جامعه معلولین ایران، نخستین نشست مشترک مراکز فعال حوزه افراد دارای معلولیت به میزبانی مجتمع رعد برگزار شد.

براساس این گزارش منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد با اشاره به ضرورت هم‌گرایی مؤسسات همکار و شناخت مزیت‌های نسبی هر مرکز در مسیر رشد و تعالی عزیزان توان‌یاب، افزود: از آنجا که شناخت توانمندی‌ها، اهداف و وظایف مراکز فعال حوزه معلولان می‌تواند عامل مؤثری در پیشبرد اهداف و همکاری‌های مشترک

انتشار کتاب راهی به سوی اشتغال



منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد و مدرس دوره‌های اشتغال حمایت شده در ادامه فعالیت‌های آموزشی و ترویجی‌اش کتاب «راهی به سوی اشتغال سریع» را تألیف کرد در مقدمه کتاب دکتر انوشیروان محسنی بندپی معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور آورده است: از روش‌های نوین و موفق در زمینه توانبخشی حرفه‌ای روش اشتغال حمایتی معلولان است.



disability - and is about the deficiencies that exist in this comprehensive law of supporting the rights of people with disability. It also offers suggestions on amendment to it.

However, at the end of the article the writer hopes that this law will be approved as soon as possible despite all its deficiencies and will put an end to the apprehensions of many who have concerns about its approval.

According to the writer, no law is complete and flawless and its nature requires that it should be completed gradually.

▲ The students of my class have the ability to earn an income

A conversation with Majid Ghotbinejad- a painting instructor in Raʿad

Majid Ghotbinejad holds a BA in Graphics; however, he has learned his work most practically. He has been painting for 20 years quite seriously. Although he has worked in graphics for several years, his principal interest is in painting.

This artist has been teaching painting in Raʿad institute to enthusiastic students of Arts for nearly eight years. At the end of this interview three students of the class have been talked with and have been asked about the role of painting in their lives.

▲ I managed to pursue my work with the help of my aid

A conversation with Saeedeh Dashtbani - the software specialist and an employee of «Chargoon Company» as a computer programmer

In this conversation, Saeedeh talks about the ups and downs she has experienced in life. Having gotten in contact with Raʿad institute and having attended its training classes, Saeedeh began working in «Chargoon Company» through the supported employment method and eventually got employed there.

She has an aid with whom she consults to solve her problems whenever she runs into any.

▲ The Vicious Cycle of Poverty and Disability

A note by Saeedeh Zarouri about the interrelated effects of poverty and disability

11) False Judgments

A memory of Seyed Mohsen Hosseini Taha which has been written in the book «Blossoming in the Desert»

▲ I hope I will be able to keep alive the name and the memory of Sara Mosaffa through this institute



A conversation with Dr Nasrin Mosaffa- the professor at the college of Law in Tehran University and the founder of Sara Social Society

She has established Sara Social Society along with a group of her friends and family for the sake of supporting the students of Law. According to Dr Mosaffa, what this institute does, is helping the students, especially young women, who need legal or scientific consultation.

▲ Thank God that we have a romantic and quiet life together



A conversation with Leila Mahmoudi and Mohammed Atri, a happy couple who got married twenty years ago and now have a daughter and a son

Leila who has lost her right hand fingers in her childhood because of an accident, is now a BA student of Translation in Raʿad College of Applied Sciences. She runs Raʿad buffet along with her husband.

▲ Raʿad educational and rehabilitation activities have now reached Qeshm Island!

A report of the trip of Raʿad managing director and a number of its members to Qeshm Island in order to contrive to establish Raʿad bureau in Qeshm.

▲ Luminaries with Disability

▲ Emotional Intelligence - Health

▲ Salt - Health

▲ Introducing Books

▲ What is the News in Raʿad?



Leading article

▲ Editorial

▲ The beginning of the review of the comprehensive law of supporting the right of people with disability, was with the effort of the State Welfare Organisation



A conversation with Dr Nahvinejad- the deputy of the rehabilitation part of the State Welfare Organisation about the path this comprehensive law took to become the bill of the rights of people with disability

▲ No matter how thorough the law is, it cannot single-handedly solve everything



A round-table discussion on the challenges facing the bill of the law of supporting the rights of people with disability that was held in Ra'ad institute - an educational charity organisation- on 10.10.2017.

This round-table was attended by Mohammed Saberi - attorney and PhD law student, Dr Kamran Aravan- the managing director of the society of the people with disability in Iran, Dr Azadeh Sadat Taheri- lawyer and a member of the academic board of the university, Dr Maryam Rasoulia - psychiatrist and the editor in chief of Tavanyab journal, Mr. Sokhansanj - the director of the public relations of Ra'ad Institute, Mr. Dashti and the members of the editorial board of Tavanyab journal.

In this round-table discussion all attendees set forth their views on the bill of supporting the rights of people with disability and eventually arrived at the conclusion that the approval of this bill is just the start, and following up on the execution of the provisions of this bill is a responsibility of NGOs' and the activists of this area.

▲ People with disabilities have no one to come to their rescue!



A conversation with Dr Ali Hemat Mahmoudnejad about the path that the comprehensive law of supporting the rights of people with disability and the bill of the rights of people with disability have taken, and the fact that this bill is yet to move from the parliament's commission for social affairs to the floor of the parliament

▲ The Bill of Supporting the Rights of People with Disability

The complete text of the bill

▲ The Law, Disability and International Regulations

A Short Summary of the Historical Situation of the Rules and the Regulations on Disability

This article has been written by Dr Kamran Aravan - the managing director of the society of people with disability in Iran - about the historical situation of rules on disability in Iran and in the World.

▲ A report of Eliminating the Guardian Council's Objections to the Bill of Supporting the Rights of People with Disability

This article is a comprehensive report of the Guardian Council's objections to the bill and its suggestions on it which has been prepared by Dr Kheyrollah Shahbazi who is a specialist at the research center of Islamic Parliament of IRAN.

▲ A Pathological Look upon the Comprehensive Law of Supporting the Rights of People with Disability

This article has been written by Mohammed Hosseini - an activist and researcher in the field of people with

